

بسمه تعالی

شورای عالی انقلاب فرهنگی

:

:

:

پاییز ۱۳۸۷

چکیده

گزارش گرد آوری و اولویت بندی مسائل فرهنگ عمومی در کشور با هدف سیاستگذاری در عرصه فرهنگ عمومی انجام شد. این تحقیق با استفاده از منابعی مانند نتایج تحقیقات گذشته، سخنان مسوولین طراز اول و نظرات مراجع تقلید اجرا شد. در مرحله نخست تلاش شد لیستی از مسائل فرهنگ عمومی در کشور گرد آوری شود. این مسائل در حقیقت از نظر مراجع یادشده مورد بررسی و طرح در منابعی مانند وبگاه گزارش تحقیق یا کتاب قرار گرفته بودند، پس از گرد آوری گویه هایی که مسائل فرهنگ عمومی را منعکس می کردند این گویه ها جهت داوری به ۵ نفر از داوران ارائه شد تا به داوری از حیث انطباق با تعریف مساله فرهنگ عمومی بپردازند.

گویه های مورد تایید داوران پیش از تنظیم در پرسشنامه از جهت مرجع اولیه و جهت گیری موضوعی به دو گونه طبقه بندی شدند که در متن و ضمیمه به آن اشاره شده است. سپس در پرسشنامه ای تنظیم شد تا از ۶۰ خبره فرهنگی در دو گروه نظری و عملی از نظر اولویت مورد پرسش قرار گیرد. این خبرگان از دو جهت می توانستند با فرهنگ عمومی مرتبط باشند یا نظری که منظور از آن ارتباط از طریق کار علمی و دانشگاهی است و یا عملی که منظور از آن تولید محصولات فرهنگی با گرایش فرهنگ عمومی است مانند روزنامه نگاران و تهیه کنندگان سینما و تلویزیون.

پرسشنامه از مجموع گویه های مسائل فرهنگ عمومی تشکیل شده بود و از پاسخ دهنده می خواست که به هر گویه امتیازی از ۰ تا ۱۰۰ بدهد که هر امتیاز نشان دهنده میزان اولویت و اهمیت مساله فرهنگی نسبت به سایر گویه ها بود. نتایج پرسش نامه ها پس از گرد آوری نشان دهنده اولویت های گویه های مسائل فرهنگ عمومی نسبت به یکدیگر بودند. این گویه ها پس از تنظیم در جداول توصیفی مجدداً از سوی ۱۰ نفر از داوران مورد بررسی و داوری مجدد قرار گرفته شدند که ماحصل آن با ۷۸ گویه در جداول توصیفی آورده شدند.

نتیجه نهایی این گزارش لیستی از ۷۸ گویه مساله فرهنگ عمومی است که با توجه به امتیاز داده شده از خبرگان نظری و عملی در سه گروه کل، نظری و عملی آورده شده اند. اولویت بندی ۱۰ گویه نخست بر اساس میانگین امتیاز دو گروه به قرار زیر است:

۱	اولویت دادن منافع شخصی و جناحی بر مصالح ملی
۲	اظهار نظرهای غیرکارشناسی
۳	احساس بی عدالتی در توزیع امکانات مادی
۴	رواج مدرک گرایی
۵	عافیت طلبی و بی توجهی به وضعیت جامعه و آینده کشور
۶	توقع حل تمام مشکلات از دولت
۷	نبود نشاط و سرزندگی در جامعه
۸	شعارزدگی و پرهیز از عمل گرایی
۹	رواج دروغ گویی
۱۰	رواج غیبت

فهرست مطالب

۶		:
۷		
۸		:
۱۰		
۱۲		:
۱۳		:
۱۳		
۱۵		
۱۵		
۱۷	()	
۱۸		
۱۹		
۲۱		:
۲۳		-
۲۵		
۳۰		« »
۳۵		.
۳۷		:

۴۷ ----- :

۴۸ -----

۵۱ -----

۵۱ ----- :

۵۲ -----

۵۷ ----- :

۶۳ ----- :

۹۲ -----

۹۳ ----- ()

۹۹ ----- 1-

۱۰۰ ----- -

۱۰۰ ----- -

۱۰۷ -----

۱۰۷ -----

۱۱۰ -----

۱۱۳ -----

۱۱۶ -----

۱۱۷ ----- :

۱۱۹ ----- :

۱۲۷ -----

۱۲۸ -----

۱۳۳ -----

۱۳۳ -----

۱۴۱ -----

۱۶۳ -----

۱۶۸ -----:

۱۷۳ -----

⋮

ایده اولویت بندی مسائل فرهنگ عمومی در کشور در دیماه ۱۳۸۶ از سوی مرکز مهندسی فرهنگی در دبیرخانه شورایعالی انقلاب فرهنگی مطرح شد.

از آنجا که مرکز مهندسی فرهنگی در سرآغاز برنامه ریزی‌ها می‌بایست فهرستی از اهم مسائل فرهنگ عمومی را در اختیار می‌داشت. مطالعه ای جهت گردآوری و اولویت بندی این مسائل در دستور کار قرار گرفت.

هدف از اولویت بندی مسائل فرهنگ عمومی، تهیه نقشه عمل برای سیاستگذاری و برنامه ریزی در این مرکز بود. به عبارت دیگر اولویتهای مسائل فرهنگ عمومی تعیین کننده سیاستهای مرکز مهندسی فرهنگی در جهت رفع یا دفع این مسائل قرار می گرفت .

پیرو طرح مساله با عنایت به ضرورت تسریع در انجام این پژوهش و تاکید بر استفاده حداکثری از منابع علمی و پژوهشی موجود، اجراء این تحقیق در گستره شهر تهران آغاز شد.

اهمیت پایبندی به تعریف عملیاتی از فرهنگ عمومی در این مرحله باعث شد تا نخستین گام از پژوهش به این موضوع معطوف گردد. لذا با عنایت به کاربرد نهایی نتایج پژوهش در سیاستگذاری فرهنگی ضرورت رویکرد بومی این تعریف ایجاب می کرد تا پژوهشگران مطالعات نظری را با رویکرد بومی به فرهنگ عمومی مورد توجه قرار دهند.

برداشتهای متعدد و بعضا ضد و نقیض از مفهوم فرهنگ عمومی به چالش نظری این مرحله بدل شد، این امر با توجه به سایه سنگین ادبیات غیر بومی بر این حوزه مستلزم مطالعه سیاستهای فرهنگی کشور و در نظر داشتن دیدگاههای بومی در تهیه چارچوب نظری بود.

از جمله منابع مورد توجه در تدوین تعریف بومی از فرهنگ عمومی ، سیاستها و برنامه‌های فرهنگی پس از انقلاب، دید گاههای مقام معظم رهبری و خلاقیتهای نظری رهبران و مراجع فکری در این عرصه بود. اگر چه گذر از این مرحله مستلزم عدول از تعهدات زمانی در انجام تحقیق می‌شد. لیکن به نظر می‌رسید عدم توجه به مبانی فکری فرهنگ، همچون گذشته چه بسا موجب سردرگمی و ابتر ماندن مطالعات شود. اگر چه مطالعات نظری در حد تعریف بومی عملیاتی در این تحقیق متوقف شده است ، به نظر می‌رسد، دستاوردهای این مرحله قابلیت شرح و بسط بیشتر تا تبدیل شدن به نظریه بومی فرهنگ فرهنگ عمومی در کشور را دارا باشد.

پس از تدوین چارچوب نظری ،مرحله گردآوری مسائل فرهنگ عمومی از منابع و ارائه آن به خبرگان آغاز شد.

همچنانکه در طرح اولیه پیش بینی شده بود، مراکز ذیربط با فرهنگ عمومی از حیث پژوهشها و منابع واسناد گرد آوری شده مورد جستجو قرار گرفت . در این مرحله قریب به ۲۸۰ گویه به عنوان

مساله فرهنگ عمومی گرد آوری شد. پس از مقایسه و تطبیق گویه‌ها حدود نیمی از آنها به دلیل تکرار حذف شدند، گویه‌های باقیمانده به داورانی از متخصصان داده شد تا با مقایسه آنها با تعریف در نظر گرفته شده، این گویه‌ها را به عنوان «مساله فرهنگ عمومی» مورد دآوری قرار دهند.

گویه‌های نهایی در پرسشنامه ای برای ارائه به خبرگان فرهنگی تنظیم شد. این پرسشنامه همچنانکه در فصول آتی خواهد آمد. با ابزار سنجش طیف مدرج ۱۰۰ درجه ای تنظیم شد.

خبرگان فرهنگی در دو گروه خبرگان نظری و خبرگان عملی به امتیاز دهی به گویه‌های پرسشنامه پرداختند و در نهایت به تجميع امتیازهای داده شده اولویتهای مسائل فرهنگ عمومی در سه دسته اولویت های کل، اولویت خبرگان نظری و اولویت خبرگان عملی به دست آمد.

:

مساله:

تفاوتی میان آنچه هست و آنچه باید باشد این تفاوت از سوی نخبگان تشخیص و تذکر داده می شود

فرهنگ عمومی:

گسترده ترین و فراگیرترین باورها، نگرش ها، گرایش ها، ارزش ها، الگوها و عادات رفتاری یک جامعه که اکثر مردم در زندگی فردی و اجتماعی آنها را بکار می گیرند و اعتقادات و اخلاق و ملکات و روش های زندگی مردم را متجلی می سازند

خبرگان فرهنگی :

جمعی از افراد متخصص و مجرب که در امور مربوط به فرهنگ بصورت حرفه ای فعالیت با سابقه دارند در این تحقیق از ۶۰ نفر از خبرگان در دو گروه نظری و عملی برای اولویت بندی مسائل فرهنگ عمومی پرسش شد.

خبرگان نظری : آن دسته از خبرگان که نسبت آنها با فرهنگ عمومی به واسطه فعالیت های دانشگاهی، پژوهشی و علمی است مانند استادان و پژوهشگران رشته های مطالعات فرهنگی، جامعه شناسی

خبرگان عملی: افرادی که نسبت آنها با فرهنگ عمومی به واسطه حرفه و تولیدی است که ارائه می کنند مانند روزنامه نگاران، تولید کنندگان تلویزیون

:

تاملی در آیات قرآن کریم و ذکر احوال انبیاء الهی و اقوامی که دچار عذاب شدند نشان می دهد که عذاب الهی نتیجه مفاسدی است که در فرهنگ عمومی این اقوام به وجود آمده بود. واز دیگر سو انبیاء الهی نیز پس از دعوت به توحید ایشان را به دفع آن مفسده فرا می خواندند. به عنوان مثال حضرت شعیب (ع) قومش را به عدل و انصاف در معامله ((هود ۸۵)) هود (ع) قومش را به پرهیز از تهمت ((هود ۵۰)) موسی (ع) به یاد آوری ایام الله (ابراهیم ۳۵) فرا خواندند.

سیاستهای مربوط به نظام فرهنگی کشور زمانی به نتیجه مطلوب خواهد رسید که بریک مساله شناسی دقیق استوار باشد، لذا با درک همین ضرورت، در نخستین گامهای مهندسی فرهنگی کشور این مهم مورد پیش بینی قرار گرفته شده است. مسئله فرهنگی اگر چه عمومی و همگانی است لیکن از آن رو که ابعاد و جوانب گسترده ای از حیث آثار و تبعات و علل و عوامل در بردارد بایستی مورد اولویت بندی خبرگان امر قرار گیرند. اولویت بندی سیاستها موجب تمرکز و دقت در سیاستها شده و استحکام روشی و محتوایی در برنامه های درازمدت را به دنبال خواهد داشت.

این امر بارها توسط مقام معظم رهبری مورد تاکید قرار گرفته است. ایشان در دیدار با اعضاء شوراهای فرهنگ عمومی استانها در تیر ماه ۱۳۷۴ می فرمایند ((اگر بخواهید کار درست بکنید باید بنشینید اول اولویتهای را پیدا کنید... این رامشخص بکنند بعد روی این خصوصیات متمرکز بشوند تلاش کنند فعالیت کنند))

همچنین با عنایت به الگوی مطالعه و ترسیم نقشه مهندسی فرهنگی در دبیر خانه شورای تخصصی مهندسی فرهنگی دو نوع مطالعه مشتمل بر بلند مدت و کوتاه مدت پیش بینی شده است در مطالعه کوتاه مدت که این تحقیق در راستای آن انجام خواهد شد، مسائل مهم فرهنگ عمومی از منابع موجود گرد آوری و سپس طبقه بندی و از سوی خبرگان اولویت بندی می شوند.

نتیجه نهایی در مطالعات بلند مدت با هدف تدوین نقشه مهندسی فرهنگی استفاده خواهد شد.

این تحقیق به طور عملیاتی در دو مرحله زیر اجرا خواهد شد:

الف: گرد آوری و طبقه بندی مسائل فرهنگ عمومی کشور

با عنایت به گستردگی جامعه ایرانی و تنوع مسائل مربوط به فرهنگ عمومی، بطور مداوم پژوهشها مقالات و اظهار نظرهایی جهت شناسایی و معرفی این مسائل تهیه و عرضه شده اند. دستگاههای دولتی ذیربط همچون شورای فرهنگ عمومی، وزارت کشور، نیروی انتظامی، سازمان صدا و سیما، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، و صاحب نظران دانشگاهی و حوزوی همچون مراجع تقلید، روانشناسان اجتماعی، جامعه شناسان، رهبران سیاسی و اجتماعی بطور معمول و متداول به معرفی این مسائل می پردازند.

در این مرحله تلاش می‌شود با تکیه بر مفاهیم اولیه و شاخصهای معرفتی که در بخشهای آتی خواهد آمد به گرد آوری مسائل فرهنگ عمومی که در قالب کتاب، پژوهش، مقاله، ویا سخنرانی عرضه شده اند بپردازیم و سپس بر اساس چارچوب نظری مورد طبقه بندی قرار گیرند.

ب: اولویت دهی به مسائل با نظر خبرگان فرهنگی

پس از طبقه بندی و ویرایش گویه های مسائل فرهنگی چک لیستی از مسائل تهیه شده و در قالب پرسشنامه ای با روش طیف سنجی از خبرگان فرهنگی مورد پرسش و امتیاز دهی قرار خواهند گرفت. نتایج حاصل که شامل دو دسته نظری و عملی می‌باشد پس از استخراج مورد مقایسه قرار گرفته و اولویتهای مورد نظر هر گروه، بطور مقایسه ای گزارش خواهد شد.

سیاستهای مربوط به نظام فرهنگی کشور زمانی به نتیجه مطلوب خواهد رسید که بریک مساله شناسی دقیق استوار باشد، لذا با درک همین ضرورت، در نخستین گامهای مهندسی فرهنگی کشور این مهم مورد پیش بینی قرار گرفته شده است. مسئله فرهنگی اگر چه عمومی و همگانی است لیکن از آن رو که ابعاد و جوانب گسترده ای از حیث آثار و تبعات و علل و عوامل در بردارد بایستی مورد بررسی و اعتبار یابی خبرگان امر قرار گیرند. این فرایند موجب استحکام روشی و محتوایی در سیاستها و برنامه‌های درازمدت خواهد شد.

این مساله بارها توسط مقام معظم رهبری مورد تاکید قرار گرفته است. ایشان در دیدار با اعضاء شوراهای فرهنگ عمومی استانها در تیر ماه ۱۳۷۴ می‌فرمایند «اگر بخواهید کار درست بکنید باید بنشینید اول اولویتها را پیدا کنید... این رامشخص بکنند بعد روی این خصوصیات متمرکز بشوند تلاش کنند فعالیت کنند»

همچنین با عنایت به الگوی مطالعه و ترسیم نقشه مهندسی فرهنگی در دبیر خانه شورای تخصصی مهندسی فرهنگی دو نوع مطالعه مشتمل بر بلند مدت و کوتاه مدت پیش بینی شده است در مطالعه کوتاه مدت که این تحقیق در راستای آن انجام خواهد شد، مسائل مهم فرهنگ عمومی از منابع موجود گرد آوری و سپس طبقه بندی و از سوی خبرگان اولویت بندی می‌شوند. نتیجه نهایی در مطالعات بلند مدت با هدف تدوین نقشه مهندسی فرهنگی استفاده خواهد شد.

پژوهشهای فراوانی درباره این موضوع در کشور انجام شده است. مجموعه دیدگاههای

صاحب نظران در باره فرهنگ عمومی تحقیقی از سعید کرمی ؛ دیدگاههای اعضاء شوراهای فرهنگ

عمومی استانها در باره مسائل فرهنگ عمومی اثر سید محمود نجاتی ؛ چالشهای فرهنگی ایران از منظر

صاحب نظران تحقیقی از مهدی بزغانی از آن جمله اند.

همچنین از سال ۱۹۳۰ با ابداع پل لازارسفلد در آمریکا تحقیقاتی با هدف سنجش نگرشهای اجتماعی پایه گذاری شد در ایران دکتر پایدار فر از سال ۱۳۴۶ این مطالعات را پایه گذاری کرد در سالهای اخیر نیز تحقیق ارزشها و نگرشهای ایرانیان با مدیریت دکتر سعید معید فر انجام شد که برخی یافته های آن قابل تحلیل است.

در کنار آنها حجم معتناهی از مطالعات جهت تبیین مسائل فرهنگ عمومی انجام و عرضه شده اند که تا حد امکان به آنها پرداخته می شود.

⋮

فرهنگ عمومی در جوامع معاصر، به ویژه جوامع معاصر اسلامی، تبدیل به پدیده‌ای شده که گاه فهم و یا سیاستگذاری برای آن را دشوار ساخته است. در جامعه اسلامی ایران بلافاصله پس از انقلاب این مساله مطرح و به نام فرهنگ منحن پهلوی و یا نام‌هایی مشابه، خط بطلانی بر فرهنگ پیش از انقلاب کشیده شد. بتدریج سیاست‌های فرهنگی برای پالایش فرهنگ عمومی آغاز گردید. با این حال اکنون، پس از سه دهه تلاش هنوز مسائلی در فرهنگ عمومی وجود دارد که یا بخوبی ابعاد و جوانب آن شناخته نشده‌اند و یا برای تغییر آنها سیاست‌های فرهنگی مناسب تدوین نگردیده است. در وجه شناختی یکی از مسائلی که همواره خودنمایی می‌کرده، تعریف خود فرهنگ عمومی و پویایی (دینامیسم) درونی آن بوده است. واژه‌شناسی و مفهوم‌شناسی فرهنگ در تحقیقات انجام‌گرفته چنان تبدیل به مسأله‌ای پیچیده می‌شده است که در نهایت نمی‌توان به تعریف واحدی از فرهنگ دست یافت.

سرآغاز کلیه این تحقیقات نقل قولی از یکی از انسان‌شناسان بنام در نزدیک به ۶۰ سال پیش است که اشاره کرده که برای فرهنگ بیش از ۵۰۰ تعریف وجود دارد! خود این عبارت، عبارتی فلج‌کننده برای دستیابی به هرگونه تعریف از فرهنگ، به‌طورکلی، و فرهنگ عمومی، به‌طور خاص، بوده است. این عبارت و عبارات مشابه چنان در بخش‌های نظری این تحقیقات تکرار شده‌اند که دست آخر همه مشکلات و شکست‌ها در عرصه فرهنگ به پای این تکثر مفاهیم گذاشته شده است.

از این رو، مشکل ما بیش از آن که یک مشکل نظری باشد، یک مشکل «عملی» است. منظور از مشکل عملی آن است که عدم مواجهه درست و تأکید بیش از حد بر قدرت تأثیرگذاری، ما را دچار مشکل ساخته است. در این فصل تلاش می‌شود که بدون درگیری در مباحث نظری، تعریفی عملی از فرهنگ عمومی داده شود و مسائلی که در این عرصه در جامعه ما وجود دارد، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

منظور از فرهنگ عمومی^۱ آن بخش از فرهنگ هر جامعه‌ای است که حضور آن در زندگی روزمره کاملاً احساس می‌شود. در این تعبیر، فرهنگ عمومی عبارت از باورها، ارزش‌ها، نمادها و کردارهای فرهنگی است که در زندگی عموم مردم جاری و ساری است. این برداشت از فرهنگ عمومی ما را ناگزیر می‌سازد که میان فرهنگ عمومی و سایر مفاهیم مرتبط و نزدیک تمایز قائل شویم. نخستین تمایز، تمایز میان فرهنگ عمومی و آن چه میراث فرهنگی هر کشوری خوانده می‌شود، است. فرهنگ عمومی فرهنگ موزه‌ها و یا فرهنگ میراث یک کشور نیست، اگرچه ممکن است با آن مرتبط باشد. زیرا، همه آن چه

^۱ Public Culture

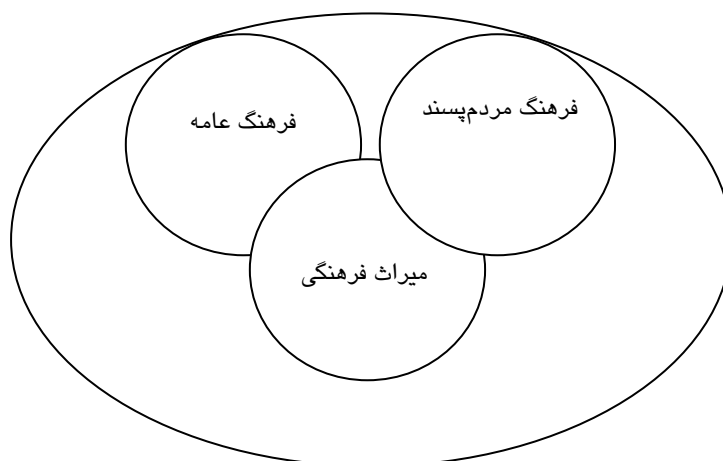
میراث فرهنگی یک کشور خوانده می‌شود و به اشکال مختلف (به شکل کتاب، نگاره‌ها، ساختمان‌ها، اشیاء هنری و غیره) متبلور شده‌اند، ممکن است در زندگی امروزه جوامع نقش مهمی ایفاء نکنند. برعکس، عناصری در فرهنگ عمومی جوامع وجود دارد که در اثر تحولات فرهنگی پدید آمده و یا از جوامع دیگر انتشار یافته است. تبادلات فرهنگی در میان جوامع معاصر چنین فرایندهایی انتشاری را بسیار تسریع کرده است. از این رو، چرخش کالاهای، نمادها و کردارهای فرهنگی (که معمولاً و نه ضرورتاً چرخشی از شمال به جنوب است) به تبادلات فرهنگی بسیار گسترده‌ای دامن زده است.

فرهنگ عمومی به یک معنا با مفهوم فرهنگ ملی^۲ نیز متفاوت است. فرهنگ عمومی از مفهوم فرهنگ ملی به زندگی روزمره مردم نزدیک‌تر است. زیرا، فرهنگ ملی برای اشاره به ترکیبی از میراث فرهنگی و فرهنگ روزمره مردم (باورها، سنت‌ها، و کردارهای روزمره مردم) اشاره دارد و در اساس با نوعی برداشت ناسیونالیستی همراه است و به تشکیل دولت‌های ملی بازمی‌گردد. از این رو، اگرچه مفهوم فرهنگ ملی با فرهنگ عمومی همپوشی دارد، اما با آن متفاوت است. فرهنگ عمومی همان فرهنگ روزمره‌ای است که در کردارهای روزمره ما (در گفتار، پوشش، خوردن، آداب و معاشرت‌های اجتماعی، و دیگر کنش‌های اجتماعی جمعی) دیده می‌شود. به یک معنا، می‌توان گفت که فرهنگ عمومی سپهر معنایی است که ما در آن زندگی می‌کنیم. فرهنگ عمومی مجموعه باورها، ارزش‌ها و هنجارهایی است که سوگیری‌های رفتاری عمومی جامعه را ترسیم می‌کنند و به ترجیحات افراد جامعه بدون این که از پیش توافق آشکاری با یکدیگر کرده باشند، شکل می‌دهند. از این رو، فرهنگ عمومی گاه در برابر فرهنگ رسمی قرار می‌گیرد. فرهنگ رسمی فرهنگی است که حکومت‌ها در پی ترویج آن در جامعه هستند. البته، این سخن هرگز به معنای آن نیست که فرهنگ عمومی و فرهنگ رسمی در جوامع معاصر کاملاً در تقابل با یکدیگرند. بلکه همواره امکان تأثیرپذیری فرهنگ عمومی از فرهنگ رسمی وجود دارد. بنابراین، از روابط قدرت در این حوزه نباید غافل ماند. تعامل فرهنگ رسمی با فرهنگ عمومی همواره از یک رابطه قدرت نیز حکایت دارد. نظریه پردازان مطالعات فرهنگی بخوبی بر این وجه قدرت در فرهنگ تأکید ورزیده‌اند. مدرسه و رسانه‌های جمعی دو ابزار قدرتمند برای ترویج فرهنگ رسمی به شمار می‌روند. با این حال، همواره مقاومتی هم از جانب توده مردم در مقابل فرهنگ رسمی وجود دارد. این مقاومت در پاره‌ای از موارد به نوعی تعارض و حتی مقابله آشکار و پنهان نیز کشیده می‌شود.

² National Culture

طبق آن چه آمد فرهنگ عمومی بسیار به مفهوم فرهنگ روزمره نزدیک است. فرهنگ عمومی، به یک عبارت، همان فرهنگ روزمره است. با این حال، به نظر می‌رسد که کانون تأکید در این دو مفهوم قدری با یکدیگر متفاوت است. در حالی که، در مفهوم فرهنگ عمومی تأکید بر وجوهی از فرهنگ روزمره است که در توده مردم یک جامعه به چشم می‌خورد و از تقسیمات و گروه‌بندی‌های فرعی‌تر (خرده‌فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های جنسیتی و نژادی) چشم می‌پوشد. فرهنگ عمومی با مفروض گرفتن مردم به عنوان یک جمع و یا توده، عموم آنها را مد نظر قرار می‌دهد. از این نظر، مفهوم فرهنگ عمومی نزدیک به مفهوم فرهنگ توده‌ای است.

فرهنگ عمومی جوامع معاصر از سه لایه (نک. تصویر ۱) تشکیل شده است: ۱- میراث فرهنگی ۲- فرهنگ عامه ۳- فرهنگ مردم‌پسند (عامه‌پسند). این سه لایه در اکثر جوامع معاصر دیده می‌شود. منظور از میراث فرهنگی عناصری از فرهنگ نخبه (والا) است که از طرق مختلف در فرهنگ عمومی جاری است. این فرهنگ نخبه از طریق هنر، ادبیات، معماری و بسیاری چیزهای دیگر در جامعه حضور می‌یابد و از طریق آموزش‌های رسمی (از طریق مدرسه، دانشگاه و حتی بخشی از طریق رسانه‌های جمعی) دائم در فرهنگ روزمره مردم تکرار می‌شود. شیوه‌های گویش، پوشش و کردار روزمره ما تا حدودی تحت تاثیر این الگوها هستند. عنصر دوم، فرهنگ عامه است. فرهنگ عامه (فولکلور) که زمانی تصور می‌شد با افزایش علمی‌شدن، شهری‌شدن و صنعتی‌شدن به مرور از میان خواهد رفت و جای خود را به فرهنگ مدرن می‌دهد، هنوز در جوامع به حیات خود ادامه می‌دهد. در زیر به اختصار هر یک از این لایه‌ها را توضیح می‌دهیم



۱. میراث فرهنگی:

میراث فرهنگی آن بخش از فرهنگ است که طی دورانی طولانی شکل گرفته است و امروزه به انحای مختلف به حیات خود در فرهنگ امروزین جامعه ادامه می‌دهد. بخشی از این میراث آن چیزی است که در کتابخانه‌ها انباشته شده‌اند. این همان چیزی است که آرچر (چلبی) سطح منطقی فرهنگ می‌نامد. این بخش از فرهنگ که به صورت متن (در انواع متنوع آن نظیر یک متن ادبی، یک متن معماری و یک متن نقاشی) در آمده‌اند، روابطی بینامتنی نیز دارند. این بخش از فرهنگ که به آن خزانه فرهنگی هم می‌توان گفت، دائم توسط ابزارهایی به سخن واداشته می‌شوند و از این رو به حیات امروزین ما راه می‌یابند. البته، بخش‌هایی از این متون هم هستند که به سخن واداشته نمی‌شوند و از این رو حیاتی محو و سایه‌وار در فرهنگ امروزین ما دارند. بنابراین، جزء میراث فرهنگی هستند، بدون آن که در حیات امروزین ما جاری باشند. آموزش (از طریق مکتب‌خانه‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها) از جمله مهم‌ترین نهادهایی است که از طریق آنها این متون دوباره به گردش درمی‌آیند و به حیات امروزین ما می‌پیوندند. از دیگر سو، بخشی از این متون خود دستمایه آفرینش‌های هنری و فرهنگی امروزین هستند. درواقع، این متون از طریق آن چه می‌توان آن را «سنت» فرهنگی و هنری نامید به آثار امروزین راه می‌یابند و از این طریق نوعی حیات دوباره می‌یابند. بخشی از آثار فرهنگی و هنری گذشته توسط مردم قرائت می‌شوند و از این راه به حیات امروزه راه می‌یابند. قرائت شاهنامه فردوسی، گلستان و بوستان سعدی و بیش از همه حافظ از این طریق همواره در فرهنگ مردمی به گردش درآمده‌اند. و از این طریق در ساختن سپهر معنایی امروزه ما نقش ایفاء می‌کنند. شیوه‌های دیگری هم برای به سخن در آوردن این آثار از طریق موزه‌ها، انتشار متون ادبی و هنری، نمایشگاه‌ها، مجسمه‌ها و نمادهای دیگر وجود دارد.

این بخش از فرهنگ آن چیزی است که امروزه در مطالعات فرهنگی به آن «فرهنگ نخبه» گفته می‌شود. بخشی این فرهنگ نخبه را آن چیزی که امروزه ما به عنوان آثار هنری می‌شناسیم، تشکیل می‌دهند. این متون و آثار بخش اعظم همان چیزی است که تا همین اواخر به عنوان «فرهنگ ملی» کشورها معرفی می‌شده است، را تشکیل می‌دهند. کردارهایی که به صورت سنت فرهنگی درآمده‌اند

(نظیر عید نوروز) نیز بخش دیگر این میراث فرهنگی یا به عبارت امروزی فرهنگ ملی را تشکیل می‌دهد. بروشنی، هویدا است که در این تعریف از فرهنگ ملی، نخست آن بخش از باورها، ارزش‌ها و کردارها که به شکل آثار برتر فرهنگی و هنری درآمده‌اند، لحاظ می‌گردند و دوم آن بخش از کردارهای فرهنگی که به نوعی وجه ملی داشته‌اند (نظیر نوروز و ماه مبارک رمضان) یعنی متعلق به یک گروه یا قوم خاص نبوده‌اند. البته، کاملاً پیدا است که در این جا آن کردارهایی که متعلق به قوم اکثریت بوده‌اند و به نوعی مورد حمایت حکومت‌ها بوده‌اند، بتدریج مسلط شده و وجه ملی یافته‌اند. بنابراین، این دسته از کردارهای متبلور شده نیز به عنوان بخشی از میراث فرهنگی حفظ شده و در حیات امروزی ما اثرگذارند. کردارهای فرهنگی سنت‌شده همان بخشی است که از فرهنگ نخبه دور می‌شود و به فرهنگ مردمی (آن چه امروزه فرهنگ عامه‌پسند یا مردم‌پسند نامیده می‌شود) نزدیک می‌شود. بنابراین، ما به لایه دوم فرهنگ نزدیک می‌شویم و آن فرهنگ عامه مردم (فولکور) است.

()

فرهنگ عامه یا فرهنگ مردم (فولکور) به یک عبارت شامل همه باورها، ارزش‌ها و کردارهایی است که به صورت سنت‌های شفاهی از یک نسل به نسل دیگر در اقوام ساکن در یک مرز و بوم جاری بوده است. این بخش از فرهنگ حتی از بخش فرهنگ نخبه نیز به زندگی مردم نزدیک‌تر بوده است. البته، این بخش نوعی تبادل دائمی با فرهنگ نخبه در گذشته داشته است. بخشی‌هایی از این فرهنگ توسط نخبگان هنری و فرهنگی بتدریج پالایش شده و به بخشی از فرهنگ نخبه تبدیل می‌شدند. این اتفاق بخوبی در ادبیات و موسیقی قابل شناسایی است. بسیاری از ضرب‌المثل‌ها و کردارهای عامیه بعد از عبور از صافی نخبگان فرهنگی به ادبیات راه یافته‌اند. در آثار سعدی، مولوی و دیگر شعرا و ادیبان نمونه‌های بسیار از این انتقال و پالایش را می‌توان یافت. از دیگر سو، به‌مرور خود این کردارهای متنی‌شده (ادبی و هنری شده) در نسل‌های بعدی در اثر قرائت به توده مردم باز می‌گشت. در فرهنگ مردم حتی عناصری دیده می‌شود که گاه مردم هیچ تجربه مستقیمی از آن نداشته‌اند. این عناصر گاه توسط نخبگان و گاه توسط متون دینی به فرهنگ مردم وارد می‌شوند. برای مثال، داستان حضرت یوسف که داستانی در اساس قرآنی است توسط متون دینی، متون ادبی و حتی مینیاتورها (نگارگری ایرانی) بتدریج به فرهنگ توده مردم وارد شده و به بخشی از آن فرهنگ تبدیل شده‌اند. پس نوعی داد و ستد در گذشته بین فرهنگ مردم و فرهنگ نخبه وجود داشته است.

اگر بخواهیم این موضوع را در قلمروی جغرافیایی نشان دهیم، عشایر و روستائیان در اساس با فرهنگ مردمی و قومی نزدیک‌تر بوده‌اند و ساکنان شهرها به فرهنگ نخبه. البته، ساکنان شهرهای مختلف ایران خود دارای یک فرهنگ مردمی بوده‌اند که حفاصل بین فرهنگ نخبه و فرهنگ قومی بوده

است. اما، این وضعیت طی دویست سال گذشته بشدت دگرگون شده است و این مرزبندی به طور راسخ وجود ندارد. تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گسترده که در دو سده گذشته (از اواخر صفویه تا به امروز) در ایران رخ داده است دو تغییر مهم در عرصه فرهنگی ایجاد کرده است. نخست، غرب به عنوان یکی از منابع جدید فرهنگی به مجموعه منابع فرهنگی گذشته ما درآمده است. از دیگر سو، لایه‌ای از فرهنگ پدیده آمده است که می‌توان به آن فرهنگ عامه پسند نام داد.

این لایه در جوامع معاصر خود به یک لایه بزرگ و اصلی تبدیل شده است، به طوری که لایه‌های دوگانه قبلی (فرهنگ نخبه و فرهنگ مردمی/ قومی) گذشته را کنار زده و در زندگی روزمره مردم جوامع معاصر حضوری جدی یافته است. این تغییر طی دویست سال گذشته در ایران نیز رخ داده است. به طوری که نه تنها این فرهنگ به بخش مهمی از فرهنگ روزمره در زندگی ساکنان شهرها تبدیل شده، بلکه دامنه آن به روستاها و عشایر نیز گسترده شده است. این لایه از فرهنگ در اساس نیرو و مایه خود را از فرهنگ مردمی جامعه شهری می‌گیرد و از این رو با دغدغه‌ها، نیازها و شادی‌ها و غم‌های آنان مرتبط است. بنابراین، به یک تعبیر می‌توان گفت که فرهنگ عامه‌پسند کنونی ادامه همان فرهنگ مردمی شهرها است. با این همه، بین این دو فرهنگ تفاوت‌های اساسی وجود دارد. فرهنگ عامه‌پسند فرهنگی تجاری‌شده، رسانه‌ای‌شده و بیش از هر چیز سیاسی‌شده⁴ است. فرهنگ عامه‌پسند شهرها در گذشته فرهنگی خودجوش بود که فرهنگ‌های قومی بخش مهمی از درونمایه آن را تشکیل می‌دادند. فرهنگی به اصطلاح از پایین به بالا بود. حال آن‌که، فرهنگ عامه‌پسند جدید اگر چه بخش مهمی از مایه‌های خود را از این فرهنگ به عنوان منبع می‌گیرد، اما بشدت تجاری شده است. در این جا منظور از تجاری‌شدن تولید این فرهنگ توسط صنایع فرهنگی یا بنگاه‌های تولیدی فرهنگی است. این فرهنگ به قصد سودزایی تولید می‌شود. و از این رو، به یک معنا دیگر از پایین به بالا نیست، بلکه از بالا (صنایع فرهنگی) به پایین است. این فرهنگ بیش از هرچیز رسانه‌ای‌شده است. رشد رسانه‌های جدید (سینما، رادیو و مهم‌تر از همه تلویزیون) نه تنها محمل این فرهنگ بلکه عامل مهمی برای رسانه‌ای‌شدن آن است. رشد رسانه‌های جمعی در جهان و ایران نقش مهمی در گسترش این فرهنگ داشته‌اند. سرانجام، باید گفت که فرهنگ عامه‌پسند بشدت سیاسی شده است. زیرا، خود به عاملی برای سرگرم‌کردن توده‌ها و سلطه بر آنها درآمده است. با سیاسی‌شدن هر چه بیشتر جوامع معاصر و افزایش آگاهی‌های سیاسی توده‌های مردم به ویژه در سراسر قرن بیستم، فرهنگ عامه‌پسند همواره راهی برای سرگرم‌کردن و آرام‌کردن توده‌ها به شمار می‌رفته است.

⁴ Commercialized, Mediatized and Politicized

فرهنگ عامه‌پسند اگرچه ریشه در فرهنگ مردمی ساکنان شهرها (آواها و موسیقی کوچه و بازاری، ادبیات فکاهی و هزلیات، لطیفه‌ها و کردارهای فرهنگی روزمره توده مردم شهری) داشته است، با این همه، از سوی بسیاری از منتقدان بخاطر تأکیدی که بر مسائل غیراخلاقی (نظیر مسائل جنسی، هرزنویسی و هرزه‌نگاری در اشکال مختلف)، محتوای خفیف و سبک (عشق‌های مبتذل، رنگین)، مسائل پیش پا افتاده و مصرف‌گرایی داشته است، مورد حملات بسیاری واقع شده است. علاوه بر فرهنگ عامه‌پسند داخلی، منبع جدید دیگری نیز برای شکل‌گیری فرهنگ عامه‌پسند در دو سده گذشته ایران وجود داشته است: غرب و فرهنگ عامه‌پسند آن. مدرنیزاسیون ایران در دوران پهلوی که به رشد هرچه بیشتر زندگی شهری، گسترش حمل و نقل هوایی، گسترش رسانه‌های جمعی ورود محصولات و درونمایه‌های فرهنگ عامه‌پسند غربی به گسترش این لایه از فرهنگ عامه‌پسند منجر شد. روند ورود محصولات و درونمایه‌های فرهنگی غربی به جامعه ایران (در اثر گسترش ماهواره‌ها، اینترنت، رشد مسافرت‌های خارجی، و دیگر راه‌ها و مجاری ورود فرهنگ و محصولات غربی) تشدید هم شده است.

با این حال، نظریه‌پردازان متعددی (نک. دوسرتو) به نقش فعال مردم و گاه مقاومت‌هایی که در برابر محصولات عرضه شده فرهنگ عامه‌پسند (توسط رسانه‌های داخلی یا بین‌المللی) اشاره کرده‌اند. طبق این نظر، مردم موجوداتی منفعل در برابر محصولات صنایع فرهنگی و محتوای آنها که از نظام سرمایه‌داری حمایت می‌کند، نیستند. اشاره استوارت هال به مواضع سه‌گانه‌ای (پذیرش، مصالحه و رد) که مخاطبان هنگام مواجهه و کدگذاری محصولات فرهنگی و رسانه‌ای اتخاذ می‌کنند، بخوبی حاکی از منفعل نبودن مخاطبان و مصرف‌کنندگان است.

واقعیت آن است که اصطلاحات رایج در ادبیات مطالعات فرهنگی غرب بخوبی بیانگر وضعیت ایران نیست. زیرا، آن چه در جامعه ایران از نظر فرهنگی امروزه واقعیت دارد، پذیرش و مقاومت دوگانه (مضاعف) است. منظور از پذیرش یا مقاومت دوگانه آن است که جامعه ایران چه از نظر پذیرش و چه از نظر مقاومت هم بخشی از فرهنگ عامه‌پسند درونی را می‌پذیرد و هم بخشی از فرهنگ عامه‌پسند غربی را. برعکس، از نظر مقاومت نیز وضعی مشابه دارد. هم در برابر برخی از جنبه‌های فرهنگ عامه‌پسند داخلی مقاومت نشان می‌دهد و هم در برابر بخشی از فرهنگ عامه‌پسند غربی. این مواضع دوگانه (چه در پذیرش و چه در مقاومت) بیش از هر جای دیگر در برابر محصولات رسانه‌ای (به ویژه پخش تلویزیونی و سینمایی) قابل مشاهده است.

حال این پرسش پیش می‌آید که آیا می‌توان این پذیرش را به اقشار و طبقات اجتماعی نسبت داد؟ آیا می‌توان گفت که برای مثال طبقه (یا قشر بالا) موضعی تماماً مبتنی بر پذیرش را در برابر فرهنگ

غرب دارد، طبقه پایین موضعی تماماً مبتنی بر مقاومت دارد، و طبقه متوسط جایی در این میانه است؟ بخوبی روشن است که براساس مواضع طبقاتی و تعلق به یک قشر خاص نمی‌توان به طور کامل در باره پذیرش و یا مقاومت سخن گفت. حتی اگر بتوان درباره طبقه بالا چنین قضاوتی کرد، این قضاوت بدون شک درباره دو طبقه دیگر صحت نخواهد داشت. از این رو، تنها بخش بسیار کوچکی از جامعه ایران را می‌توان یافت که به طور خالص در این دسته‌بندی‌ها بگنجند. از این رو، حتی تعبیری نظیر دوقطبی‌شدن جامعه ایران از نظر فرهنگی دیگر مقرون به صحت نیست. حتی اگر چنین اصطلاحی زمانی بیانگر واقعیت بوده است، دیگر نمی‌تواند توصیف‌کننده وضعیت جامعه ایران باشد. زیرا، اگر هم در یک دوره از فضای انقلابی کشور، این دوقطبی بودن شکل گرفته بود و به سهولت قابل تشخیص بود (برای مثال طرفداران فرهنگ غرب یا پهلوی در برابر فرهنگ اسلامی) این تمایز و قطبی‌شدن اکنون دیگر رسا نیست و باید از مفاهیم و چارچوب‌های دیگر برای فهم وضعیت واقعی ایران استفاده کرد. این تمایز ممکن است به طور بسیار کلی تمایز خوبی باشد (برای مثال بگوییم طرفداران فرهنگ اسلامی در برابر فرهنگ غربی)، اما، در واقعیت این تمایز خیلی کلی است و نمی‌تواند تنوعی را که در واقعیت وجود دارد، توضیح دهد.

به نظر می‌رسد که علاوه بر تقسیمات طبقاتی باید دو گرایش اصلی را نیز وارد کرد: گرایش ایدئولوژیکی و گرایش سیاسی. البته، این دو در بسیاری از موارد در ایران به یکدیگر گره خورده است، اما تفکیک تحلیلی آن سودمند است. بنابراین، می‌توان بر اساس تفاوت در گرایش‌های ایدئولوژیکی و سیاسی تصویر دقیق‌تری از پذیرش و مقاومت فرهنگی در ایران به دست آورد. از این رو، می‌توان گفت که ما نه تنها با مقاومت یا پذیرش دوگانه در عرصه فرهنگ عامه‌پسند مواجه هستیم، بلکه این دوگانگی در میان اقشار و طبقات اجتماعی با سوگیری‌های ایدئولوژیکی و سیاسی متفاوت نیز دیده می‌شود. در هر سه طبقه اجتماعی در ایران گرایش‌های فرهنگی متفاوتی دیده می‌شود. به طوری که نه تنها در طبقه پایین و متوسط، بلکه حتی در طبقه بالای جامعه ایران گرایش‌های فرهنگی موافق و مخالف فرهنگ غربی دیده می‌شود. از دیگر سو، هیچ طبقه اجتماعی در ایران به طور کامل موافق یا موافق مواضع فرهنگی رسمی حکومت هم نیست. بنابراین، مقاومت فرهنگی در هر سه طبقه در برابر فرهنگ رسمی که از طریق رسانه‌های جمعی (نظیر رادیو و تلویزیون) و دستگاه‌های فرهنگی رسمی (آموزش و پرورش، وزارت ارشاد و غیره) ترویج می‌شود، وجود دارد. از این رو، تحلیل وضعیت فرهنگی در ایران وضعیتی ساده نیست و محتاج تجزیه و تحلیل دقیق تری است.

هر فرهنگی از منابعی تغذیه می‌کند که می‌توان آنها را منابع فرهنگی نامید. منابع فرهنگی در جوامع معاصر متکثر هستند. بندرت می‌توان جامعه معاصری را یافت که از منابع محدود و بسته‌ای برخوردار باشد. تا آنجا که به جامعه ایران بازمی‌گردد، می‌توان حداقل از چند منبع فرهنگی نام برد: ایران، اسلام و غرب. البته، موضوع همیشه به این سادگی نیست. وقتی از ایران و تاریخ ایران به عنوان یکی از منابع فرهنگی نام می‌بریم، این منبع خود ترکیبی از منابع مختلف است که در طول تاریخ ایران وارد سرزمین ایران شده و با هم درآمیخته‌اند. از منابع فرهنگی بابل و آشور گرفته تا تأثیراتی که توسط اقوام بیابانگرد آسیای مرکزی (سلجوقیان، غزها، ترک‌ها، تاتار و مغول‌ها) و حتی تأثیرات سریانی و یونانی که قبل و به ویژه در دوران اسلامی (به ویژه عصر موسوم به ترجمه) وارد ایران شده است، باید نام برد. این وضعیت در مورد غرب نیز مصداق دارد. تأثیر غرب نیز بر همین منوال است. تأثیر غرب در یک دوره و یا به صورت یک تأثیر واحد و یکپارچه نبوده است. آن چه تأثیر غرب خوانده می‌شود، به تأثیر فرهنگ سرمایه داری مربوط می‌شود. اما، خود سرمایه داری نیز مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته و در دوران‌های مختلف به گفته فردریک جیمسون «منطق فرهنگی» متفاوتی داشته است. تنها از قرن نوزدهم به این سو است که با شکل‌گیری طبقه کارگر در جوامع بشدت شهری شده غرب فرهنگی در کنار فرهنگ نخبه (والا) رخ می‌نماید: فرهنگ عامه‌پسند. اما، این فرهنگ تنها فرهنگی خودجوش باقی نماند که از دل طبقه کارگر بیرون آمده باشد، بلکه توسط صنایع فرهنگی سرمایه داری خود به دستمایه‌ای برای تولید سود تبدیل شد. این همان، فرآیند تجاری شدن فرهنگ است. این فرهنگ نه تنها دیگر خودجوش (و از پایین به بالا) نبود. بلکه، از بالا به پایین و توسط صنعت فرهنگ تولید شده بود. این محصولات فرهنگی بخش مهمی از فرهنگ عمومی را در جوامع معاصر می‌سازد.

جهانی شدن (کاوان ۲۰۰۲) از طریق گردش سریع کالاها و محصولات فرهنگی غرب به تغییرات فرهنگی گسترده‌ای در دیگر نقاط دنیا منجر شده و از طریق انتشار ارزش‌ها و معانی فرهنگی به نوعی همگنی فرهنگی^۵ و یکپارچگی فرهنگی^۶ دامن زده است. به این فرایندهای همگن سازی فرهنگی با عناوینی چون مک دونالدیزه شدن^۷ (ریتزر ۲۰۰۴)، دیزنی‌یزه شدن^۸ (برایمن ۲۰۰۴)، کوکاکولائیزه شدن و تعابیری مشابه اشاره کرده‌اند.

گسترش فرهنگ جهانی به ویژه به پیدایش فرهنگ نوینی در جوامع معاصر (غربی و غیرغربی) تبدیل شده است که می‌توان آن را فرهنگ جوانان جهانی^۹ نامید. جوانان جهانی، جوانان جوامع معاصر

⁵ Cultural Homogenization

⁶ Cultural Integration

⁷ McDonaldization

⁸ Disneyization

⁹ Global Youth Culture

هستند که در جامعه خود عناصر فرهنگی غربی (جهانی) را مصرف می‌کنند. این جوانان که در جامعه محلی خود فرهنگ جهانی را مصرف می‌کنند، به جوانانی جهانی و یا جوانانی با فرهنگ محلی - جهانی تبدیل می‌شوند. مصرف موسیقی عامه‌پسند، مدهای لباس، آرایش، رفتارها و مصارف دیگر به فرهنگ مشترکی در میان جوانان دامن زده است که می‌توان آن را فرهنگ جهانی جوانان نام نهاد. همین فرهنگ است که در جوامع معاصر غیرغربی (از جوامع کمونیست گرفته تا جوامع اسلامی) به مساله‌ای مهم برای سیاستگذاران فرهنگی تبدیل شده است. اگرچه، همه مسائل فرهنگی ایران در دوران پس انقلاب به فرهنگ جوانان مرتبط نبوده، اما شاید بتوان گفت که بخش مهمی از این مسائل را فرهنگ جوانان تشکیل می‌داده است.

جهانی شدن فرهنگ جوانان از سوی دیگر در سالهای اخیر در بین بخش وسیعی از جوانان مسلمان به وجود آمده است. موج اسلام‌خواهی جوانانی در سراسر جهان و استفاده از نشانه‌های مبتنی بر این فرهنگ در بین جوانان مسلمان و غیر مسلمان از این نوع است. به عنوان مثال تصویرهای سید حسن نصرالله و دکتر احمدی نژاد به عنوان اعتراض به وضع موجود و حاکمان جهانی بهره برداری می‌شود

شعائر اسلامی و فرهنگ عمومی

شعائر اسلامی مجموعه‌ای از نمادها و نشانه‌هایی هستند که بر رفتارها و آیین‌هایی در فرهنگ عمومی دلالت دارند این اصطلاح از آیه برگرفته شده است که شعائر اسلامی را باعث پرهیزگاری قلوب (در جامعه) می‌داند. استاد شهید مرتضی مطهری شعائر اسلامی را نقطه تمرکز شعور عمومی معرفی می‌کنند و مصادیق آن را در نمونه‌های زیر معرفی می‌کنند: نماز، اعیاد اسلامی، معماری اسلامی، سلام گفتن، نام اسلامی نهادن

از جمله منابع فرهنگ عمومی که در جوامع اسلامی تاثیر شایان توجهی دارند این شعائر هستند.

-

در " کارنامه ۲۰ سال تلاش در مسیر تحقق اهداف انقلاب فرهنگی: گزارش توصیفی و موضوعی مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی: ۱۳۶۳-۱۳۸۳" (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۸۵) شورای مزبور، به عنوان متولی انقلاب فرهنگی و فرهنگ عمومی ایران؛ فرهنگ عمومی را به صورت زیر مبنا قرار داده است:

«فرهنگ عمومی منعکس کننده گسترده ترین و فراگیرترین باورها، نگرش‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها، الگوها و عادات رفتاری در یک جامعه محسوب می‌شود و همه مردم در زندگی فردی و اجتماعی آنها را بکار می‌گیرند و اعتقادات و اخلاق و ملکات و روش‌های زندگی مردم را متجلی می‌سازند. بر همین اساس

تحولات و فرآیندهای فرهنگی وقتی در بالاترین مقیاس خود روی می‌دهند که به حوزه فرهنگ عمومی راه پیدا کنند. پس میتوان فهمید که اهداف و ماموریت‌های انقلاب فرهنگی که به ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی معطوف بوده اند بدون محقق شدن در سطح فرهنگ عمومی در واقع به سر منزل مقصود نائل نمی آیند. به عبارت دیگر سیاست‌های فرهنگی برخاسته از مقاصد انقلاب و برنامه‌ها و اقدامات ناشی از این سیاست‌ها تنها هنگامی اثر بخش مطلوب می‌رسند که فرهنگ عمومی جامعه از آن‌ها مشروب شود. شورای عالی انقلاب فرهنگی با این جهت گیری بود که فرهنگ عمومی را در دستور کار سیاست گذاری‌ها و برنامه‌های خود قرار داده است و از سال ۱۳۶۴ شورای فرهنگ عمومی را تشکیل داده است» (همان: ۳۹۲).

همان گونه که ملاحظه می‌شود در این متن گفتمانی چند نکته راجع به ماهیت و طرزکار فرهنگ عمومی و سیاست فرهنگی مندرج شده است، که برای این پژوهش راهگشا است:

: منظور از همان فرهنگ فراگیر در جامعه است (باورها، نگرش‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها، الگوها و عادات رفتاری) که مردم ایران در زندگی فردی و اجتماعی آنها را بکار می‌گیرند. تاثیر فرهنگ عمومی ایران در اعتقادات، اخلاق، ملکات و روش‌های زندگی مردم متجلی می‌شود. : نیز تسری دادن ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی به سطح فرهنگ عمومی با هدف اسلامی کردن و انقلابی نگاه داشتن جامعه است .

: ، امری حکومتی است (و از این رو باید یک نهاد ذی صلاح - شورای فرهنگ عمومی - متولی آن باشد).

-

در گزارش مورد نقل در بالا هم چنین قطعه ای به تشریح لزوم وجود سیاست گذاری فرهنگی برای فرهنگ عمومی و نیز سازوکارهای کلان و مبنایی آن اختصاص یافته است ؛ که برای روشن شدن مفهوم کلیدی سیاست گذاری فرهنگ عمومی سودمند است:

«..... (در جلسات ۷ و ۱۴ آبان ۱۳۶۴ شورای عالی انقلاب فرهنگ به منظور تعیین اهداف و اصول سیاست گذاری و هدایت فرهنگ عمومی کشور شورای فرهنگ عمومی تاسیس شد).... و وظایف و اختیارات این شورا اموری مانند: تدوین اهداف و سیاست‌های فرهنگ عمومی کشور به منظور بسط فرهنگ اسلامی و مقابله با مظاهر منحط فرهنگ‌های بیگانه، تدوین طرح هایی برای هماهنگی کوشش‌های فرهنگی و هنری و تبلیغی، پیشنهاد تحقیق در باره مسایل مهم فرهنگی، تدوین سیاست‌های توسعه روابط فرهنگی با ملل اسلامی و غیر اسلامی و معرفی فرهنگ اسلامی در سطح جهانی، مطالعه و ارزیابی وضع فرهنگ عمومی کشور و تهیه گزارش سالیانه، تدوین سیاست‌های رشد و شکوفایی

استعدادهای، تصویب اساس نامه انجمن‌ها، گروه‌ها و موسسات و مراکز فرهنگی و هنری غیر آموزشی، تصویب ضوابط اعطای جوایز و نان‌های فرهنگی و هنری و برگزاری جشنواره‌ها، کنگره‌ها و فستیوال‌های و نمایشگاه‌ها و مسابقات هنری است و» (همان: ۳۹۲).

بر مبنای متن گفتمانی بالا نیز دست کم می‌توان به بخشی از تعریف و برداشت از سیاست گذاری فرهنگ عمومی دسترسی یافت:

: منظور از سیاست گذاری فرهنگ عمومی، هدایت فرهنگ عمومی کشور و بسط فرهنگ اسلامی و مقابله با مظاهر منحط فرهنگ‌های بیگانه است.

: مسیرهای اصلی سیاست گذاری فرهنگ عمومی نیز شامل: طراحی فعالیت‌های فرهنگی و هنری و تبلیغی؛ تدوین سیاست‌های توسعه روابط فرهنگی با ملل اسلامی و غیر اسلامی؛ ارزیابی وضع فرهنگ عمومی کشور، و تنظیم سیاست‌های رشد فرهنگی مهم و تاثیر گذار است .

: ابزارهای سیاست گذاری فرهنگ عمومی شامل طراحی فرهنگی (فعالیت‌های فرهنگی)، تدوین فرهنگی (سیاست‌های توسعه روابط فرهنگی)، تنظیم فرهنگی (سیاست‌های رشد و توسعه فرهنگی) و ارزیابی فرهنگی (وضع فرهنگ عمومی کشور) است.

با توجه به ویژگیهای فرهنگ عمومی که در این فصل آورده شد به نظر می رسد تعریف مورد نظر شورایی انقلاب فرهنگی توانسته است ابعاد و زوایای فرهنگ عمومی را تحت پوشش قرار دهد:

«فرهنگ عمومی منعکس کننده گسترده ترین و فراگیرترین باورها، نگرش ها، گرایش ها، ارزش ها، الگوها و عادات رفتاری در یک جامعه محسوب می شود و همه مردم در زندگی فردی و اجتماعی آنها را بکار می گیرند و اعتقادات و اخلاق و ملکات و روش های زندگی مردم را متجلی می سازند. بر همین اساس تحولات و فرآیندهای فرهنگی وقتی در بالاترین مقیاس خود روی می دهند که به حوزه فرهنگ عمومی راه پیدا کنند. پس میتوان فهمید که اهداف و مأموریت های انقلاب فرهنگی که به ارزش ها و ارمان های انقلاب اسلامی معطوف بوده اند بدون محقق شدن در سطح فرهنگ عمومی در واقع به سر منزل مقصود نائل نمی آیند. به عبارت دیگر سیاست های فرهنگی برخاسته از مقاصد انقلاب و برنامه ها و اقدامات ناشی از این سیاست ها تنها هنگامی اثر بخش مطلوب می رسند که فرهنگ عمومی جامعه از آنها مشروب شود

شورای عالی انقلاب فرهنگی با این جهت گیری بود که فرهنگ عمومی را در دستور کار سیاست گذاری ها و برنامه های خود قرار داده است و از سال ۱۳۶۴ شورای فرهنگ عمومی را تشکیل داده است. رویکرد فوق می تواند نسبت میان فرهنگ عمومی و مفاهیم مشابه مانند فرهنگ عامه پسند و فرهنگ مردم و میراث فرهنگی روشن سازد.

مهمترین وجه فرهنگ عمومی در این تعریف پایبندی آن به ارزشها، اعتقادات و ملکات است در واقع فرهنگ عمومی برخلاف اشکال دیگر فرهنگ برخاسته از معرفت بنیادینی است که جامعه را می سازد. در حالیکه انواع دیگر فرهنگ محصول جریانهای سطحی نظیر رسانه ها دارند که به اقتضاء شرایط سیاسی یا اقتصادی به ترویج یا ممانعت از یک فرهنگ می پردازند. همین نکته مبین نقش خبرگان و نخبگان در فرهنگ عمومی است. این قشر با تکیه بر ارزشهای اجتماعی و اصول معرفت اجتماعی به اجراء فرهنگ عمومی در رفتارهای اجتماعی شان می پردازند. در مقابل انواع دیگر فرهنگ عمدتاً از طرف اقشاری اعمال می شود که در برابر نخبگان در معنای متعارف آن قرار می گیرند.

شاید بتوان ادعا کرد وجه تمایز تعریف بومی از فرهنگ عمومی با سایر تعاریف در مرجعیت آن باشد مرجع فرهنگ روزمره نظام تولید و سرمایه داری است و مرجعیت فرهنگ مردم آداب و رسوم برجای مانده از گذشتگان است. رسانه ها در برآمدن این نوع فرهنگ تاثیرات زیادی داشته اند در حالیکه فرهنگ عمومی از منظر بومی به مراجع و نخبگان فرهنگی تکیه می کند و ملاک و میزان این فرهنگ قول و فعل این افراد است. بی ارتباط نیست اگر بگوییم به همین دلیل عوام الناس به افراد فرهیخته عبارت ((با فرهنگ)) را اطلاق می کنند. عموم مردم با تقلید و الگوبرداری از این افراد

رفتارهایشان را تنظیم می کنند. در حالیکه میزان فرهنگ روزمره اقتضائات مد و بازار تولید تعیین کننده ارزشهای رفتاری است.

حال با توجه به آن چه گفته شد، باید به نکاتی اشاره کنیم که نه تنها در بررسی فرهنگ عمومی، بلکه در سیاستگذاری فرهنگی حایز اهمیت هستند. به یک تعبیر می توان گفت که اینها مفروضاتی هستند که در هرگونه بررسی علمی و سیاستگذاری فرهنگی باید مدنظر قرار گیرند. این نکات نکاتی هستند که معمولاً در تحقیقات پیشین یا در وجه سیاستگذاری نادیده انگاشته شده اند. در زیر، هر یک از این موارد را مورد بحث قرار می دهیم و اهمیت آنها را گوشزد می کنیم.

۱. چشم فرو بستن بر واقعیت (عدم تمایل به دیدن آن چه واقعیت است)

یکی از مشکلاتی که در عرصه فهم فرهنگ عمومی وجود دارد و حتی به عرصه سیاستگذاری نیز کشانده شده است، عدم تمایل به دیدن واقعیت است. فرهنگ عمومی همان گونه که نشان داده شد، ترکیبی چندلایه است که مردم مواجهه های گوناگون (پذیرش و مقاومت دوگانه در طبقات گوناگون و با سوگیری های ایدئولوژیک و سیاسی گوناگون) با آن دارند. شناخت فرهنگ عمومی از این منظر در تقابل های فرهنگ اسلامی و ایرانی، یا اسلامی و غربی نمی گنجد. همان گونه که دیدیم اگر زمانی (به ویژه در اوان انقلاب) به دلیل شرایط بسیار خاص نوعی دوقطبی شدن دیده می شد، این دوقطبی بودن نه دیگر وجود دارد (به دلیل پویایی و تغییر فرهنگ عمومی)، نه جز در شرایط خاص می تواند وجود داشته باشد (درهای جامعه را نمی شود بر روی جهان خارج بست و دیوار آهنین فرهنگی ایجاد کرد) و نه از نظر اجتماعی به صلاح به نظر می رسد که وجود داشته باشد (پیش آوردن برخوردهای فرهنگی شدید میان طرفداران هر قطب). تک قطبی شدن (فرهنگ اسلامی یکدست و یا فرهنگ سکولار یکدست) نیز از آن هم ناممکن تر است.

همین روزها در ترکیه که از زمان آتاتورک تلاش کرد کاملاً سکولار شود، توسط احزاب دارای اکثریت مسلمان در مجلس ترکیه لایحه رفع منع تحصیل دختران محجبه در دانشگاه های ترکیه به مجلس ارائه شد. صرف نظر از این که این لایحه به تصویب برسد یا نه، بازگشت به فرهنگ اسلامی بخوبی مشاهده می شود. از دیگر سو، در ایران نیز که تلاش برای دستیابی به فرهنگ اسلامی یکدست به عمل آمده است، با موفقیت کامل همراه نبوده و گرایش به تکرر دیده می شود.

اگرچه بخش اعظم فرهنگ عامه پسند غربی سکولار است، اما مسأله فرهنگ عمومی در ایران فقط تعارض و یا نزاع میان فرهنگ سکولار و غیر سکولار نیست. مسأله این است که، در هر حال، خود فرهنگ عامه پسند امروزی ما نیز محل تعارض است و مسائلی را مشابه آن چه در غرب است، می تواند به وجود آورد. هر چند، از نظر مذهبی این فرهنگ سکولار نباشد. در تمام این بخش تلاش شد نشان دهیم که برخی از مسائل فرهنگی ما ناشی از همین بخش است که تماماً هم بیرونی نیست.

۲. عدم برنامه‌ریزی صحیح

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد آن است که همواره نقص‌هایی در برنامه‌ریزی فرهنگی وجود داشته است. این نقص به افراط و تفریط در برنامه‌ریزی و سیاستگذاری فرهنگی باز می‌گردد.

۳. توقع بیش از حد اثرگذاری سیاست‌های فرهنگی بر مردم

با توجه به فرایند پذیرش و مقاومتی که توضیح داده شد، سیاستگذاری‌های فرهنگی مبتنی بر توقعی بیش از اندازه برای تأثیرگذاری بر فرهنگ عمومی مردم بوده اند. اگر این توقع زیاد، در برحه ای از زمان (برای مثال شرایط انقلابی ابتدای پیروزی انقلاب) واقعی جلوه می‌کرده است، اکنون باید گفت که حدود این توقع باید واقع بینانه باشد. تكثر موجود در جامعه ایران که دیگر به هیچ وجه منطبق با طبقات اجتماعی نیست (ولی در ابتدای انقلاب چنین تصور می‌شد) مانع از تأثیرگذاری گسترده و شدید بر اکثریت مردم می‌شود. مواضع پذیرش و مقاومت را همراه با گروه بندی‌های مختلف طبقاتی، ایدئولوژیکی و سیاسی اگر در نظر بگیریم، حدود تأثیر کاملاً آشکار می‌شود.

۴. منفعل دانستن مردم (عدم مقاومت مردم در برابر سیاست‌هایی که برای آنان تدوین می‌شود)

نکته دیگری که باید به آن پرداخت، منفعل تصور کردن مردم است. اگرچه، سیاستهای فرهنگی می‌کوشند که نوعی یکدستی فرهنگی به وجود آورند، این یکدستی به دلایل مختلف (از جمله مقاومت گروه‌های مختلف اجتماعی) امکان ناپذیر است. از دیگر سو، نظریه پردازان فرهنگی بخوبی آشکار کرده اند که نه تنها باید از پذیرش و مقاومت سخن گفت که حاصل کدگشائی (قرائت یا خوانش) مردم هستند، بلکه مردم پیوسته در جریان بازکدگذاری محصولات فرهنگی هستند. مردم چیزهای موجود را می‌گیرند و دوباره آنها به دلخواه خویش کدگذاری می‌کنند. موج انبوهی از جوک‌ها و پیام‌هایی کوتاهی که روزمره ساخته و منتشر می‌شوند، حاصل این فرایند کدگذاری و معنادهی مجدد هستند.

۵. دور باطل مدارا و عدم مدارا

در دوران پس از انقلاب، به ویژه با سپری شدن شرایط انقلابی، همواره دورباطلی از مدارا و عدم مدارا دیده می‌شود که اوضاع را کاملاً پیچیده کرده است. چنگاکی سیاست گذاری که هم در درون دولت‌های مختلف دیده می‌شود و هم بین دولت‌های مختلف، تنها اثری که پس از گذشت سه دهه از انقلاب داشته است، بی اعتبار کردن مواضع فرهنگی دستگاه‌های دولتی بوده است. این دور باطل مدارا و عدم مدارا همیشه اوضاع را خرابتر کرده و به یک معنا سیاست‌های فرهنگی را نزد مردم بی اعتبار ساخته است. از دیگر سو، گاه از سیاست‌های مدارا تحت عنوان سیاست‌های «موقتی» و «زودگذر» یاد می‌شود. حال آن که، هربار که تغییری حاصل شود و یا امتیازی داده شود، دیگر امکان بازگشت به نقطه

اول بسیار دشوار، اگرنگویم غیر ممکن، است. شرایط سیاسی حساس داخلی و یا بحران‌های بین المللی که ما را درگیر می‌کنند، همیشه نوعی «نرمش» را به صورت موقت دیکته می‌کنند و این نرمش‌ها پیوسته سختگیری‌های بعدی را بی اثر و نامشروع می‌کند.

۶. پویایی و تغییر خود فرهنگ عمومی که در اثر تغییر شرایط داخلی و بین المللی پیش می‌آید. فرهنگ عمومی بسرعت در حال تغییر است و شرایط داخلی و به ویژه بین المللی در تغییر آن دخیل هستند. در وجه داخلی جریان‌ها و تصمیمات سیاسی و اقتصادی بر فرهنگ عمومی تأثیر می‌گذارد. برای مثال، جریان‌های اصلاحات اقتصادی و سیاسی که در دو دهه گذشته رخ داده است، به تغییر فرهنگ عمومی منجر شده است. جریان جهانی شدن فرهنگی که گاه از آن به عنوان «آمریکایی شدن»، «کوکولائیزه شدن» یاد می‌شود، در روندی جهانی بر فرهنگ‌های محلی دیگر تأثیر می‌گذارد. اگر چه، این امر به «همگن سازی» فرهنگ‌های ملی یا محلی منجر نشده است، با این حال گردش کالاهای فرهنگی از جهان شمال به سمت جهان جنوب است. حتی اگر به این به پیدایش فرهنگ‌های محلی - جهانی معتقد باشیم، تأثیر جریان جهانی شدن بخوبی قابل مشاهده است. این جریان یکدستی‌های فرهنگی را حتی بیش از پیش برهم می‌زند و به پیدایش ترکیب‌های جدید منجر می‌شود. در اینجا ما با فرایندی روبرو هستیم که برخی از نظریه‌پردازان فرهنگی آن را «امتزاج فرهنگی» (بریکولاژ فرهنگی^{۱۰}) نامیده‌اند. گسترش رسانه‌های جمعی به ویژه ماهواره و اینترنت ارتباط با جهان بیرون را کاملاً گسترده و بدون محدودیت ساخته‌اند.

۷. موضوع هیچ گاه خاتمه نمی‌یابد.

سرانجام، باید به این نکته اشاره کرد که تلاش‌هایی که برای سیاستگذاری رخ می‌دهد کاری تمام شدنی نیست. کشاکش میان حکومت‌ها و مردم همواره ادامه دارد. به ویژه که محیط سیاست گذاری دائماً در حال تغییر است. به دیگر بیان، مسائل فرهنگی همواره در حال ظهور هستند و اقدامات سیاستگذاری را می‌طلبند. بنابراین، این تصور که مسائل فرهنگی یک بار برای همیشه حل خواهند شد، نادرست است.

با عنایت به آنچه که گفته شد می‌توان مصادیق فرهنگ عمومی را در طبقات زیر دسته بندی کرد:

۱- رفتارهایی که به دلیل شرایط و ویژگیهای مربوط به یک دوره انجام می‌شود. به عبارت دیگر برخی ویژگی‌های فناوری، حقوقی، سیاسی، اداری و حاکمیتی عامل بروز برخی رفتارها می‌شوند

¹⁰ Cultural Bricolage

برخی نوآوریهای فناوری و عناصری از فرهنگ غرب از این جمله اند. به عنوان مثال کاربرد تلفن همراه باعث شیوه های جدید از ارتباط، سرگرمی و حتی کار و کسب در بین ایرانیان شده است و یا کاربرد رایانه و دیگر رسانه ها که به دلیل فراگیری و کثرت کاربرد به جزئی از فرهنگ عمومی تبدیل شده اند.

۲- نشانه ها، علایم و مشخصه هایی که خود الهامبخش برخی رفتارها و یا بروز ویژگی هایی در افراد جامعه و فرهنگ عمومی است. در حقیقت این نشانه ها، خودبخود فرهنگ عمومی نیستند بلکه باعث شکل گیری و ترویج فرهنگ عمومی مشخصی هستند که در فرهنگ و اندیشه اسلامی به شعایر اسلامی موسوم هستند. در تعبیر قرآن کریم نیز از شعایر اسلامی به عنوان عوامل تقوای قلوب یاد شده است. شهید مطهری شعائر را اینگونه معرفی می کند: ((مردم خواه ناخواه دارای ذوقها و سلسقه ها و فکرها و مختلفند، مابه الختلاف ها مردم ا به هم پیوند نمی زند لازم است مردم در بعضی امور یک جور فکر و قضاوت کنند یک جور متاثر شوند یک جور حرکت کنند شعارها نقطه ها تمرکز شعور عمومی هستند)) یادداشتهای استاد جلد ۶ ص ۵۰

شهید مطهری شعایر اسلامی را شامل مواردی مانند: آداب سنن خاص مسلمین، سبک ستختمانها و معماری، اعیاد اسلامی، اذان می داند. همان ص ۳۷

۳- اخلاق فردی، مجموعه ای از ارزشها که در تمام اعصار و. جوامع پسندیده هستند مانند صداقت، امانتداری، نوع دوستی، که ممکن است صفات متضاد آنها در جامعه ای غلبه پیدا کند مانند دروغ، غیبت، خود بزرگ بینی، حسد و غرور به نظر می رسد نمی توان این اخلاقیات در چارچوب برنامه ریزی و سیاستگذاری مقید کرد چرا که جنبه شخصی و روانی آنها این امکان را به سیاستگذار نمی دهد تا با بتوان میزان مشخصی از آنها را ایجاد کند. البته بایستی عنایت داشت که همواره رهبران اجتماعی، مراجع و نهادهای تربیتی و دینی به ترویج و تبلیغ این صفات و نهی صفات مقابل آنها می پرداخته اند که می توان با توجه به این ویژگی عرصه سیاستگذاری را به ترویج و تبلیغ آنها بسط داد.

۴- مطلوبیت های اجتماعی و فرهنگی، در عرصه فرهنگ عمومی گاه، نگرشها و رفتارهای بروز می کند که باعث اختلال در کارکرد برخی از ارزشها و هنجارهای مثبت می شوند به عنوان مثال ندرک گرایی، تشبث به شرع برای فرار از قانون و.. از این قبیل می باشند

۵- اخلاقیات اجتماعی، در کنار اخلاقیات فردی نوع دیگری از اخلاقیات هستند که برخلاف اخلاقیات فردی به بعد اجتماعی و روابط اجتماعی مربوط می شوند به همین دلیل امکان سیاستگذاری و برنامه ریزی برای آنها بیشتر از اخلاق و ارزشهای فردی است. درسرخنان مقام معظم رهبری به این بخش از اخلاقیات بارها اشاره شده است نظم و انضباط، وقت شناسی، وجدان کاری از این قبیل می باشند

آنچه در این تحقیق بناست مورد بررسی قرار گیرد ((مسائل فرهنگ عمومی)) است. همچنین یاد آوری می شود که نتایج نهایی، کاربرد سیاستی و برنامه ریزی خواهند داشت بنا علیه مفهوم پردازی ها بایستی بر ابعاد سیاستی و عملگرایانه تاکید داشته باشد تا در مخمصه نظربافیهای غیر کاربردی دچار نشود. بدین منظور با استفاده از ادبیات دانش سیاستگذاری که در کشور ما دانش نسبتاً نویی به شمار می رود تلاش شد تا معیارهای مسئله فرهنگ عمومی با آنچه در دانش سیاستگذاری برای روایی و دقت یک مسئله معرفی شده است، استفاده شود. این امر از سوی دیگر موجب تحدید پژوهش در حیطه مسائل و اجتناب از ورود به مفاهیم مشابه مانند آسیب و... در نهایت پراکنده شدن یافته ها بود.

از آنجاکه مساله در کنار مفاهیم مشابهی چون آسیب، آنومی و چالش موجب برخی ابهامها و کاهش دقت در سیاستگذاریهای فرهنگی می شود در دانش سیاستگذاری مجموعه ای از شاخصها برای این مفهوم در نظر گرفته شده است. به سخن روشن تر عمومیت خاصیتی است که یک امر را در برابر امور دیگری چون خصوصی یا مختص یک قشر یا گروه قرار می دهد. دانش سیاستگذاری با موضوع مومیت را به عنوان مفهومی پایه مورد توجه قرار داده و نظریات متعددی درباره آن ارائه کرده است. در این فصل تلاش می شود با شناسایی مساله و مشخصه های آن به معرفی ابعاد عمومیت مساله دست یابیم.

. :

در تعریف مساله (یا مشکل) نظریات چندی مطرح گردید. در این میان موجزترین تعریف را با نگرش مدیریتی سی. کپنر^{۱۱} می توان چنین بیان کرد که، "یک مساله عبارتند از اختلاف میان آنچه باید اتفاق می افتاد و آنچه که اتفاق افتاده است، به گونه ای که نیاز به اصلاح احساس گردد." ۱۲

تعریف دیگری که از مساله آمده مربوط به ا. جونز^{۱۳} می باشد که مساله "یک نیاز یا نارضایتی است که یک فرد یا گروهی از افراد جامعه آنرا درک کنند و برای راه حل آن چاره ای بجویند." ۱۴

تعریف ان. هنری نیز به بخشی از ویژگی های مساله اشاره می کند و آن قابلیت تشخیص و احساس است. وی در تعریف از مساله عمومی، به این ویژگی اشاره می کند (در بخش های بعد خواهد آمد).

۱۱. C.H. Kepner

۱۲. الوانی، ۱۳۸۰، ص ۴۰

۱۳. C.O. Jones

۱۴. همان، ص ۴۲

تعاریف دیگری نیز ارائه گردیده که غالب آنها را می‌توان در قالب دو تعریف فوق جای داد و تفاوت‌ها مربوط به نوع واژگان به کار رفته در این تعاریف است.^{۱۵}

مولفه‌های اصلی در این تعاریف عبارتند از: اختلاف، نیاز، نارضایتی، امور انسانی، درک انسانی، نظام ارزشی، امکان تشخیص و احساس (عینیت)، تصمیم برای اصلاح، تغییرپذیری، وضع موجود، وضع مطلوب، و عمومی بودن است، که در ادامه به تحلیل آنها پرداخته خواهد شد.

مهمترین گام در شناخت مسایل مستلزم تبیین این مولفه‌ها و تعیین شاخص‌ها و استانداردهای مورد نیاز برای آنهاست. چنانکه، تعیین اینکه اختلاف چیست، وضع مطلوب کدام است و نارضایتی باید مبتنی بر کدام معیار باشد و تا چه حدی مورد پذیرش است و نیز شناسایی وضع موجود و ابزار و معیارهای مورد نیاز برای مقایسه با وضع وضع مطلوب، از موضوعاتی است که پیش از تعریف مساله و وارد کردن آن در دستورکار سیاستگذاری^{۱۶} مورد نیاز می‌باشد.

هر نوع مطلوبیتی همراه با ارزش یا ارزش‌هایی است که فرد یا افراد برای مسایل و پدیده‌های مختلف قائل می‌باشند. در مسایل مربوط به اجتماع و عموم، تعیین مطلوبیت از سوی سیاستگذاران و به عبارتی مجموعه سیاستگذاران (که می‌تواند اعم از نخبگان اجتماعی، سیاسی، علمی، اقتصادی و ... باشد) انجام می‌پذیرد. از سوی دیگر باید گفت که، در واقع، در فرایند سیاستگذاری اصل بر عقلانیت محدود است و لذا شناخت اختلاف و تعارض میان وضع موجود و وضع مطلوب تابعی از این اصل خواهد بود. برای تعیین اختلاف میان وضع موجود و وضع مطلوب برخی راهکارهایی ارائه کرده‌اند که "معیار تعیین تضاد یا اختلاف میان وضعیت موجود و استانداردها می‌تواند عملکرد گذشته، اهداف از پیش تعیین شده یا عملکرد برخی واحدها در سازمان یا سازمان‌های دیگر باشد."^{۱۷} در اینجا به همین موارد بسنده خواهد شد.

نکته مهمتر در تعیین اختلاف و تضاد یا نارضایتی، شناخت میزان این اختلاف‌ها و تضادها است که در اینجا امکان دارد یک موضوع از حالت مساله‌ای خارج و در واژگان دیگری همچون آسیب^{۱۸}، انحراف و یا بحران و آنومی (ناهنجاری) تبلور یابد. لذا شیوه شکل‌گیری یک پدیده، سطح ارزش‌گذاری برای یک مسله، قابلیت تغییرپذیری و سطح شمولیت آن، تعیین کننده واژگان اطلاقی بر آن می‌تواند باشد. بعنوان مثال آسیب، نوعی تخطی یا کژروی نسبت به قوانین است، درحالی‌که همین انحراف از قانون در شرایط

۱۵. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به؛ مسایل اجتماعی ایران (انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۳)، سیاستگذاری عمومی (مجید وحید، ۱۳۸۳) و مبانی سیاستگذاری عمومی و تحلیل سیاستها (حمیدرضا ملک محمدی، ۱۳۸۵)

بحران اجتماعی، رفتاری کاملاً هنجارمند و عاقلانه می‌باشد^{۱۹}. و این در حالیست که مساله تفاوت و نارضایتی جمعی از دو وضعیت است؛ وضعیت موجود و وضعیت مطلوب، که نیازمند تغییر است. لذا برای آنکه یک مساله اجتماعی شناسایی شود باید به ویژگی‌هایی که در ادامه بیان خواهد شد، توجه کرد.

، -

بیان چپستی عمومی ۲۰ برای آنست تا در جایی که از مساله عمومی صحبت به میان می‌آید ابعاد مفهومی این واژه روشن باشد.

ما با یک تعریف واضح از رانسون^{۲۱} و استوارت^{۲۲} آغاز می‌کنیم، که بیان می‌دارند چه چیزهایی خواست عمومی را تشکیل می‌دهند (آنها آن را در زمینه حکومت محلی نوشته‌اند اما تحلیل آن‌ها می‌تواند به صورت کلی مورد استفاده قرار گیرد). آن دو آورده‌اند که وظیفه اصلی سلطه عمومی می‌تواند این باشد که به عنوان یک انتخاب عمومی مقتدر، در فعالیت و هدف جمعی مداخله نماید. آن [حکومت محلی] مسئولیت نهایی در قبال ایجاد یک جامعه، بمانند اجتماع سیاسی که دارای ظرفیت انجام انتخاب عمومی است را، دارد. تنها چالشی که سلطه عمومی با آن روبروست، ایجاد یک «عمومی» است که قادر به وارد شدن در بحث و مذاکره درباره نیازهای اجتماع باشد.

این چند سطر روشن می‌کند که چگونه خواست عمومی عرصه ایست که در آن انتخاب عمومی به منظور دستیابی به اهداف جمعی اعمال می‌گردد.

رانسون و استوارت معنای دیگری از واژه «عمومی» ارائه می‌کنند؛ گروهی (یا گروه‌هایی) از افراد که سلطه عمومی را نشان می‌دهند. آن‌ها آشکارا مفهوم سیاسی یک عمومی که می‌تواند به بحث و تصمیم در مورد نیازهای اجتماع، وارد شود را، شناسایی می‌نمایند، که در اینجا ممکن است آن را با مفهوم ارزیابی «عمومی‌های» مختلف یکسان بدانیم، اما هر یک از آن‌ها نیازمند آنست که به وسیله خدمات عمومی و مدیران عمومی به صورت جداگانه پرداخته و بررسی شود.

کاربرد متداول دیگر «عمومی»، تمایز بین «حوزه عمومی» و «حوزه خصوصی» است، که اساساً حول تفاوت‌های مالکیت (مالکیت جمعی، به نام همه شهروندان، در مقابل مالکیت فردی) و انگیزه (اهداف اجتماعی در برابر منافع فردی)، قرار دارد. این معنا وقتی مناسب است که مدیران عمومی سعی می‌کنند تا ادعا نمایند حوزه عمومی متفاوت از حوزه خصوصی است، و لذا روش‌های مدیریت حوزه خصوصی

^{۱۹} اسکیدمور، ۱۳۷۲

^{۲۰} Public

^{۲۱} Ranson

^{۲۲} Stewart

در نهادهای آن‌ها کاربردی ندارد. (به نوشته آلیسون (۱۹۹۷) در مورد اینکه مدیریت عمومی و خصوصی در همه نسبت‌ها همانند یکدیگرند، بنگرید).

به هر حال معانی وسیع‌تر دیگری برای «عمومی» بیان شده است. برای مثال «مراکز خدمات عمومی» گاهی اوقات به وسیله کاربران یا پیمانکاران خصوصی به جای «نهادهای عمومی»، معنی می‌شود. در اینجا مفهوم مورد نظر «تعهد خدمات عمومی» می‌باشد. قابل ذکر است که مباحث عمومی آن‌هایی هستند که نمی‌توان به آسانی تصمیم‌گیری درباره آن را به اشخاص واگذار کرد. احتمالاً به خاطر آنکه نیازمند بسیج منابع عمومی و سازمان‌دهی حوزه‌های داوطلبانه یا تنظیم رفتار شرکت‌های خصوصی یا افراد یا گروه‌های خصوصی در جامعه می‌باشند.^{۲۳}

در این مقال هر یک از این ابعاد در واژه «عمومی»، به عنوان بخشی از مسئله در نظر گرفته می‌شود. عمومی به کار رفته در اینجا مربوط به معنای برآمده از تفاوت میان منافع خصوصی و عمومی است.

- - - - -

تعاریف چندی نیز از مساله عمومی بیان شده که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

«مساله عمومی تنش و نیازی است که جنبه عمومی دارد و بر اثر خدشه دار شدن مصالح عامه بوجود آمده است. بنابراین مبتنی بر برداشتها و تلقی‌های ما از مصلحت عامه است.»^{۲۴}

«مساله عمومی را می‌توان یک نیاز، یک کمبود، یک محدودیت، یا یک نارضایتی محسوس در جامعه دانست که قابل تشخیص و احساس است و راه‌حلی برای آن جستجو می‌شود.»^{۲۵}

«مسایل اجتماعی جامعه پدیده‌هایی اجتماعی اعم از شرایط ساختاری و یا الگوهای کنشی هستند که در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه یعنی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب مورد توجه مردم و گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرند و مانع تحقق اهداف و تهدید کننده ارزش‌ها و کمال مطلوب‌های آنها می‌شوند.... مسایل اجتماعی به عنوان پدیده‌هایی نامطلوب، اذهان نخبگان و افکار عمومی مردم را به خود مشغول می‌دارند، به طوری که نوعی وفاق و آمادگی جمعی برای مهار آن‌ها پدید می‌آید که مقامات رسمی کشور را به چاره‌جویی و اقدام عملی در جهت اصلاح و یا رفع و پیشگیری از آنها وامی‌دارد.»^{۲۶}

^{۲۳} این قسمت برگرفته از کتاب مجموعه مقالات سیاستگذاری و عمومی ترجمه ابراهیم غلامپور آهنگر بوده که در دست چاپ می‌باشد.

^{۲۴} الوانی، ۱۳۸۰، ص ۴۲

^{۲۵} N.L. Henry

^{۲۶} عبداللهی، ۱۳۸۳، ص ۱۲

حال با توجه به تعاریف مساله و عمومی می‌توان مساله عمومی را اینگونه تعریف کرد که؛ «در پدیده‌های اجتماعی میان آنچه باید باشد و آنچه هست اختلاف وجود دارد، فردی یا افرادی از جامعه آنرا احساس کرده و نسبت به منافعی که از این پدیده در شرایط فعلی برای جمعی از مردم وجود دارد، ناراضی بوده، و در جهت تغییر آن و یافتن راه‌حل‌های مناسب برای مطلوب نمودن وضعیت، در دستگاه‌های رسمی حکومتی، اقدام می‌کنند.»

یکی از مواردی که در تعریف فوق باید توجه داشت آنست که یک مساله دربردارنده دو بعد عینی و ذهنی است و آنچه نیاز به تغییر را ایجاد می‌کند بعد ذهنی بوده و آنچه که تغییر می‌کند بعد عینی یک مساله است.

- - - - -

برای یک مساله عمومی ویژگی‌های مختلفی طرح شده تا آنرا از سایر مسایل مجزا کنند. عمده‌ترین آن به شرح ذیل است:

- یک مساله عمومی دارای صور مختلف بوده و دیدگاه‌های متفاوتی بر آن حاکم است. به عبارتی متأثر از دیدگاه‌های مختلف می‌باشد،
- مسایل عمومی بصورت مجموعه‌های به هم پیوسته و وابسته بروز کرده و بر یکدیگر تاثیر مداوم دارند. از اینرو سیاست‌هایی که جهت حل این مسایل اتخاذ می‌شود، باید دارای رویکردی کلان‌نگر و سیستمیک باشد،
- یک مساله عمومی شاید ناشی از خط‌مشی‌های موجود و عدم تطبیق و همسویی با اوضاع جدید باشد،
- هر مساله عمومی دارای ابعاد مختلفی است،
- مساله عمومی زمانی مساله به شمار می‌آید که از آنچنان حساسیتی برخوردار باشد که نیاز به اقدام عمومی برای حل آن کاملاً مشهود باشد،
- احساس جمعی در مورد یک مساله آنرا به یک مساله عمومی تبدیل می‌کند،
- یک مساله عمومی قابل تشخیص و شناسایی است،
- یک مساله عمومی برای آحاد جامعه نسبی است،
- اثرات هر نوع تغییری در یک مساله بر سایر مسایل اجتماعی متسری است،
- یک مساله اجتماعی ذاتی برای یک جامعه نیست (به خودی خود وجود ندارد)، بلکه ساختگی و ناشی از شرایط محیطی هستند،
- یک مساله عمومی نیازمند تغییر و قابل تغییر است،

- یک مساله عمومی دارای دو جنبه عینی و ذهنی است،²⁷
- اثرات یک مساله عمومی برای جمعی بسیار از انسان‌هاست، نه فردی و غیرانسانی،
- مسایل عمومی با دخالت انسانی حل می‌شود،
- تغییر در یک مساله عمومی یک تغییر منطقی و مورد قبول است،
- معمولاً صاحبان قدرت و حاکمیت به حل و رفع مسایل می‌پردازند،
- منافع حاصل از تغییر در یک مساله اجتماعی برای آحاد جامعه نسبی است.

برای شناسایی مساله عمومی و قرار دادن آن در دستور کار سیاستگذاری عمومی ابزار مختلفی وجود دارد، شکل و شیوه در دستور کار قرار دادن یک مساله در نظام‌های اجتماعی و سیاسی مختلف براساس ساختار اجتماعی با یکدیگر متفاوت است. به عبارتی در هر نظامی شیوه خاصی از در دستور قرار گرفتن یک مساله را می‌توان یافت. از این شیوه‌ها و ابزار میشود به عملکرد رسانه‌های جمعی، گروه‌های دینفوذ، نهادهای مدنی، تظاهرات عمومی یا قشری، اتاق‌های فکر، توانایی‌های ادراکی فردی، سازمان‌های پژوهشی، و مانند آن اشاره کرد.

از نگاه راجر کب و همکارانش سه مدل یا الگوی ارتباطی جهت طرح مساله وجود دارد که به شرح ذیل است؛

مدل ابتکار از خارج: مشکلات خارج از سیستم حکومتی مطرح می‌گردد و سپس افکار عمومی را به خود جلب کرده و پس از آن وارد دستور کار حکومت قرار می‌گیرد.

مدل بسیج: انتقال از دستور کار سیاستگذاری به افکار عمومی جهت پذیرش آنها.

مدل دسترسی از داخل: توسط افرادی در داخل سیستم حکومتی در دستورکار سیاستگذاری قرار

گرفته و نیازی به افکار عمومی نیست.²⁸

عوامل چندی برای اینکه یک پدیده به عنوان مساله عمومی شناخته شود، می‌توان برشمرد. این عوامل را از چند بعد میتوان نگریست؛ نخست عواملی که از ذات مساله برمی‌آید، دوم عواملی که از

²⁷ لوزیک؛ ۱۳۸۳، ص ۱۵

²⁸ وحید، ۱۳۸۳، صص ۲۶-۳۰

محیط اجتماعی ناشی می‌شود و سوم عوامل مربوط به حاکمیت و تصمیم‌گیرندگان. در ذیل به برخی از آنها اشاره خواهد شد؛

- * میزان قابلیت برای تشخیص و حس مساله
- * میزان سادگی و یا پیچیدگی مساله
- * میزان حساسیت عمومی نسبت به مساله و حیطه اثرگذاری آن
- * منبع نخستین تعریف و طرح مساله
- * سطح ادراک و برداشت‌های اجتماعی
- * ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی
- * میزان ارتباط سیاستگذار با جامعه

در همین زمینه از دیدگاه ابطال‌پذیری پویری مساله شناسی می‌توان با یک فراگردی که به تشخیص و حل مساله منجر می‌شود، بهره گرفت. "فراگرد تشخیص و حل مساله بر اساس فرمول ذیل است؛

P1 مساله اولیه	→	TS وضعیت آزمایشی	→	EE حذف خطا	→	P2 مساله ثانویه
----------------------	---	------------------------	---	------------------	---	-----------------------

در روش سقراطی مورد استفاده پویر مرحله کشف با خود مساله و علت مساله بودن آن آغاز

می‌شود.^{۲۹}

:

مساله به خودی خود مورد توجه قرار نخواهد گرفت مگر آنکه فردی یا افرادی از انسان‌ها آنرا درک کرده و به شیوه‌های گوناگون در معرض تصمیم‌گیری جهت تغییر قرار دهند.

پیش از آنکه به بررسی شیوه‌های طرح مساله و قرار دادن آن در دستور سیاستگذاری پرداخته شود باید به این نکته اشاره شود که هر مساله دارای ساختاربندی خاصی به لحاظ شکلی و محتوایی است که متأثر از گفتمان حاکم بر نهادی است که مساله جهت بررسی و تصمیم‌گیری جهت حل آن بدانجا ارجاع می‌شود و نیز فردی که آن را برای نخستین بار مطرح و نامی بر آن می‌نهد، که در گفتمان مربوط به آن مساله مورد توجه قرار خواهد گرفت.

براین اساس تعریف مساله و شکل‌دهی به آن باید از قالب و ساختار زبانی و محتوایی مناسبی استفاده شود که قابل ارائه در قالب بازی‌های رسمی سیاسی باشد. از همین رو پیر مولر در تبیین جنبه‌های اساسی فرایند مثبت یک موضوع در دستورکار سیاستگذاری عمومی به این موضوع اشاره می‌دارد که "تبدیل یک مساله به موضوع دخالت سیاسی، محصول کاری ویژه و تخصصی است که توسط بازیگران سیاسی قابل شناسایی، که سرشت آنها براساس نوع موضوع نیز ممکن است تغییر کند، به انجام می‌رسد."^{۳۰}

۳۱

.

صورت بندی مساله عبارت است از فرایندی که طی آن تصاویر و تعاریفی از یک وضعیت مساله تهیه و آزمایش می‌شود. صورت بندی مساله شامل چهار مرحله به هم مرتبط می‌باشد: احساس مساله،

²⁹ کاظمی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۲

³⁰ مولر، ۱۳۸۷، ص ۴۸

³¹ خلاصه‌ای از نوشتار ویلیام ان دان در کتاب سیاستگذاری عمومی و تحلیل سیاست ها، ترجمه دکتر کیومرث اشتریان

جستجوی مساله، تعریف مساله و تعیین مساله. چندین روش و تکنیک مرتبط با آنها در اجرای عملیات صورت بندی مسایل مفید و مؤثر می‌باشند.

. - -

تحلیلگران سیاستی ندرتاً با مساله‌ای واحد و خوب تعریف شده مواجه هستند. آنها عمدتاً با مسایل متعددی روبه‌رو می‌باشند که در سراسر فرایند سیاستگذاری پراکنده بوده و به اشکال گوناگونی توسط سهامداران سیاستی که نقطه نظرات و اقدامات‌شان به یکدیگر مرتبط می‌باشد، تعریف شده‌اند. بنابراین با توجه به این شرایط تحلیلگران سیاستی در داخل مرزهایی که غیر قابل کنترل است فعالیت می‌کنند و یا می‌توان گفت که آنها در یک گفتمان بی پایان با واقعیت قرار دارند که می‌بایست همواره به کشف حقایق اقدامات و فرصت‌های بهبود جدید بپردازند. برای استفاده مؤثر و مفید از روشها و تکنیک‌های مربوط به صورت‌بندی مساله در ابتدا می‌بایست به تجزیه و تحلیل حد و مرزی مساله پرداخت. برای اینکار سه اقدام باید انجام گیرد؛

- نمونه برداری گسترده (یا بهمنی) از سهامدارانی که در حوزه مورد نظر فعالیت می‌کنند.

- این مرحله شامل جمع‌آوری و تهیه باز نمایی‌های مختلف از مساله می‌باشد. هکلو در توصیف باز نمایی‌ها می‌گوید « باز نمایی‌ها طرحها، پارادایم‌ها، استعاره‌ها، رویه‌های کاری و یا هر چیز دیگری می‌باشند که ما به وسیله آنها به حوادث و وقایع مختلف معنا می‌دهیم.»

- مرحله سوم شامل تخمین حدود و ثغور کلان مساله می‌باشد. در این مرحله تحلیلگر محور مختصاتی را ترسیم می‌کند که سهامداران سیاستی ضلع افقی آن و عناصر جدید مربوط به مساله - نظرات، مفاهیم، متغیرها، مفروضات، اهداف، سیاستها- ضلع عمودی آنرا تشکیل می‌دهند.

. - -

تجزیه و تحلیل طبقاتی تکنیکی است برای توضیح و تبیین مفاهیم مورد استفاده در تعریف و طبقه‌بندی وضعیت‌های مساله - هر تحلیلگر سیاستی به هنگام احساس یک وضعیت مساله می‌بایست اقدام به طبقه‌بندی دریافت‌های خود بکند. حتی ساده‌ترین توصیف‌های ارائه شده از هر وضعیت مساله بر پایه طبقه‌بندی تجارب تحلیلگر از طریق تعقل استقرایی (فرایندی که طی آن مفاهیم کلی مثل فقر، جنایت و آلودگی با تجربه اشیاء یا وضعیت‌های خاص شکل می‌گیرند) قرار دارند. لازم به ذکر است چنانچه که در مساله نه نقطه مشخص است استفاده از روشی برای طبقه بندی یک وضعیت مساله به معنای از دست دادن امکان استفاده از روشهای دیگر جهت انجام این عمل می‌باشد.

تجزیه و تحلیل طبقاتی بر پایه دو رویه اصلی قرار دارد:

به معنای شکستن یک طبقه و تجزیه آن به اجزاء تشکیل دهنده اش می باشد. نیز که بر عکس تقسیم بندی منطقی می باشد عبارت است از کنار هم قرار دادن چند وضعیت، شیء یا شخص و تشکیل یک گروه یا طبقه از آنها. مبنای هر طبقه بندی بستگی به هدف تحلیلگر دارد که آن نیز به نوبه خود وابسته به دانش تحلیلگر از وضعیت مساله می باشد.

اگر چه هیچ راه مطمئنی برای تشخیص اینکه آیا ما مبنای مناسبی برای طبقه بندی انتخاب کرده ایم یا نه در دسترس نمی باشد، در عین حال قواعدی وجود دارد که با رعایت آنها می توان از انتخاب نظام طبقه بندی مناسب برای وضعیت مساله مورد نظر خود اطمینان یافت:

۱- مبنای هر طبقه بندی می بایست بر پایه هدف تحلیلگر و ماهیت وضعیت مساله انتخاب شود.

۲- طبقات تعریف شده در هر نظام طبقه بندی می بایست جامعیت و فرا گیرندگی داشته باشند.

۳- طبقات تعریف شده می بایست انحصاری باشند.

۴- می بایست مبنای واحدی در تعریف کلیه طبقات و زیر طبقات به کار برد.

- سطوح مختلف هر نظام طبقه بندی (طبقات، زیر طبقات و زیر- زیر طبقات) می بایست به طور کامل از یکدیگر مشخص و متمایز باشند. این اصل که رعایت آن به هنگام تفسیر و تشریح نظامهای طبقه بندی ضرورت دارد خود از اصل ساده اما مهمی که قبلاً به آن پرداختیم منتج شده است: «کل هر مجموعه نمی تواند جزئی از همان مجموعه باشد».

یکی از مفید ترین روشها برای تجزیه و تحلیل طبقاتی « تفکر مجموعه ای » می باشد. این روش شامل مطالعه روابط مجموعه ها بایکدیگر و با زیر مجموعه ها می باشد. مجموعه در اینجا به معنای دسته ای محدود و مشخص از اشیاء یا چیزهای دیگر می باشد. مجموعه ها و زیر مجموعه ها به ترتیب با طبقات و زیر طبقات در نظام طبقه بندی متناظر هستند.

. - -

تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی تکنیکی است که برای تشخیص عوامل احتمالی ایجاد کننده وضعیت مساله به کار می رود. متأسفانه منطق صوری و بسیاری از نظریات علوم اجتماعی کمک چندانی به ما در زمینه یافتن این عوامل ارائه نمی کنند. هیچ راه مطمئنی برای استنتاج علل از معلولات و یا معلولات از علل وجود ندارد و نظریات علوم اجتماعی اغلب چنان کلی و یا جزئی هستند که نمی توانند در این زمینه کمکی به ما بنمایند. برای تشخیص عوامل موجد هر وضعیت مساله می توان چارچوبی مفهومی تهیه کرد که توضیح دهنده عوامل احتمالی موجد آن وضعیت باشد.

تکنیک تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی به تحلیلگر کمک می‌کند تا عوامل احتمالی، عوامل قابل قبول و نهایتاً عوامل واقعی ایجاد کننده وضعیت مساله را بشناسد.

هستند که هر چند دور از ذهن است اما ممکن است به ایجاد وضعیت مساله کمک کنند. برای مثال بیکاری، توزیع قدرت و ثروت میان نخبگان، و عدم تمایل به کار و فعالیت از جمله عواملی هستند که احتمال می‌رود در بروز پدیده فقر مؤثر باشند.

در مقابل، آن عواملی هستند که بر پایه تحقیقات علمی یا تجارب قبلی به عنوان عوامل موجد وضعیت مساله شناخته شده اند. در مثال فوق بیکاری و توزیع قدرت و ثروت میان نخبگان به عنوان عوامل قابل قبول موجد فقر شناخته می‌شوند.

نیز آن عواملی هستند که فی الواقع ایجاد کننده وضعیت مساله مورد نظر ما بوده اند. در مثال فوق تنها بیکاری عامل واقعی موجد وضعیت فقر می‌باشد و توزیع قدرت و ثروت میان نخبگان هیچ نقشی در این زمینه ندارد. زیرا سیاست یا سیاستهایی که برای حل مساله فقر تهیه می‌شوند به هیچ وجه تأثیری بر ساختار اجتماعی جامعه ندارند و نمی‌توانند در این زمینه تغییری ایجاد کنند.

اصول و قواعدی که می‌بایست در تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی رعایت شوند همان اصول و قواعد مربوط به تجزیه و تحلیل طبقاتی می‌باشند: ارتباط اساسی، فراگیری، انحصاری بودن، هماهنگی و سازگاری و تمایز سلسله مراتبی. به همین ترتیب رویه‌های مورد استفاده برای انجام تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی همان رویه‌هایی هستند که برای انجام تجزیه و تحلیل طبقاتی مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ تقسیم بندی منطقی و طبقه بندی منطقی. تفاوت اساسی بین تجزیه و تحلیل طبقاتی و تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی آن است که تجزیه و تحلیل طبقاتی به طور کلی شامل تقسیم بندی و طبقه بندی مفاهیم می‌باشد، اما تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی تنها به مفاهیم خاص و مشخص یعنی علل احتمالی، قابل قبول و واقعی مسایل می‌پردازد. در عین حال هر دو نوع تجزیه و تحلیلی که مورد اشاره هستند بر فرد تحلیلگر متمرکز می‌باشند و در هر دو انسجام منطقی معیار تشخیص میزان دقت تعریف و تصویر ارائه شده از مساله می‌باشد. بعلاوه هیچ یک از این دو نوع تجزیه و تحلیل تضمین کننده صحت مبنای انتخاب شده برای مفاهیم نمی‌باشند. همچنین لازم به ذکر است که تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی به دلیل تمرکز بر فرد تحلیلگر به عنوان منبع شناخت (نه بر گروهها) ممکن است فرصت شناخت روابط علی و معلولی دیگر را از ما بگیرد.

. - -

همانند یابی روشی است برای کمک به شناخت مسایل مشابه. همانند یابی که به معنای تحقیق و جستجوی شباهتها می‌باشند به تحلیلگر کمک می‌کند تا بتواند از شباهت‌های موجود میان مسایل سیاستی در جهت صورت بندی این مسایل استفاده کند. مطالعات بسیاری انجام شده نشان می‌دهد

مردم اغلب نمی‌توانند تشخیص دهند آنچه یک مساله جدید به نظر می‌رسد در واقع مساله قدیمی در ظاهری جدید می‌باشد. آنها همچنین نمی‌دانند که مسایل قدیمی ممکن است در بردارنده راه‌حلهایی برای مسایل به ظاهر جدید باشند. در هر حال روش همانندیابی بر پایه این فرض قرار دارد که آگاهی تحلیلگر از شباهتها و همانندی‌هایی موجود میان مسایل توانائیهای وی را در حل آن مسایل افزایش می‌دهد.

در صورت بندی مسایل سیاستی می‌توان از چهار نوع قیاس بهره برد:

۱- در این روش تحلیلگر سعی می‌کند در عالم تصور، خود را به جای سهامدار سیاستی که با وضعیت مساله مواجه شده است قرار دهد و آن وضعیت را به طور ذهنی تجربه کند. قیاس شخصی به ویژه در کشف ابعاد سیاسی وضعیت مساله حایز اهمیت می‌باشد. چراکه حتی اگر مابخواهیم و بتوانیم «سیاسی» فکر کنیم نمی‌توانیم وارد جهان سیاستگذاری شویم و فرایند سیاستگذاری را به معنای واقعی کلمه ادراک کنیم.

۲- در این روش تحلیلگر سعی می‌کند شباهتهای موجود میان دو یا چند وضعیت مساله را بیابد. برای مثال می‌توان مساله اعتیاد به مواد مخدر را با بیماریهای واگیر مقایسه کرد و از تجارب موجود در زمینه کنترل این بیماریها جهت صورت بندی مساله اعتیاد استفاده نمود.

۳- در قیاس نمادین تحلیلگر سعی می‌کند شباهتهای موجود بین وضعیت مساله و یک پدیده نمادین را بیابد. برای مثال می‌توان میان ماشینهای خودکار (ترموستات، هواپیمای بی‌خلبان) و فرایندهای سیاستی به مقایسه پرداخت.

در این روش تحلیلگر کاملاً آزاد است تا به کشف شباهتهای موجود بین وضعیت مساله و وضعیتی تخیلی که در ذهن خود پرورده است بپردازد. تحلیلگران سیاستهای دفاعی گاهی از این روش برای صورت بندی مسایل مربوط به دفاع در برابر حملات هسته‌ای استفاده می‌کنند.

همانند یابی بر پایه فرد تحلیلگر و همچنین گروه تحلیلگران قرار دارد. مهمترین معیار در روش همانند یابی برای ارزیابی تصویر و تعریف ارائه شده از یک مساله میزان دقت قیاسها می‌باشد. منظور آن است که تا چه حد وضعیت مساله مورد بررسی شبیه وضعیت مساله‌ای می‌باشد که مورد قیاس قرار گرفته است.

. - -

مساله شناسی گروهی روشی است برای ارائه نظرات، اهداف و استراتژیهای که یاری دهنده ما در شناخت و تعریف وضعیتهای مساله باشند. این روش برای اولین بار توسط آلکس اسبرن جهت بالا بردن قدرت خلاقیت انسان به کار برده شد. با استفاده از روش مزبور می‌توان پیشنهادهای بسیاری را در خصوص راه مختلف شناخت مساله ارائه داد.

مساله شناسی گروهی که یک تکنیک چند کاربردی است را می‌توان به شکل سازمان یافته و یا سازمان نیافته اجرا نمود. این امر به هدف تحلیلگر و شرایط وضعیت مساله بستگی دارد. مساله شناسی سازمان نیافته اغلب در سازمانهای دولتی و «گروههای فکری» خصوصی و دولتی انجام می‌گیرد. در این که افراد دارای معلومات کلی و جزئی از چند رشته علمی شرکت می‌کنند محافل مسایل سیاستی به شکل غیر رسمی و کاملاً خود جوش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. مساله شناسی گروهی همچنین با استفاده از ابزارهای مختلف برای ایجاد هماهنگی یا تمرکز بخشیدن به بحثهای گروهی به شکل سازمان یافته انجام گیرد. تشکیل «سمینارهای تصمیم‌گیری دائمی» یکی از این ابزارها می‌باشد. شیوه دیگر برای ایجاد هماهنگی و تمرکز بخشیدن به جریان مساله شناسی‌های گروهی تهیه سناریوهایی می‌باشد که بیان کننده حوادثی فرضی برای آینده باشند. از این روش مکرراً برای پیش‌بینی بحرانهای نظامی و سیاسی استفاده شده است. سناریو نویسی شامل استفاده از قوه تخیل جهت توصیف وضعیت مسالهی در آینده می‌باشد.

. - -

تجزیه و تحلیل چند منظری روشی است برای شناخت بیشتر مسایل و راه‌حل‌های ممکن آنها با استفاده از زوایای دید فردی، سازمانی و فنی نسبت به وضعیت‌های مساله. این روش که جایگزینی برای روش‌های مرسوم عقلانی- فنی در برنامه‌ریزی، تجزیه و تحلیل سیاستی، ارزیابی تکنولوژیکی، اجتماعی، و دیگر حوزه‌ها می‌باشد مشخصاً برای پرداختن به مسایل سیاستی بد صورت‌بندی شده طراحی گردیده است. اکنون به تشریح زوایای دید فردی، سازمانی و فنی که در این روش مورد استفاده قرار می‌گیرند می‌پردازیم.

۱- در زاویه دید فنی که بر پایه یک جهان بینی علمی - تکنولوژیک قرار دارد تفکر علی و معلولی، تجزیه و تحلیل عینی و بی غرض، پیش بینی، و بهینه سازی از توجه خاصی برخوردارند.

۲- در این نوع زاویه دید تحلیلگر بر پایه رویه‌های کاری استاندارد، قانون و برنامه‌های نهادینه شده به مساله می‌پردازد.

۳- بر این اساس تحلیلگر به مسایل از دریچه نیازها، ارزشها و استنباط‌های شخصی خود نگاه می‌کند. در زاویه دید فردی عرف، کاریزما و منافع شخصی عوامل تعیین کننده سیاست‌های و تأثیرات ناشی از آنها می‌باشند

روش تجزیه و تحلیل چند منظری در مورد هر مساله اجتماعی- تکنولوژیکی که مرتبط با سیاستگذاری عمومی، برنامه ریزی استراتژیک جمعی، توسعه منطقه‌ای و دیگر حوزه‌ها می‌باشد قابل کاربرد است. از تجزیه و تحلیل چند منظری به طور قابل توجهی در حوزه تکنولوژی و دیگر حوزه‌های مربوط به سیاستگذاری عمومی استفاده شده است. این تکنیک که حاصل کارهای اولیه در زمینه

سیاست خارجی و طراحی نظامهای معرفتی می‌باشد - روشی است برای پرداختن به مسایل بد صورت بندی شده و پیچیده که در نظامهای اجتماعی - تکنولوژیک با محتوای علمی و فنی بالا پدید می‌آیند.

. - -

تجزیه و تحلیل مفروضات تکنیکی است برای تلفیق و ترکیب مفروضات متضادی که مربوط به یک شکل سیاستی می‌باشند. تجزیه و تحلیل مفروضات با توجه به اینکه دربرگیرنده رویه‌هایی می‌باشد که در کنار دیگر تکنیک‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و می‌تواند بر گروهها، اشخاص و یا هر دو متمرکز باشد، از بسیاری جهات جامع‌ترین تکنیک مربوط به صورت‌بندی مسایل سیاستی محسوب می‌شود. مهمترین مشخصه تکنیک تجزیه و تحلیل مفروضات آن است که برای پرداختن به مسایل بد صورت‌بندی شده (یعنی مسایلی که سیاستگذاران، تحلیلگران سیاستی و دیگر سهامداران در خصوص نحوه تبیین آنها باهم اختلاف دارند) طراحی شده است. بعلاوه مهمترین معیار تشخیص درستی تبیین ارائه شده از هر مساله در این تکنیک آن است که آیا مفروضات متضاد مربوط به مساله مذکور شناخته شده، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و ترکیب و تلفیق گردیده‌اند یا نه.

تجزیه و تحلیل مفروضات برای از میان برداشتن چهار عیب و نقص عمده در تجزیه و تحلیل سیاستی طراحی گردیده است:

۱- تجزیه و تحلیل سیاستی اغلب بر پایه مفروضات تصمیم‌گیرنده واحدی که دارای ارزش‌های منظم و مشخص می‌باشد، قرار دارد.

۲- در تجزیه و تحلیل سیاستی اغلب، نظرات مختلف در خصوص ماهیت مسایل و راه حل‌های ممکن برای آنها مورد توجه دقیق و نظاممند قرار نمی‌گیرند.

۳- اغلب تجزیه و تحلیل‌های سیاستی در سازمانهایی انجام می‌شوند که به دلیل ویژگیهای خاص آن سازمانها امکان به چالش کشیدن تبیین‌های رایج موجود در خصوص مسایل وجود ندارد.

۴- معیارهایی که برای بررسی درستی تبیین ارائه شده در خصوص هر مساله مورد استفاده قرار می‌گیرند اغلب به جای پرداختن به مفروضات اساسی (مفروضاتی که مستقیماً مرتبط با تبیین و تعریف مسایل می‌باشند) تنها به مفروضات سطحی و غیر بنیادی (مثل انسجام منطقی) می‌پردازند.

در تجزیه و تحلیل مفروضات به تضاد و تعهد اهمیت خاصی داده می‌شود. «تضاد برای فراهم آمدن امکان ظهور سیاستهای متضاد و برای به چالش کشیدن مفروضاتی که هر سیاست بر پایه آن قرار دارد مورد لزوم است. از سوی دیگر تعهد نیز برای طرفداران هر سیاست که در پی ارائه محکم ترین مورد ممکن (نه لزوماً بهترین) هستند لازم می‌باشد.

تجزیه و تحلیل فرضی شامل پنج مرحله می‌باشد:

۱- در این مرحله سهامداران سیاستی بر پایه میزان تأثیر گذاری وی بر فرایند سیاستی و میزان تأثیر پذیری وی از این فرایند، تشخیص داده می‌شوند، رتبه بندی شده و نهایتاً اولویت بندی می‌شوند.

۲- در این مرحله تحلیلگر سعی می‌کند با بررسی و مطالعه هر مساله اطلاعات و مفروضاتی پنهان و آشکاری که بر پایه آنها قرار داده شده است را، بیابد.

۳- در مرحله سوم تحلیلگر به مقایسه و ارزیابی اطلاعات ارائه شده و مفروضاتی که این پیشنهادها بر پایه آنها قرار دارند می‌پردازد.

۴- در این مرحله مفروضات بر اساس صحت نسبی و اهمیتشان نزد سهامداران مختلف اولویت بندی می‌شوند و سپس مهمترین و نامطمئن ترین آنها کنار هم گذاشته می‌شوند. هدف نهایی از این اقدامات تهیه فهرستی از مفروضاتی می‌باشند که مورد قبول بسیاری از سهامداران هستند.

۵- در این مرحله مجموعه ای مرکب از مفروضات قابل قبول تشکیل می‌گردد و سپس بر پایه این مجموعه تبیین و تعریف جدیدی از مساله مربوطه ارائه می‌گردد. در این هنگام احتمالاً همکاری سهامداران با یکدیگر افزایش می‌یابد و در نتیجه بر میزان ثمر بخشی فعالیت‌هایشان نیز افزوده می‌شود.

- - -

هر شیوه بحث سیاستی - آمrane، آماری، دسته بندی شده، تحلیلی، علی و معلولی، حدس و گمانی، واقع‌بینانه انتقادی - بر پایه مفروضات کاملاً متفاوتی قرار دارد. چنانچه این مفروضات با اطلاعات سیاستی مربوط به آنها ترکیب شوند معرفتهای متضادی حاصل خواهد شد.

یکی از تکنیک‌های مهم در تجزیه و تحلیل مفروضات استفاده از نمودار جهت به نمایش گذاشتن درجه اهمیت و درستی عناصر تشکیل دهنده بحثهای سیاستی - استدلال، پشتوانه‌ها و ضداستدلال - می‌باشد. بر اساس این تکنیک برای هر یک از عناصر مذکور (دو محور کشیده می‌شود به طوری که یک محور نشان‌دهنده میزان درستی و صحت آن عنصر و محور دیگر بیانگر میزان اهمیت آن باشد.

میان فرهنگ و حکومت از جهات متعددی رابطه و پیوستگی وجود دارد. فرهنگ در مشروعیت بخشی به حکومتها و پیوند با مردم نقشی بی بدیل دارد. و همین نکته با عث شده است تا فرهنگ در تاریخ اندیشه سیاسی

جایگاهی پایدار و ثابت پیدا کند. به گونه ای که از یونان باستان تا دوره تمدن اسلامی و اروپای متجدد این موضوع همواره مورد بحث و نظر اندیشمندان اجتماعی بوده است.

تحول در نقش و کارکرد فرهنگ و نوآوری در ابزارهای فرهنگی و در کنار آن تکامل الگوهای حکومتی موجب دگرگونیهای در رابطه فرهنگ و حکومت از میانه قرن نوزدهم به اینسو شده است. ظهور رسانه های جمعی، تولید انبوه کالاهای فرهنگی، نقش مصرفی فرهنگ، ضرورت فرهنگ در برقراری مردمسالاری، انسجام اجتماعی و کارکرد های آموزشی و تربیتی و سرمایه اجتماعی؛ نگرشهای متفاوت و جدیدی را به رابطه فرهنگ و اجتماع بوجود آورده است.

در تبیین این پدیده ها اندیشه های متنوعی از لیبرال تا کمونیستی و نئو کمونیستی با هدف حفظ و حراست از اصالت های فرهنگی و وظایف حکومتها در قبال ارائه خدمات فرهنگی به جامعه عرضه شده اند.

اولویت این موضوع برای حکومتها و نهادهای فرهنگی تا سالهای نخست هزاره سوم نیز آنرا همچنان مورد نظریه پردازی قرار داده است و گستره ای از نظریات جدید در تشریح این رابطه تولید و عرضه شده اند

اینک رابطه فرهنگ و حکومت ضمن آنکه مساله ای سیاسی و فرهنگی تلقی می شود در عرصه های حقوق عمومی و اساسی نیز مورد مناقشه قرار می گیرد. حقوق فرهنگی مردم و وظایف دولت در پاسخگویی به آن و نیز حدود دخالت در لایه های عمومی و نخبه گرای فرهنگی، تبیین حقوق تولید کنندگان و عرضه کنندگان فرهنگی و وظیفه اقتدارهای حکومتی در این باره از جمله مباحث حقوق عمومی و اساسی در پرداختن به این موضوع است.

در پی تلاشهای یونسکو از دهه ۱۹۷۰ به اینسو فرهنگ نقش رسمی تری در اسناد بین المللی پیدا کرد. تا آنجا که در اندیشه توسعه بالاخص در جوامع کمتر توسعه یافته مورد تاکید تمامی نظریه پردازان قرار گرفت. همین امر امروزه دو برداشت متفاوت از رابطه فرهنگ و حکومت رقم زده است: در برداشت نخست فرهنگ به عنوان نهادی همچون اقتصاد در سیاستهای توسعه ای وارد می شود و ما آنرا سیاست فرهنگی (cultural politic) می نامیم در کنار آن برداشت دیگری از این رابطه عرضه شده است که در زبان فارسی آن را نیز می توان سیاست فرهنگی (cultural policy) نامید در این برداشت که در حوزه مطالعه فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است به کارکردهای فرهنگ در تعیین سبک زندگی و رفع نیازهای عمومی توجه دارد. با اینحال تعریف فرهنگ و تعیین حدود آن همچنان مورد مناقشه جدی قرار دارد.

روابط فرهنگ و حکومت در اندیشه سیاسی اسلام وجهی متفاوت با دیگر الگوهای حکومتی دارد همچنانکه در اندیشه اندیشمندان سیاسی اسلام نظیر فارابی، خواجه نصیر، ابن مسکویه، امام خمینی و

در مصداق بارز آن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فرهنگ نه ابزاری در اختیار حکومت بلکه الهامبخش اهداف و چشم اندازها و در تعامل با دولت انگاشته شده است. به سخن دیگر فرهنگ در حکومت اسلامی نقش فراتر از سرگرم کننده و تفریح و در خدمت اقتصاد و سیاست ایفا می کند.

به عبارت دیگر ادبیات اسلامی در این عرصه امکان تدوین نظریه ای جدید را فراهم آورده است. که در آن برداشت متفاوتی از چگونگی و نحوه مدیریت فرهنگی و دخالت حکومت در فرهنگ ارائه می شود. از منظر مفهومی فرهنگ و حکومت مکمل یکدیگرند و در تعامل و حمایت از یکدیگر بوده اند. در نظام جمهوری اسلامی ایران که با الهام از الگوی حکومت اسلامی طراحی و تشکیل شده است، قانون اساسی و اسناد راهبردی مسئله فرهنگ با کارکرد متفاوت معرفی شده است. ۱. فرهنگ تعیین اهداف و چشم اندازها؛ ۲. فرهنگ به مثابه ابزاری خدمت حکومت برای وصول به اهداف اجتماعی، سیاسی. در نظریه حکومت اسلام همچنانکه گفته شد فرهنگ و حکومت متصل و مکمل یکدیگر انگاشته شده اند. لیکن به نظر می رسد بسیاری دلایل در سال های پس از انقلاب سبب شد تا از تبیین مبانی فرهنگ غفلت شود و نظریه فرهنگی در جمهوری اسلامی تحت تاثیر ساختار و تشکیلات نهادها و اشخاص رژیم گذشته با الهام از نظریات غیروبومی نظیر طراحی و ایجاد شود.

⋮

این تحقیق همچنانکه در مقدمه آمد مشتمل بر دو بخش است که اجرائی هریک ، روش مناسب با موضوع را نیاز دارد. در مطالعه حاضر دوروش اسنادی و پیمایشی مورد استفاده قرار گرفتند در بخش نخست با عنایت به لزوم گرد آوری لیستی از مسائل فرهنگ عمومی در دوره ده ساله -۷۶ تا ۸۶ - مقرر گردید پس از شناسایی دستگاهها و نهادهای ذیربط به کتابخانه ها و وب گاههای وابسته مراجعه و مسائل فرهنگ عمومی از نظر ایشان گرد آوری شود.

این پیمایش در اشکال مراجعه حضوری و جستجو در پایگاههای اینترنتی انجام شد.

در شکل نخست فقط به مراکزی مراجعه شد که بطور مستقیم با فرهنگ عمومی مرتبط بودند و در شکل دوم تلاش شد تا کلیه مراکز آموزشی و پژوهشی حوزه فرهنگ و علوم انسانی مورد جستجو و بررسی قرار گیرند.

- ۱- شورای فرهنگ عمومی
- ۲- شورای عالی انقلاب فرهنگی
- ۳- پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
- ۴- پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۵- مرکز پژوهشهای ناجا
- ۶- پژوهشگاه تعلیم و تربیت آموزش و پرورش
- ۷- مرکز مطالعات فرهنگی شهرداری تهران
- ۸- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۹- مرکز مطالعات، تحقیقات و سنجش برنامه ای سازمان صدا و سیما
- ۱۰- مرکز اسناد و مدارک علمی ایران
- ۱۱- پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۱۲- پژوهشگاه تعلیم و تربیت آموزش و پرورش
- ۱۳- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی
- ۱۴- نرم افزار نمایه (برای جستجو در مطبوعات و نشریات تخصصی مرتبط از این نرم افزار استفاده شد)

مراکزی که به پایگاههای اینترنتی آنها مراجعه شد:

- ۱- وبگاههای اینترنتی مراجع عظام (با هدف بررسی سخنان ایشان)

- حضرت آیت ... خامنه ای

- فاضل لنکرانی

- مصباح یزدی

- نوری همدانی

- مکارم شیرازی

۲- خبر گزاریها(جمهوری اسلامی، فارس، واحد مرکزی خبر، مهر، ایسنا)

۳- مرکز تحقیقات و مطالعات سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۴- مجمع احیاء فرهنگ اسلامی

۵- مرکز آمار و برنامه ریزی پژوهش‌های فرهنگی و هنری کشور

۶- مرکز آموزشی و پژوهشی سازمان زندان ها

۷- مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها

۸- مرکز مطالعات و تحقیقات زنان

۹- مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۱۰- مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه قم (شورای عالی حوزه علمیه قم)

۱۱- مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران

۱۲- مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

۱۳- مرکز بررسی‌های اسلامی (غیر انتفاعی)

۱۴- مرکز پژوهشهای اسلامی سازمان صدا و سیما

۱۵- معاونت آموزشی و پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی

۱۶- معاونت امور اجتماعی وزارت کشور

۱۷- موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی(معاونت پژوهشی دانشگاه تهران - وزارت علوم

تحقیقات و فناوری)

۱۸- موسسه تحقیقات اجتماعی(دانشگاه تبریز - وزارت علوم تحقیقات و فناوری)

۱۹- دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی - اجتماعی

۲۰- دفتر انتشارات اسلامی(جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)

۲۱- دفتر تبلیغات اسلامی قم (حوزه علمیه قم)

۲۲- سازمان ملی جوانان

۲۳- ستاد اقامه نماز

۲۴- شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (شورای عالی انقلاب فرهنگی)

۲۵- نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها

۲۶- پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (غیر انتفاعی)

۲۷- پژوهشکده خانواده (انجمن اولیاء و مربیان - وزارت آموزش و پرورش)

۲۸- پژوهشکده حوزه و دانشگاه (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)

۲۹- پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی (جهاد دانشگاهی)

۳۰- سایت مرکز مطالعات و تحقیقات زنان

۳۱- سایت پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

۳۲- سایت دفتر پژوهشهای فرهنگی

به توجه به ضرورت تسریع در انجام مطالعه حاضر همزمان با پیمایش منابع و اسناد مورد نظر، مطالعه و گردآوری گویه‌های مربوط به مسائل فرهنگ عمومی نیز انجام می‌شد. لذا در این مرحله لیستی حاوی ۲۸۰ گویه از مصادیق مسائل فرهنگ عمومی در کشور تهیه شد. با عنایت به تکرار و شباهت برخی گویه‌ها پس از غربال‌گری و بررسی اولیه این لیست به ۱۱۹ گویه و در نهایت ۱۱۱ گویه تقلیل پیدا کرد. پرسشنامه اولیه براساس ۱۱۱ گویه نهایی تنظیم شد. اما پس از انجام اولویت‌بندی گویه‌ها با توجه به نظرات کارشناسان شورایی انقلاب فرهنگی و مشاوران علمی گویه‌ها مجدداً غربال شده و حدود ۸۰ گویه به عنوان مسائل فرهنگ عمومی که اتفاق نظر درباره آنها وجود دارد انتخاب شدند. از آنجا خاستگاه این گویه‌ها و اینکه هر مسئله در بیان و نظر چه شخص یا دستگاهی مسئله تلقی می‌شود می‌تواند مبنایی برای تحلیل یافته‌ها باشد. لیست گویه‌ها در ضمیمه آمده است.

:

توجه به اعتبار و روایی در تنظیم پرسشنامه شرط اساسی برای صحت نتایج است. این پژوهش نیز به دلیل حساسیت‌های ویژه بیش از انواع مشابه مستلزم مطالعه، مشورت و پیش‌تست بود. درواقع دو نکته ۱- گویایی گویه‌ها برای پاسخ‌دهنده و ۲- ابزار سنجش اولویت باعث شد تا محقق بخش عمده زمان اجرائی این تحقیق را در این بخش صرف کند. این ملاحظه از آنرو بود که تحقیقات مشابه از همین روزنه آسیب دیده بودند و به نتایج غیر قابل اتکا رسیده بودند. بنابراین تلاش شد در وهله اول با انجام دو مرحله پیش‌تست و در وهله دوم بررسی نتایج و مشاوره با افراد مجرب و در نظر نگرفتن ملاحظات آماری به پرسشنامه نهایی دست یافتیم. در نخستین مرحله با دعوت از تنی چند از دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری و انجام پیش‌آزمون نقاط ضعف پرسشنامه از حیث ابزار سنجش اولویت آشکار شد، علیرغم آنکه در طرح اولیه مقرر گردیده بود از تکنیک لیکرت ((پنج گزینه ای)) استفاده شود این پیش‌آزمون نشان داد توزیع گویه در بین گزینه‌ها نمی‌تواند برای اولویت‌بندی نتیجه قابل توجهی ارائه کند. در این صورت دامنه توزیع گویه‌ها کوتاه بود و در واقع تمایلات پاسخ‌دهنده نشان داده می‌شد نه اولویت‌بندی او بنابراین پس از بررسی سایر تکنیک‌ها تکنیک وزن‌دهی براساس طیف ۱۰۰ درجه‌ای انتخاب شد و خوشبختانه آزمون‌های اوایه حاکی از نتایج معتبر این تکنیک داشت. در این تکنیک پاسخگو می‌توانست بر روی امتیاز ۱ تا ۱۰۰ را به یک گویه بدهد و همین موضوع دامنه امتیاز دهی و اولویت‌بخشی را افزایش می‌داد.

در دومین مرحله از پیش‌تست که به منظور افزایش صراحت بیشتر گویه‌ها طراحی شد تلاش کردیم تا گویه از منطق یکسانی در انعکاس مسئله برخوردار شوند به این معنا که بیان گویه‌ها در وجود یا عدم یک مساله متحد شود و همچنین تمامی پاسخگویان به فهم مشترکی از یک گویه دست یابند. در

این مرحله همچنانکه در طرح اولیه مقرر گردیده بود پنج نفر از داوران به مطالعه و ویرایش گویه ها پرداختند و در نهایت با کمک سرکار خانم دانش نیا عضو محترم شورای مهندسی فرهنگی و از ویراستاران مجرب پرسشنامه نهایی تهیه و استخراج گردید.

با توجه به ضرورت در اختیار داشتن یک طیف گسترده و هم پوشان از تمام داورانی که لازم است در باره اولویت گذاری مسایل فرهنگ عمومی از آن ها نظرسنجی شود، مناسب دیدیم که در حد امکان باطراحی چند سناریوی نسبتا فراگیر تر دایره انتخاب داوران مزبور را گسترش دهیم. این امر به ما کمک می کند تا بهتر بتوانیم دامنه تعمیم و معرف بودن داور و الویت سنجی مسایل فرهنگ عمومی را گسترده کنیم. در این باره لازم است که در ابتدا به چند نکته کلیدی توجه شود:

۱- میدانیم که این پژوهش ها با توجه به قرار گرفتن در حوزه سیاست پژوهی اهداف راهبردی و کاربردی دارند که نسبتا در مقایسه با پژوهش های مشابهی که دغدغه های اکادمیک دارند اقتضائات خاص خود را طلب می کنند. به عنوان نمونه از حیث روش شناسی هر چند در این پژوهش استفاده از روش پیمایشی **survey/sondage** (وتکنیک پرسش نامه برای اخذ نظرات داوران مورد نظر) مبنا قرار گرفته است، اما به لحاظ ماهیت خاص این پژوهش امکان بهره بردن از نمونه گیری احتمالی بسیار کم رنگ است. به این دلیل که پاسخ گویان ما صرفا گروه اجتماعی خاصی هستند (به اصطلاح نخبگان فرهنگی کشور که به نحوی دست اندر کار مسایل فرهنگی و به خصوص فرهنگ عمومی اند) که باید از طریق نمونه گیری غیر احتمالی آن ها را انتخاب کرد.

۲- بر این اساس ملاحظه می شود که گستره و توان معرف بودن و نیز تعمیم (به عنوان یکی از اهداف اصلی طرح های پیمایشی از این دست) کم رنگ خواهد شد. در این گونه مواقع بهتر است که وفق الگوهای روشمند و تجربه شده دست کم از طریق متنوع کردن و همپوشانی نگرش های اجتماعی متفاوت از تمام داوران ممکن استفاده کرد تا بتوان برخی از کاستی های موجود را که به خاطر کاربست نمونه گیری غیر احتمالی از دست رفته است جبران کرد.

۳- به این منظور طراحی چند سناریوی مقوله بندی اجتماعی داوران سودمند است. این سناریوها باید تا حد امکان چند معیاری باشند. از جمله این معیارها که در سناریوهای زیر ملاحظه خواهد شد می توان به این موارد اشاره کرد:

۳/۱- نوع نقش فرهنگی داوران (مدیر/کارشناس/پژوهشگر/مطلع فرهنگی)

۳/۲- نوع نگرش فرهنگی داوران (سنت گرا/مدرنیست/پست مدرنیست فرهنگی)

۳/۳- نوع سوگیری فرهنگی داوران (اصول گرا/اصلاح طلب فرهنگی)

۳/۴- نوع جایگاه فرهنگی داوران (خودی اندیش / دگر اندیش فرهنگی)

۴- نکته آخر این است که با توجه به طیف گسترده مسایل فرهنگ عمومی (که در بخش ۲ و در قالب جداول ۱ تا ۴ آمده است): لازم است ترتیبی نیز اندیشیده شود تا رتبه بندی نظر داوران با توجه به تخصص اصلی که دارند در قالب ۲ مقوله نمره دهی شود:

۴/۱- نظر تخصصی داور (حوزه ای که در آن داور مورد نظر دارای تخصص است و لذا اولویت گذاری وی در آن در حکم نظر تخصصی است)

۴/۲- نظر عمومی داور (حوزه ای که در آن داور مورد نظر دارای تخصص نیست و لذا اولویت گذاری وی در آن در حکم نظر عمومی است).

با توجه به این نکات اکنون در ادامه چند سناریوی پیشنهادی ارائه می شود.

سناریوی ۱: گروه بندی داوران درون گفتمانی (خودی اندیش فرهنگی)

با توجه به این که در برخی از طرح های سیاست پژوهی از این دست کارفرما بنا به دلایلی (که گاه ممکن است متفاوت از نقطه نظرات پژوهش گران طرح باشد) مایل است صرفا و به اصطلاح از نخبگان فرهنگی که عضو درون گفتمانی سیاست های فرهنگی هستند به عنوان داوران استفاده شود. با فرض درستی و پذیرش این دیدگاه بازهم لازم است معیارهای ۱ تا ۳ (نوع نقش، نگرش و سوگیری فرهنگی داوران) در انتخاب داوران درون گفتمانی لحاظ شود.

سناریوی ۲: گروه بندی داوران برون گفتمانی (دگر اندیش فرهنگی)

در برخی از طرح های سیاست پژوهی از این دست گاه بنا به دلایلی کارفرمای پژوهش نیازی به سنجش نظرات خوداندیشان فرهنگی احساس نمی کند و فرض را بر این می گذارد که چون سیاست های فرهنگی موجود ماحصل تلاش این گونه نخبگان فرهنگی است و آنان هم تا حد امکان نظرات جانب دارانه خود را به نحوی از طریق سیاست گذاری های فرهنگی موجود پی گیری کرده اند پس دلیلی منطقی برای دوباره سنجش این نظرات در دست نیست. در این قبیل موارد ممکن است کارفرما برای این که بهتر بتواند به کاستی ها و نقایص سیاست های فرهنگی پی برد، ضرورت سنجش طیف گسترده منتقدان فرهنگی سیاست های فرهنگی موجود را احساس کند. به هر حال در این جا نیز لازم است معیارهای سه گانه بالا (نوع نقش، نگرش و سوگیری فرهنگی داوران) دیده شود.

سناریوی ۳: ترکیبی

در مواردی که کارفرمای پژوهش به دنبال سنجش هم زمان ارای درون گفتمانی و برون گفتمانی سیاست های فرهنگی موجود است سناریوی ۳ بهترین الگو برای پژوهش است. در این جا نیز همان ۳ معیار قابل کاربرد است.

سناریوی ۴: دو گانه نظری و عملی

از آنجا که هدف از این پژوهش ، بهره برداری در سیاستگذاریهای فرهنگ عمومی است ، ضروریست مبنای انتخاب خبرگان فرهنگی از منطقی سیاستی پیروی کند لذا به نظر می رسد از جمله تاثیر گذارترین گروهها در حوزه فرهنگ عمومی ، خبرگان نظری و عملی باشند که از یکسو با عرضه و تولید معرفت پایه و از سوی دیگر با عمل فرهنگی خود به عنوان یک حرفه فرهنگ عمومی را تحت تاثیر قرار می دهند.

شاید بتوان ادعا کرد که بیشترین مناقشات مربوط به سیاستگذاری فرهنگ عمومی نیز برخاسته از دو گروه یاد شده باشند چرا که هر یک از این گروهها به اقتضاء مبانی معرفتی مختص به خود ، برداشتها و رویکردهای متفاوتی تولید می کند . معمولا تعارضات ناشی از این برداشتها نیز در فرایند سیاستگذاری فرهنگی مشهود است.

محققین و نظریه پردازان دانشگاهی معتقدند عمل دست اندر کاران اجرایی غیر علمی و فاقد پشتوانه نظری است و در مقابل دست اندر کاران اجرایی نیز دانشگاهیان را غیر واقع گرا و اسیر برداشتهای نظری می دانند که هیچ گرهی از کار باز نمی کند.

با این توصیف به نظر می رسد بهتر است در اولویت دهی مسائل فرهنگ عمومی دو گروه یاد شده مورد پرسش قرار گیرند تا بتوان نقطه منازعه در سیاستگذاری و برداشتهای موثر را در حوزه فرهنگ عمومی شناسایی کرد.

در نهایت با نظر همکاران کمیسیون فرهنگی و نظرات اعضای علمی طرح لیستی از خبرگان فرهنگی تهیه شد و پرسشگران برای گرد آوری پاسخهای ایشان به پرسشنامه اعزام شدند لیکن بنا بر برخی مشکلات از جمله عدم دسترسی وعدم ارائه به موقع پاسخها تعداد ۶۰ نفر در دوگروه نظری و عملی به ارائه پاسخهایشان پرداختند .

۱- احمد اسعدی	۱- سعید رضا عاملی
۲- حسن محرابی	۲ - بهزاد دوران
۳- حبیب عباسی	۳- محمد رضایی
۴- ابولفضل فاتح	۴- فردین علی خواه
۵- محسن پیرداده	۵- حسام الدین آشنا
۶- داوود پنهانی	۶- حسین ایمانی

۷-سید نظام الدین موسوی	۷-علی گلی
۸-حسن وزینی	۸-یونس ادیانی
۹-عرفان زنگنه	۹-حسین پاینده
۱۰-جمال رحیمیان	۱۰-تقی آزاد
۱۱-ایرج احمدی	۱۱-حسین میرزایی
۱۲-محمد اسماعیل نژاد	۱۲-محمد رضا جوادی یگانه
۱۳-علی صدیقی	۱۳-عباس وریج کاظمی
۱۴-جواد بیک محمدی	۱۴-موسی عنبری
۱۵-جوادشیر اکبری	۱۵-سید ضیاء هاشمی
۱۶-اردشیر زابلی زاده	۱۶-علیرضا دهقان
۱۷-فاطمه هاشمی	۱۷-مجید ملا یوسفی
۱۸-علی درخشی	۱۸-جلال غفاری
۱۹-محمود اسعدی	۱۹-اسماعیل قادری
۲۰-محمد حمزه ئی	۲۰-عبد الله گیویان
۲۱-دکتر خرمشاد	۲۱-مسعود چلبی
۲۲-دکتر اسلامی	۲۲-فرامرز رفیع پو
۲۳-محمد هادی همایون	۲۳-حسین رضی
۲۴-حجه الاسلام خاموشی	۲۴-محمد سعید نکایی
۲۵-حجه الاسلام هوایی	۲۵-محمود شهابی
۲۶-مهندس واعظی	۲۶-نعمت الله فاضلی
۲۷-حجه الاسلام علی اکبری	۲۷-محمد رحمانی
۲۸-آقای پویا	۲۸-حمید پارسانیا
۲۹-مر ترضی میر باقری	۲۹-عباس صالحی
۳۰-خانم منیره نوبخت	۳۰-ابراهیم.فیاض
۳۱-خانم فیاض بخش	۳۱-علی اکبر رشاد
۳۲-فرشاد تنباکویی	۳۲-جلال الدین کزازی
۳۳-محمد حسن مظفری.	۳۳-احمد احمدی
۳۴-تقی فخریان	۳۴-محمد رضا بهشتی

۳۵-روسای ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی تهران	۳۵-اصغر افتخاری
۳۶-مدیران خبرگزاریها و روزنامه های سراسری	۳۶-جواد ابوالقاسمی
۳۷-تشکل های غیر دولتی با گرایش فرهنگی	۳۷-حسین کچوئیان
۳۸- روسای فرهنگسراهای مناطق ۲۲ گانه تهران	۳۸-عماد افروغ
۳۹-دکتر ملکی معاون پژوهشی دانشگاه علامه	۳۹-هادی خانیکی
	۴۰-عباس عیدی
	۴۱-علیرضا علوی تبار
	۴۲-محمد حسن مختاری
	۴۳-مهدی رهبری
	۴۴-محمد رضا مرندي
	۴۵-محققین حوزه علمیه ودانشگاهیان
	۴۶-پریرخ دادستان
	۴۷-خانم دکتر زنجانى زاده

خبرگانی که به پرسشنامه ها پاسخ دادند :

خبرگان عملی	خبرگان نظری
دکتر محمدحسن مظفری	آقای جعفری
خانم پاکوچی	دکتر موسی عنبری
خانم توکلیان	آقای مشکینی
خانم امیدوند	آقای دکتر امیری
آقای اهری	آقای دکتر دهقان
خانم ناوکی	آقای دکتر ایمانی
خانم نسرین قدس الهی	امیر نوروزی
آقای قدمیاری	دکتر کاظمی
آقای محمد سرشار	کامبیز هوشمند
آقای بختیاری	مهدی کاووسی
آقای احمدلو	آقای محدث

آقای صادقی	مهناز هاشمی
آقای صحرایی	آقای دکتر اکبری
آقای حسن محرابی	آقای دکتر حسنی فر
آقای صادقیان	آقای دکتر ملایوسفی
آقای علی فرجی	آقای دکتر مهدی رهبری
خانم بیزرانان	آقای دکتر علیخواه
خانم مژگان صمیمی	حاج آقا قربانی
آقای اسعدی	آقای دکتر حجتی
خانم پویان منفرد	آقای دکتر سهراب زاده
خانم دشتی	آقای دکتر خانیکی
پروانه دوستی	آقای دکتر طلوعی
اهدا طهرانی	آقای قیدی
امیرحجت رمضان زاده	آقای دکتر زابلی زاده
عبداله رضانی	حاج آقا قربانپور
کاظم شمس منفرد	آقای دکتر علی دوست
آقای دکتر طائی	آقای دکتر حسین میرزایی
خانم الماسی	آقای دکتر رضایی
	آقای دکتر خرمی
	آقای مهندس واعظی

:

پاسخگوی گرامی؛ این پرسشنامه با هدف سنجش اولویتهای مسائل فرهنگ عمومی در زمان حاضر تهیه شده است. لذا مجموعه‌ای از مسائل فرهنگ عمومی کشور پس از گردآوری از پژوهشها و منابع مرتبط در قالب گویه‌های زیر تنظیم شده است. این گویه‌ها پس از اولویت بندی از سوی خبرگان فرهنگ عمومی مبنای سیاستهای فرهنگ عمومی در مرکز مهندس فرهنگی قرار خواهد گرفت . خواهشمند است به هر گویه امتیاز ۱ تا ۱۰۰ را بدهید.

نکته:

۱- اولویت هر مسئله در زمان حاضر مدنظر می باشد.

۲- اولویت های مورد نظر شما در تصمیمات و سیاست های مربوط به فرهنگ عمومی مؤثر است.

۳- چنانچه گویه هایی به نظر شما در این لیست از قلم افتاده اند اضافه فرموده و به آن امتیاز بدهید.

۱	تجمل گرایی و مصرف گرایی	
۲	پایین بودن وجدان کاری	
۳	احساس محرومیت	
۴	احساس بی عدالتی در توزیع امکانات مادی	
۵	صرفه جویی نکردن	
۶	غلبه ارزشهای مادی بر ارزشهای معنوی	
۷	استقبال از واردات فرهنگی	
۸	توزیع نابرابر امکانات فرهنگی در مناطق مختلف کشور	
۹	توزیع نشدن امکانات فرهنگی	
۱۰	دولتی شدن بیش از حد فرهنگ (دخالت افراطی دولت در امور فرهنگی مردم)	
۱۱	بی اعتمادی مردم به حاکمیت و دولت	
۱۲	توقع حل همه مشکلات از دولت	
۱۳	فقدان همبستگی فرهنگی بین طبقات جامعه	
۱۴	نداشتن استقلال فرهنگی در برآوردن نیازها	
۱۵	درست برخورد نکردن با مراجعین به ادارات	
۱۶	وجود دستگاه های موازی در تامین نیازهای فرهنگی	
۱۷	توقع مردم نسبت به برخورد با منکرات تنها از ناحیه حکومت	
۱۸	سیاسی شدن امور و مسائل فرهنگی	
۱۹	تنزل جایگاه فرهنگ در نزد اهل فرهنگ، در حد خدمات و کالای فرهنگی	
۲۰	شیوع سکولاریزم پنهان در جامعه	
۲۱	ناهماهنگی سیاستهای فرهنگی و نهادهای مجری	

۲۲	نبود رویکرد درازمدت در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه ریزی فرهنگی
۲۳	نبود سیاستگذاری صحیح و جامع در مورد آزادی بیان و حدود قلمرو آن
۲۴	سیاسی دانستن همه امور
۲۵	قانون گریزی و بی توجهی به قوانین
۲۶	رواج رشوه گرفتن و رشوه دادن
۲۷	رواج فرهنگ واسطه (توصیه، سفارش، پارتی بازی و...) در جامعه
۲۸	انجام گرفتن امور از مجاری غیر قانونی اداری
۲۹	چنگ یازیدن به شرع برای فرار از قانون و بالعکس
۳۰	رنگ باختن حق در برابر شخصیتها
۳۱	رعایت نکردن انصاف در روابط و تعاملات
۳۲	بی علاقه بودن به کتاب و کتابخوانی
۳۳	ضعف صنایع فرهنگی
۳۴	بی توجهی به رشد و تعالی مخاطبان در برنامه ریزی فرهنگی و توجه صرف به پرکردن اوقات فراغت آنها
۳۵	نا هماهنگی میان نهادها و برنامه های فرهنگی
۳۶	نبود فرهنگ استفاده درست از منابع و امکانات در بین مردم
۳۷	رواج محصولات فرهنگی غیر مجاز (شوفا و موسیقی غیرمجاز و...) در بین مردم به ویژه نوجوانان و جوانان
۳۸	استفاده نادرست از بازی‌های رایانه‌ای و ویدئویی
۳۹	مدیریت نشدن اوقات فراغت
۴۰	ضعف احساس غرور و حمیت ملی
۴۱	بحران زبان فارسی
۴۲	بسندگی کردن به مناسک اجتماعی دین به جای نقش الهامبخش دین در اخلاقیات و هنجارها
۴۳	رواج برداشتهای نادرست از دین
۴۴	بی توجهی نخبگان به رعایت اصول اخلاقی
۴۵	منسوخ شدن سنت های کهن در معاشرتهای اجتماعی

۴۶	ضعف یا فقدان اندیشه علمی در اظهار نظرهای عموم مردم
۴۷	نبود درک مشترک از مفهوم فرهنگ و شاخصهای فرهنگی بین مردم و نخبگان
۴۸	آشناقتگی در سبک لباس و پوشش
۴۹	نبود نظارت و برنامه ریزی در صنعت سرگرمی
۵۰	کم توجهی به شخصیت و منزلت اجتماعی زنان
۵۱	نبود نشاط و سرزندگی در جامعه
۵۲	خداشه وارد شدن به محکمتا دین
۵۳	تخریب و تهمت در نظام اداری(هرکس سعی دارد دیگری را پایین بیاورد و جای او را تسخیر کند)
۵۴	خودباختگی در برابر تهاجم فرهنگی
۵۵	عدم انتقال ارزشها از نسلی به نسل دیگر
۵۶	فقدان منطق تولی و تبری(دوستت را دوست بدار واز دشمن دوری کن)
۵۷	دوگانگی تربیتی در مدرسه، خانه، ...
۵۸	به فراموشی سپرده شدن اصول اخلاق اسلامی
۵۹	منجی طلبی افراطی
۶۰	تقسیم جامعه به گروههای خودی و غیرخودی
۶۱	متناسب نبودن شهرسازی و معماری با هویت اسلامی
۶۲	همدل و همراه نبودن دانشگاهیان و نخبگان با مردم
۶۳	نداشتن برنامه ریزی مطلوب فرهنگی
۶۴	انفعال در برابر تهاجمات فرهنگی
۶۵	ضعف در عمل به شعائر اسلامی و شعار زندگی
۶۶	نبودن نظارت بر ورود کتب خارجی
۶۷	ضعف اطلاع رسانی به مردم از فعالیتها و اقدامات دولت
۶۸	بی توجهی به جانبازان و ایثارگران
۶۹	آشناقتگی و گسست در محتوای درسی و پرورشی دانش آموزان
۷۰	تغییر و جابجایی نظام ارزشی
۷۱	رویارویی فرهنگی بیگانه با فرهنگ خودی از طریق تکنولوژی ارتباطات

۷۲	کاهش علایق در جهت تلاش فکری و فرهنگی
۷۳	شکاف فرهنگی بین شهر و روستا
۷۴	بی توجهی به ارزش‌های دفاع مقدس
۷۵	استفاده از الگوی غذایی نامناسب
۷۶	رواج مدرک گرایی
۷۷	مخدوش شدن جایگاه علم در کشور
۷۸	پایین بودن حس همکاری و مشارکت در بین مردم
۷۹	بی تفاوتی جمعی نسبت به هنجارشکنی
۸۰	اولویت دادن منافع شخصی و جناحی بر مصالح ملی
۸۱	بی توجهی به رعایت بهداشت و نظافت شهر و اماکن عمومی
۸۲	پذیرش خشونت به عنوان راه حل مسائل
۸۳	نبود درک متناسب با عصر و زمان در مسائل دینی
۸۴	بی ثباتی در تصمیم‌گیری برای انتخاب شغل، همسر و...
۸۵	فسادپذیر بودن و دعوت به سکوت (آقا بی‌خیال، ولش کن، همه جا همین‌ها و...)
۸۶	تقید افراطی به نظر دیگران (ما برای دیگران زندگی می‌کنیم)
۸۷	داشتن روحیه فردگرایی به جای روحیه جمع‌گرایی
۸۸	افراط و تقریط در مادیگرایی یا معنویت گرایی
۸۹	بالارفتن انتظارات و توقعات
۹۰	سیطره ناامیدی و یاس بر جامعه
۹۱	بی توجهی به حلال و حرام
۹۲	بی توجهی و اهتمام نکردن مردم به گره‌گشایی و رفع گرفتاری‌های یکدیگر
۹۳	اظهارنظرهای غیرکارشناسی
۹۴	ناپایداری خانواده
۹۵	رواج دروغ‌گویی
۹۶	شعارزدگی و پرهیز از عملگرایی
۹۷	رواج افسردگی و انفعال گرایی

۹۸	رواج غیبت	
۹۹	تمایل به ماجراجویی و بی نظمی در مراسم و برنامه های جمعی	
۱۰۰	رواج چاپلوسی	
۱۰۱	عافیت طلبی و بی توجهی به وضعیت جامعه و آینده کشور	
۱۰۲	سخت گیری گذشت نداشتن در روابط اجتماعی و مردمی	
۱۰۳	سوء ظن به مردم و میل به تجسس در زندگی آنها	
۱۰۴	رواج خرافه گرایی و خرافه پرستی	
۱۰۵	مقام دوستی افراطی	
۱۰۶	رواج معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج	
۱۰۷	ضعف در اخلاق پزشکی (تحمل، تواضع، رازداری و دلسوزی برای بیمار)	
۱۰۸	درونی نشدن ارزشها	
۱۰۹	ضعف روحیه عفو و گذشت و عذرخواهی	
۱۱۰	رواج سخن چینی	
۱۱۱	تبعیض جنسیتی	

·

·

:

:

۱	اولویت دادن منافع شخصی و جناحی بر مصالح ملی	۷۹/۹۷	۷۴/۹۴	۷۸/۸۸	۸۳/۸	۷۰/۸۷	۱۹/۳۵	۱۰	۱۰۰	۳/۹
۲	اظهار نظرهای غیرکارشناسی	۷۴/۷۶	۷۲/۴۴	۷۶/۹۴	۰/۵۸۱	۴۷/۶۸	۱۷/۷۴	۲۰	۱۰۰	۴/۲
۳	احساس بی‌عدالتی در توزیع امکانات مادی	۷۴/۳۶	۷۹/۳۱	۶۹/۷۱	۷۹/۹	۸۲/۶۸	۱۵/۶	۴۰	۱۰۰	۴/۴۷
۴	رواج مدرک‌گرایی	۷۲/۷۳	۷۱/۵	۷۳/۸۸	۴۳/۷۹	۴۲/۷۳	۱۸/۹۱	۳۰	۱۰۰	۳/۸
۵	عافیت‌طلبی و بی‌توجهی به وضعیت جامعه و آینده کشور	۷۲/۱۸	۷۱/۱۹	۷۳/۱۲	۶۵/۷۸	۷۲/۶۵	۱۸/۲۳	۲۰	۱۰۰	۳/۹
۶	توقع حل تمام مشکلات از دولت	۷۱/۶۱	۷۶/۲۵	۶۷/۲۴	۷۹/۲	۶۴	۲۱/۴۵	۲۰	۱۰۰	۳/۳۳
۷	نبود نشاط و سرزندگی در جامعه	۷۱/۴۲	۷۰/۵	۷۲/۲۹	۵۰/۷۸	۳۴/۶۴	۱۹/۶۹	۲۰	۱۰۰	۳/۶
۸	شعارزدگی و پرهیز از عمل‌گرایی	۷۱/۳۶	۷۰/۶۳	۷۲/۰۶	۹۴/۷۶	۷۹/۶۵	۱۵/۷۲	۴۰	۱۰۰	۴/۵

۹	رواج دروغ‌گویی	۷۱/۰۶	۷۱/۸۸	۷۰/۲۹	/۰۹ ۷۷	/۰۴ ۶۵	۱۶/۹۹	۲۵	۱۰۰	۴/۱۸
۱۰	رواج غیبت	۷۰/۹۷	۷۰/۸۸	۷۱/۰۶	/۴۷ ۷۷	/۴۷ ۶۴	۱۸/۳۴	۳۰	۱۰۰	۳/۸۶
۱۱	بی‌توجهی به حلال و حرام در جامعه	۷۰/۵۸	۶۶/۸۸	۷۴/۰۶	/۸۸ ۷۷	/۲۷ ۶۳	۲۰/۶	۱۰	۱۰۰	۳/۴۲
۱۲	رواج فرهنگ واسطه (توصیه، سفارش، پارتی‌بازی و...)	۷۰/۴۵	۷۳/۲۵	۶۷/۸۲	/۶۲ ۷۸	/۲۹ ۶۲	۲۳/۰۲	۸	۱۰۰	۳/۱
۱۳	بسندگی کردن به مناسک اجتماعی دین به جای نقش الهام‌بخش دین در اخلاقیات	۶۹/۶۴	۷۱/۱۹	۶۸/۸	/۲۵ ۱۶	/۰۳ ۶۳	۱۸/۶۴	۳۰	۱۰۰	۳/۷
۱۴	رواج چاپلوسی	۶۹/۶۱	۶۵/۸۸	۷۳/۱۲	/۹۶ ۷۶	/۵۳ ۷۰	۷۴۴/۲۰	۲۰	۱۰۰	۳/۳۵
۱۵	بی‌توجهی و عدم اهتمام مردم به حل مشکلات یکدیگر	۶۸/۳۹	۶۳/۷۵	۷۲/۷۶	/۷۷ ۷۵	/۰۲ ۶۱	۲۰/۷۹	۱۰	۱۰۰	۳/۳
۱۶	سیطره ناامیدی و یأس بر جامعه	۶۸/۳۳	۴۶/۰۶	۷۲/۳۵	/۳۱ ۷۶	/۳۶ ۶۰	۲۲/۴۸	۱۰	۹۵	۳/۰۳
۱۷	رواج افسردگی و انفعال‌گرایی	۶۸/۱۸	۶۵/۶۳	۷۰/۵۹	۷۴/۳	/۰۶ ۶۲	۱۷/۲۶	۳۵	۹۰	۳/۹
۱۸	رواج رشوه دادن و رشوه گرفتن	۶۸/۰۶	۶۸/۵	۶۷/۶۵	/۶۳ ۷۴	/۴۹ ۶۱	۱۸/۵۳	۲۰	۱۰۰	۳/۶۷
۱۹	رنگ باختن حق در	۶۷/۹۴	۶۸/۵۶	۶۷/۳۵	/۶۶	/۲۲	۲۱/۷۶	۷	۹۵	۳/۱۲

				۶۰	۷۵				برابر شخصیت‌ها	
۲۰	۲/۹	۱۰۰	۱۰	۲۲/۶۷	/۲۵ ۶۹	/۷۳ ۷۵	۷۰/۵۹	۶۴/۶	۶۷/۷	دورنی نشدن ارزش‌ها
۲۱	۳/۲۴	۱۰۰	۲۰	۲۰/۸۶	/۲۵ ۶۰	۷۵	۶۳/۵۳	۷۲/۰۶	۶۷/۶۷	پایین بودن وجدان کاری
۲۲	۳/۵	۱۰۰	۷	۱۸۲ ۲۲	/۲۵ ۶۹	/۴۷ ۷۵	۷۰	۶۵/۰۶	۶۷/۶۱	سیاسی دانستن همه امور
۲۳	۳/۴	۱۰۰	۱۰	۱۹/۶۷	/۵۴ ۶۰	/۴۹ ۷۴	۶۹/۹۴	۶۴/۹۴	۶۷/۵۲	ضعف در عمل به شعائر دینی و شعارزدگی
۲۴	۳/۶۸	۱۰۰	۳۰	۱۸/۱۹	/۶۴ ۶۰	/۰۹ ۶۷	۶۴/۷۱	۶۹/۶۳	۶۷/۰۹	غلبه ارزش‌های مادی بر ارزش‌های معنوی
۲۵	۳/۵	۱۰۰	۲۵	۱۹/۲۳	/۷۶ ۵۹	۷۳/۴	۷۰/۴۱	۶۲/۵	۶۶/۵۸	استفاده نادرست از بازی‌های رایانه‌ای و ویدئویی
۲۶	۳/۳	۱۰۰	۲۰	۲۰/۱۵	/۸۵ ۶۷	/۷۲ ۷۳	۶۷/۲۹	۶۵/۸۱	۶۶/۵۸	انجام گرفتن امور از مجاری غیرقانونی
۲۷	۳/۵	۱۰۰	۳۰	۱۸/۶۵	/۴۳ ۵۹	/۹۹ ۷۲	۶۷/۰۶	۶۵/۳۱	۶۶/۲۱	رواج برداشت‌های نادرست از دین
۲۸	۳	۱۰۰	۲۰	۲۲/۱۷	/۳۲ ۵۸	/۰۴ ۷۴	۷۲/۲۹	۵۹/۶۹	۶۶/۱۸	تخریب و تهمت در نظام اداری
۲۹	۴/۳	۹۰	۴۰	۱۵/۲۹	/۶۴ ۶۰	/۴۸ ۷۱	۶۱/۴۱	۶۷/۱۱	۶۶/۰۶	احساس محرومیت
۳۰	۳/۸	۹۵	۳۰	۱۷/۴۸	/۸۶ ۵۹	/۲۶ ۷۲	۶۹/۱۲	۶۲/۱۱	۶۶/۰۶	به فراموشی سپردن اصول اخلاقی

۳۱	تجمل‌گرایی	۶۵/۸۲	۷۰/۵	۶۱/۴۱	۴۱/۷۴	۲۳/۵۷	۲۴/۲۲	۱۰	۱۰۰	۲/۷۱
۳۲	داشتن روحیه فردگرایی به جای جمع‌گرایی	۶۵/۲۷	۶۴/۹۴	۶۵/۵۹	۲۵/۷۲	۵۸/۳	۱۹/۶۶	۲۰	۱۰۰	۳/۳
۳۳	تغییر و جابجایی نظام ارزشی	۶۵/۱۵	۶۹/۶۹	۶۰/۸۸	۵۷/۷۲	۷۳/۵۷	۲۰/۹۳	۱۰	۹۵	۳/۱۱
۳۴	بی‌تفاوتی جمعی نسبت به هنجارشکنی	۶۴/۸۲	۶۵/۵۶	۶۴/۱۲	۹۹/۷۱	۶۴/۵۷	۲۳۷/۲۰	۲۰	۱۰۰	۳/۲
۳۵	چنگ یازیدن به شرع برای فرار از قانون	۶۴/۶۱	۶۷	۶۲/۳۵	۳۱/۷۰	۹۰/۵۸	۱۰۸۹/۱۶	۲۰	۹۵	۴/۱
۳۶	بالارفتن انتظارات و توقعات	۶۴/۵۲	۵۹/۹۴	۶۸/۸۲	۳۱/۷۳	۷۲/۵۵	۲۴/۸	۲۰	۱۰۰	۲/۶
۳۷	رواج معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج	۶۴/۲۴	۶۱/۸۱	۶۶/۵۳	۲۸/۷۲	۲۰/۵۶	۲۲/۶۷	۱۰	۱۰۰	۲/۸۳
۳۸	عدم رعایت انصاف در روابط و تعاملات	۶۳/۹۷	۲۲/۵۶	۶۵/۲۹	۲۴/۷۰	۶۹/۵۷	۱۷/۶۹	۶	۹۰	۳/۶
۳۹	بی‌علاقه بودن به کتاب و کتابخوانی	۶۳/۸۸	۶۳/۰۶	۶۴/۶۵	۲۴/۷۰	۶۹/۵۷	۱۷/۶۹	۶	۱۰۰	۳/۶
۴۰	کاهش علایق در جهت تلاش فکری و فرهنگی	۶۳/۳۳	۶۱/۵۶	۶۵	۸۳/۶۹	۸۴/۵۶	۱۸/۳۱	۱۰	۹۰	۳/۵
۴۱	سوءظن به مردم و	۶۳/۱۸	۶۲/۸۱	۶۳/۵۳	۷۰/۲	۱۶/۷۰	۱۹/۷۹	۱۰	۹۵	۳/۲

				۵۶					نیل به تجسس در زندگی آنها	
۲/۶	۹۵	۱۰	۲۳/۹	۵۴/۷	۶۶/ ۷۱	۵۸/۸۲	۶۷/۸۱	۶۳/۱۸	پایین بودن حس همکاری و مشارکت در بین مردم	۴۲
۲/۸۵	۱۰۰	۱۰	۲۲/۰۹	۲۶/ ۵۵	۹۲/ ۷۰	۶۳/۰۶	۶۳/۱۳	۶۳/۰۹	استقبال از واردات فرهنگی	۴۳
۲/۷	۱۰۰	۶	۲۳/۲۸	۵۹/ ۵۴	۱۰/ ۷۱	۶۵/۵۳	۶۰	۶۲/۸۵	آشناختن در سبک لباس و پوشش	۴۴
۲/۸	۹۵	۱۰	۲۲/۳۲	۳۶/ ۵۴	۱۹/ ۷۰	۶۰/۸۸	۶۳/۷۵	۶۲/۲۷	پذیرش خشونت به عنوان راه حل مسائل	۴۵
۳/۴	۹۰	۱۰	۱۰۷۵/ ۱۸	۸۶/ ۵۵	۶۸/ ۶۸	۶۶/۴۷	۵۷/۸۱	۶۲/۲۷	بی توجهی به رعایت بهداشت و نظافت شهر و اماکن عمومی	۴۶
۳/۰۴	۹۵	۱۰	۲۰/۴۱	۶۲	۶۹/۹	۶۶/۴۷	۵۷/۵	۶۲/۱۲	فقدان منطق تولا و تبری	۴۷
۲/۵۶	۱۰۰	۱۰	۱۵۶/ ۲۴	۳۷/ ۵۳	۷۰/۵	۶۴/۱۲	۵۹/۶۳	۶۱/۹۴	شکاف فرهنگی بین شهر و روستا	۴۸
۲/۶۷	۹۵	۲۰	۲۳/۱	۵۳/۵	۶۹/۸	۵۷/۶۵	۶۵/۹۴	۶۱/۶۷	خدشه وارد شدن به محکمت دین	۴۹
۲/۴	۹۵	۱۰	۵۱۶/ ۲۵	۶۲/ ۵۲	۷۱/ ۷۰	۶۷/۹۴	۵۵	۶۱/۶۷	استفاده از الگوی غذایی نامناسب	۵۰
۲/۸۵	۱۰	۱۰	۲۱/۶۵	۹۶/ ۵۳	۳۲/ ۶۹	۶۴/۱۹	۵۸/۶۹	۶۱/۶۴	افراط و تفریط در مادیگرایی یا	۵۱

									معنویت‌گرایی	
۵۲	ناپایداری خانواده	۶۱/۵۲	۵۵	۶۷/۶۵	/۵۵ ۶۹	/۴۸ ۵۳	۲۲/۶۵	۵	۹۵	۲/۷
۵۳	منجرطلبی افراطی	۶۱/۳۶	۶۰/۳۱	۶۲/۳۵	/۳۶ ۶۸	/۳۷ ۵۴	۱۹/۷۳	۲۰	۹۰	۳/۱
۵۴	خود باختگی در برابر تهاجم فرهنگی	۶۱/۲۶	۵۶/۸۸	۶۵/۵۹	/۷۶ ۶۸	/۹۷ ۵۳	۲۰/۵۸	۲۰	۹۵	۲/۹۸
۵۵	رواج خرافه گرایی و خرافه‌پرستی	۶۱/۲۷	۵۹/۳۱	۶۳/۱۲	/۶۸ ۶۸	/۷۸ ۶۱	۲۰/۸۹	۱۰	۱۰۰	۲/۹
۵۶	ضعف روحیه گذشت و عفو و عذرخواهی	۶۱/۲۱	۵۵/۶۳	۶۶/۴۷	/۴۴ ۶۸	/۹۳ ۵۳	/۱۷۳ ۲۱	۱۰	۹۰	۲/۹
۵۷	منسوخ شدن سنت‌های کهن در معاشرت‌های اجتماعی	۶۰/۹۱	۵۵	۶۶/۴۷	/۷۲ ۶۷	/۰۹ ۵۴	۱۹/۲۲	۱۰	۹۵	۳/۱۶
۵۸	بی‌اعتمادی مردم به حاکمیت و دولت	۶۰/۹۱	۶۸/۴۴	۶۳/۰۶	/۲۴ ۹۶	/۵۸ ۵۲	۲۳/۵	۱۰	۹۵	۲/۵۹
۵۹	بی‌توجهی به ارزش‌های دفاع مقدس	۶۰/۷۳	۶۰/۲۵	۶۱/۱۸	۶۸/۵	۵۲/۹	۲۱/۹۲	۱۰	۱۰۰	۲/۷
۶۰	توقع مردم نسبت به برخورد با منکرات از سوی حکومت	۶۰/۲۱	۶۱/۰۶	۵۹/۴۱	/۴۱ ۶۸	/۰۲ ۵۲	/۱۱۲ ۲۳	۳	۱۰۰	۲/۶
۶۱	تقید افراطی به نظر دیگران	۶۰/۱۸	۶۳/۴۴	۵۷/۱۲	/۵۶ ۶۷	/۸۱ ۵۲	۲۰/۸	۲۰	۹۵	۲/۸۹

۶۲	سخت‌گیری در گذشت کردن در روابط اجتماعی	۶۰/۱۵	۵۵/۶۳	۶۴/۴۱	۳۷/۶۷ ۹۳/۵۲	۲۰/۳۶	۱۰	۹۰	۲/۹	
۶۳	ضعف و فقدان اندیشه علمی در اظهارنظرهای عموم مردم	۵۹/۹۷	۵۶/۸۸	۶۲/۸۸	۷۴/۶۵ ۲۰/۵۴	۱۶/۲۸	۲۰	۹۰	۳/۶۸	
۶۴	قانون‌گریزی و بی‌توجهی به قوانین	۵۹/۷۴	۷۵/۷۵	۶۹/۱۲	۴۷/۷۵ ۲۵/۶۹	۲۲/۱۸	۸	۱۰۰	۲/۷	
۶۵	فقدان همبستگی فرهنگی بین طبقات جامعه	۵۹/۶۴	۶۴/۳۱	۵۵/۲۴	۶۴/۵۹ ۶۵/۵۱	۲۲/۵۲	۲۰	۱۰۰	۲/۶۵	
۶۶	رواج سخن‌چینی	۵۹/۱۸	۵۵/۸۵	۶۲/۳۵	۶۹/۶۶ ۶۹/۵۱	۲۱/۱۷	۱۰	۱۰۰	۲/۸	
۶۷	بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری برای انتخاب شغل و همسر	۵۸/۴۸	۵۷/۵	۵۹/۴۱	۵۱/۶۶ ۴۶/۵۰	۲۲/۶۲	۱۰	۹۵	۲/۹	
۶۸	شیوع سکولاریزم پنهان در جامعه	۵۸/۲۷	۶۰/۵	۵۶/۱۸	۱۰۹/۶۶ ۴۶/۵۰	۲۲/۰۴	۵	۹۵	۲/۶	
۶۹	کم‌توجهی به شخصیت و منزلت اجتماعی زنان	۵۷/۸۵	۵۷/۵	۵۸/۱۸	۶۹/۶۶ ۴۹	۲۴/۹۵	۰	۱۰۰	۲/۳	
۷۰	مقام دوستی افراطی	۵۷/۷۶	۵۱/۴۴	۶۳/۷۱	۲۷/۶۷ ۲۴/۴۸	۲۶/۸۳	۰	۱۰۰	۲/۲	
۷۱	احساس غرور و	۵۷/۴۲	۵۶/۵۶	۵۸/۲۴	۲۲/۶۳	۲۳/۱۶	۱۰	۹۵	۲/۴۸	

				۴۹	۶۵				حمیت ملی	
۲/۴۳	۱۰۰	۱۰	۲۲/۹۲	۴۷/۶	۸۶/۶۳	۶۲/۳۵	۴۸/۶۹	۵۵/۷۳	تمایل به ماجراجویی و بی‌نظمی در مراسم	۷۲
۲/۲	۱۰۰	۱۰	۲۴/۵۶	۶۲/۴۵	۰۴/۶۳	۵۵/۲۴	۵۳/۳۸	۵۴/۳۲	تبعیض جنسی	۷۳
۲/۴۸	۹۵	۱۰	۲۱/۸۱	۲۹/۴۶	۷۷/۶۱	۴۵/۲۹	۶۳/۳۱	۵۴/۰۳	نداشتن استقلال فرهنگی	۷۴
۲/۱۵	۱۰۰	۱۰	۲۴/۸۸	۲۷/۵۳	۴۳/۶۲	۴۵/۲۹	۶۲/۴۴	۵۳/۶۱	بی‌توجهی به جانب‌آزان و ایثارگران	۷۵
۲/۷۹	۱۰۰	۱۰	۱۹/۰۹	۵۹/۴۶	۳۶/۵۳	۶۹/۷۱	۵۷/۵۶	۵۳/۳۶	عدم صرفه‌جویی	۷۶
۳/۱۶	۱۰۰	۲۵	۲۰/۲۹	۰۱/۵۷	۴۱/۷۱	۶۵/۸۸	۶۲/۴۴	۶۴/۲۱	عدم انتقال ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر	۷۷
۳/۵	۹۵	۱۰	۱۹/۰۸	۳۶/۶۰	۸۹/۷۳	۶۵/۵۹	۶۸/۷۵	۶۷/۱۲	فسادپذیر بودن و دعوت به سکوت	۷۸

۱	اولویت دادن منافع شخصی و جناحی بر مصالح ملی	۷۹/۹۷	۷۴/۹۴	۷۸/۸۸	۸۳/۸	۸۷/۷۰	۱۹/۳۵	۱۰	۱۰۰	۳/۹
۲	اظهار نظرهای غیرکارشناسی	۷۴/۷۶	۷۲/۴۴	۷۶/۹۴	۸۱/۰۵	۶۸/۴۷	۱۷/۷۴	۲۰	۱۰۰	۴/۲
۳	بی‌توجهی به حلال و حرام در جامعه	۷۰/۵۸	۶۶/۸۸	۷۴/۰۶	۷۷/۸۸	۶۳/۲۷	۲۰/۶	۱۰	۱۰۰	۳/۴۲
۴	رواج مدرک‌گرایی	۷۲/۷۳	۷۱/۵	۷۳/۸۸	۷۹/۴۳	۷۳/۴۲	۱۸/۹۱	۳۰	۱۰۰	۳/۸
۵	عافیت‌طلبی و بی‌توجهی به وضعیت جامعه و آینده کشور	۷۲/۱۸	۷۱/۱۹	۷۳/۱۲	۷۸/۶۵	۶۵/۷۲	۱۸/۲۳	۲۰	۱۰۰	۳/۹
۶	رواج چاپلوسی	۶۹/۶۱	۶۵/۸۸	۷۳/۱۲	۷۶/۹۶	۷۰/۵۳	۲۰/۷۴۴	۲۰	۱۰۰	۳/۳۵
۷	بی‌توجهی و عدم اهتمام مردم به حل مشکلات	۶۸/۳۹	۶۳/۷۵	۷۲/۷۶	۷۵/۷۷	۶۱/۰۲	۲۰/۷۹	۱۰	۱۰۰	۳/۳
۸	سیطره ناامیدی و یأس بر جامعه	۶۸/۳۳	۴۶/۰۶	۷۲/۳۵	۷۶/۳۱	۶۰/۳۶	۲۲/۴۸	۱۰	۹۵	۳/۰۳
۹	نبود نشاط و سرزندگی در	۷۱/۴۲	۷۰/۵	۷۲/۲۹	۷۸/۵۰	۶۴/۳۴	۱۹/۶۹	۲۰	۱۰۰	۳/۶

									جامعه	
۳	۱۰۰	۲۰	۲۲/۱۷	۵۸/۳۲	۷۴/۰۴	۷۲/۲۹	۵۹/۶۹	۶۶/۱۸	تخریب و تهمت در نظام اداری	۱۰
۴/۵	۱۰۰	۴۰	۱۵/۷۲	۶۵/۷۹	۷۶/۹۴	۷۲/۰۶	۷۰/۶۳	۷۱/۳۶	شعارزدگی و پرهیز از عملگرایی	۱۱
۳/۸۶	۱۰۰	۳۰	۱۸/۳۴	۶۴/۴۷	۷۷/۴۷	۷۱/۰۶	۷۰/۸۸	۷۰/۹۷	رواج غیبت	۱۲
۲/۹	۱۰۰	۱۰	۲۲/۶۷	۶۹/۲۵	۷۵/۷۳	۷۰/۵۹	۶۴/۶	۶۷/۷	دورنی نشدن ارزش‌ها	۱۳
۳/۹	۹۰	۳۵	۱۷/۲۶	۶۲/۰۶	۷۴/۳	۷۰/۵۹	۶۵/۶۳	۶۸/۱۸	رواج افسردگی و انفعال‌گرایی	۱۴
۳/۵	۱۰۰	۲۵	۱۹/۲۳	۵۹/۷۶	۷۳/۴	۷۰/۴۱	۶۲/۵	۶۶/۵۸	استفاده نادرست از بازی‌های رایانه‌ای و ویدئویی	۱۵
۴/۱۸	۱۰۰	۳۵	۱۶/۹۹	۶۵/۰۴	۷۷/۰۹	۷۰/۲۹	۷۱/۸۸	۷۱/۰۶	رواج دروغ‌گویی	۱۶
۳/۵	۱۰۰	۷	۲۲/۱۸۲	۶۹/۲۵	۷۵/۴۷	۷۰	۶۵/۰۶	۶۷/۶۱	سیاسی دانستن همه امور	۱۷
۳/۴	۱۰۰	۱۰	۱۹/۶۷	۶۰/۵۴	۷۴/۴۹	۶۹/۹۴	۶۴/۹۴	۶۷/۵۲	ضعف در عمل به شعائر دینی و شعارزدگی	۱۸
۴/۴۷	۱۰۰	۴۰	۱۵/۶	۶۸/۸۲	۷۹/۹	۶۹/۷۱	۷۹/۳۱	۷۴/۳۶	احساس بی‌عدالتی در توزیع امکانات	۱۹

									مادی	
۲۰	۵۳/۳۶	۵۷/۵۶	۶۹/۷۱	۵۳/۳۶	۴۶/۵۹	۱۹/۰۹	۱۰	۱۰۰	۲/۷۹	عـــدم صرفه جویی
۲۱	۶۶/۰۶	۶۲/۱۱	۶۹/۱۲	۷۲/۲۶	۵۹/۸۶	۱۷/۴۸	۳۰	۹۵	۳/۸	به فراموشی سپردن اصول اخلاقی
۲۲	۶۱/۶۷	۵۵	۶۷/۹۴	۷۰/۷۱	۵۲/۶۲	۲۵/۵۱۶	۱۰	۹۵	۲/۴	استفاده از الگوی غذایی نامناسب
۲۳	۵۹/۷۴	۷۵/۷۵	۶۹/۱۲	۷۵/۴۷	۶۹/۲۵	۲۲/۱۸	۸	۱۰۰	۲/۷	قانون گریزی و بی توجهی به قوانین
۲۴	۶۹/۶۴	۷۱/۱۹	۶۸/۸	۱۶/۲۵	۶۳/۰۳	۱۸/۶۴	۳۰	۱۰۰	۳/۷	بسنده کردن به مناســـک اجتماعی دین به جای نقش الهام بخش دین در اخلاقیات
۲۵	۶۴/۵۲	۵۹/۹۴	۶۸/۸۲	۷۳/۳۱	۵۵/۷۲	۲۴/۸	۲۰	۱۰۰	۲/۶	بالارفتن انتظارات و توقعات
۲۶	۷۰/۴۵	۷۳/۲۵	۶۷/۸۲	۷۸/۶۲	۶۲/۲۹	۲۳/۰۲	۸	۱۰۰	۳/۱	رواج فرهنگ واســـطه (توصیـــیه، ســـفارش، پارتنری بازی و...)

۲۷	رواج رشوه دادن و رشوه گرفتن	۶۸/۰۶	۶۸/۵	۶۷/۶۵	۷۴/۶۳	۶۱/۴۹	۱۸/۵۳	۲۰	۱۰۰	۳/۶۷
۲۸	ناپایداری خانواده	۶۱/۵۲	۵۵	۶۷/۶۵	۶۹/۵۵	۵۳/۴۸	۲۲/۶۵	۵	۹۵	۲/۷
۲۹	رنگ باختن حق در برابر شخصیت‌ها	۶۷/۹۴	۶۸/۵۶	۶۷/۳۵	۷۵/۶۶	۶۰/۲۲	۲۱/۷۶	۷	۹۵	۳/۱۲
۳۰	انجام گرفتن امور از مجاری غیرقانونی	۶۶/۵۸	۶۵/۸۱	۶۷/۲۹	۷۳/۷۲	۶۷/۸۵	۲۰/۱۵	۲۰	۱۰۰	۳/۳
۳۱	توقع حل تمام مشکلات از دولت	۷۱/۶۱	۷۶/۲۵	۶۷/۲۴	۷۹/۲	۶۴	۲۱/۴۵	۲۰	۱۰۰	۳/۳۳
۳۲	رواج برداشت‌های نادرست از دین	۶۶/۲۱	۶۵/۳۱	۶۷/۰۶	۷۲/۹۹	۵۹/۴۳	۱۸/۶۵	۳۰	۱۰۰	۳/۵
۳۳	رواج معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج	۶۴/۲۴	۶۱/۸۱	۶۶/۵۳	۷۲/۲۸	۵۶/۲۰	۲۲/۶۷	۱۰	۱۰۰	۲/۸۳
۳۴	بی‌توجهی به رعایت بهداشت و نظافت شهر و اماکن عمومی	۶۲/۲۷	۵۷/۸۱	۶۶/۴۷	۶۸/۶۸	۵۵/۸۶	۱۸/۰۷۵	۱۰	۹۰	۳/۴
۳۵	فقدان منطق تولا و تبری	۶۲/۱۲	۵۷/۵	۶۶/۴۷	۶۹/۹	۶۲	۲۰/۴۱	۱۰	۹۵	۳/۰۴

۳۶	ضعف روحیه گذشت و عفو و عذرخواهی	۶۱/۲۱	۵۵/۶۳	۶۶/۴۷	۶۸/۴۴	۵۳/۹۳	۲۱/۱۷۳	۱۰	۹۰	۲/۹
۳۷	منسوخ شدن سنت های کهن در معاشرت های اجتماعی	۶۰/۹۱	۵۵	۶۶/۴۷	۶۷/۷۲	۵۴/۰۹	۱۹/۲۲	۱۰	۹۵	۳/۱۶
۳۸	عدم انتقال ارزش ها از نسلی به نسل دیگر	۶۴/۲۱	۶۲/۴۴	۶۵/۸۸	۷۱/۴۱	۵۷/۰۱	۲۰/۲۹	۲۵	۱۰۰	۳/۱۶
۳۹	فسادپذیر بودن و دعوت به سکوت	۶۷/۱۲	۶۸/۷۵	۶۵/۵۹	۷۳/۸۹	۶۰/۳۶	۱۹/۰۸	۱۰	۹۵	۳/۵
۴۰	داشتن روحیه فردگرایی به جای جمع گرایی	۶۵/۲۷	۶۴/۹۴	۶۵/۵۹	۷۲/۲۵	۵۸/۳	۱۹/۶۶	۲۰	۱۰۰	۳/۳
۴۱	خود باختگی در برابر تهاجم فرهنگی	۶۱/۲۶	۵۶/۸۸	۶۵/۵۹	۶۸/۷۶	۵۳/۹۷	۲۰/۵۸	۲۰	۹۵	۲/۹۸
۴۲	آشنا فتنگی در سبک لباس و پوشش	۶۲/۸۵	۶۰	۶۵/۵۳	۷۱/۱۰	۵۴/۵۹	۲۳/۲۸	۶	۱۰۰	۲/۷
۴۳	عدم رعایت انصاف در	۶۳/۹۷	۲۲/۵۶	۶۵/۲۹	۷۰/۲۴	۵۷/۶۹	۱۷/۶۹	۶	۹۰	۳/۶

									روابط و تعاملات	
۳/۵	۹۰	۱۰	۱۸/۳۱	۵۶/۸۴	۶۹/۸۳	۶۵	۶۱/۵۶	۶۳/۳۳	کاهش علایق در جهت تلاش فکری و فرهنگی	۴۴
۳/۶۸	۱۰۰	۳۰	۱۸/۱۹	۶۰/۶۴	۶۷/۰۹	۶۴/۷۱	۶۹/۶۳	۶۷/۰۹	غلبه ارزش های مادی بر ارزش های معنوی	۴۵
۳/۶	۱۰۰	۶	۱۷/۶۹	۵۷/۶۹	۷۰/۲۴	۶۴/۶۵	۶۳/۰۶	۶۳/۸۸	بی علاقه بودن به کتاب و کتابخوانی	۴۶
۲/۹	۹۰	۱۰	۲۰/۳۶	۵۲/۹۳	۶۷/۳۷	۶۴/۴۱	۵۵/۶۳	۶۰/۱۵	سخت گیری در گذشت کردن در روابط اجتماعی	۴۷
۲/۸۵	۱۰	۱۰	۲۱/۶۵	۵۳/۹۶	۶۹/۳۲	۶۴/۱۹	۵۸/۶۹	۶۱/۶۴	افراط و تفریط در مادیگرایی یا معنویت گرایی	۴۸
۳/۲	۱۰۰	۲۰	۲۰/۲۳۷	۵۷/۶۴	۷۱/۹۹	۶۴/۱۲	۶۵/۵۶	۶۴/۸۲	بی تفاوتی جمعی نسبت به هنجارشکنی	۴۹
۲/۵۶	۱۰۰	۱۰	۲۴/۱۵۶	۵۳/۳۷	۷۰/۵	۶۴/۱۲	۵۹/۶۳	۶۱/۹۴	شکاف فرهنگی بین شهر و	۵۰

									روستا	
۲/۲	۱۰۰	۰	۲۶/۸۳	۴۸/۲۴	۶۷/۲۷	۶۳/۷۱	۵۱/۴۴	۵۷/۷۶	مقام دوستی افراطی	۵۱
۳/۲	۹۵	۱۰	۱۹/۷۹	۵۶/۱۶	۷۰/۲	۶۳/۵۳	۶۲/۸۱	۶۳/۱۸	سوءظن به مردم و نیل به تجسس در زندگی آنها	۵۲
۲/۹	۱۰۰	۱۰	۲۰/۸۹	۶۱/۷۸	۶۸/۶۸	۶۳/۱۲	۵۹/۳۱	۶۱/۲۷	رواج خرافه گرایـــی و خرافه پرستی	۵۳
۲/۸۵	۱۰۰	۱۰	۲۲/۰۹	۵۵/۲۶	۷۰/۹۲	۶۳/۰۶	۶۳/۱۳	۶۳/۰۹	استقبال از واردات فرهنگی	۵۴
۲/۵۹	۹۵	۱۰	۲۳/۵	۵۲/۵۸	۹۶/۲۴	۶۳/۰۶	۶۸/۴۴	۶۰/۹۱	بی اعتمادی مردم به حاکمیت و دولت	۵۵
۳/۶۸	۹۰	۲۰	۱۶/۲۸	۵۴/۲۰	۶۵/۷۴	۶۲/۸۸	۵۶/۸۸	۵۹/۹۷	ضعف و فقدان اندیشه علمی در اظهارنظرهای عموم مردم	۵۶
۴/۱	۹۵	۲۰	۱۶/۰۸۹	۵۸/۹۰	۷۰/۳۱	۶۲/۳۵	۶۷	۶۴/۶۱	چنگ یازیدن به شرع برای فرار از قانون	۵۷
۳/۱	۹۰	۲۰	۱۹/۷۳	۵۴/۳۷	۶۸/۳۶	۶۲/۳۵	۶۰/۳۱	۶۱/۳۶	منجرطلبی افراطی	۵۸

۵۹	رواج سخن چینی	۵۹/۱۸	۵۵/۸۵	۶۲/۳۵	۶۶/۶۹	۵۱/۶۹	۲۱/۱۷	۱۰	۱۰۰	۲/۸
۶۰	تمایل به ماجراجویی و بی‌نظمی در مراسم	۵۵/۷۳	۴۸/۶۹	۶۲/۳۵	۶۳/۸۶	۴۷/۶	۲۲/۹۲	۱۰	۱۰۰	۲/۴۳
۶۱	احساس محرومیت	۶۶/۰۶	۶۷/۱۱	۶۱/۴۱	۷۱/۴۸	۶۰/۶۴	۱۵/۲۹	۴۰	۹۰	۴/۳
۶۲	تجمل‌گرایی	۶۵/۸۲	۷۰/۵	۶۱/۴۱	۷۴/۴۱	۵۷/۲۳	۲۴/۲۲	۱۰	۱۰۰	۲/۷۱
۶۳	تغییر و جابجایی نظام ارزشی	۶۵/۱۵	۶۹/۶۹	۶۰/۸۸	۷۲/۵۷	۵۷/۷۳	۲۰/۹۳	۱۰	۹۵	۳/۱۱
۶۴	پذیرش خشونت به عنوان راه حل مسائل	۶۲/۲۷	۶۳/۷۵	۶۰/۸۸	۷۰/۱۹	۵۴/۳۶	۲۲/۳۲	۱۰	۹۵	۲/۸
۶۵	توقع مردم نسبت به برخورد با منکرات از سوی حکومت	۶۰/۲۱	۶۱/۰۶	۵۹/۴۱	۶۸/۴۱	۵۲/۰۲	۲۳/۱۱۲	۳	۱۰۰	۲/۶
۶۶	بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری برای انتخاب شغل و همسر	۵۸/۴۸	۵۷/۵	۵۹/۴۱	۶۶/۵۱	۵۰/۴۶	۲۲/۶۲	۱۰	۹۵	۲/۹
۶۷	پایین بودن	۶۳/۱۸	۶۷/۸۱	۵۸/۸۲	۷۱/۶۶	۵۴/۷	۲۳/۹	۱۰	۹۵	۲/۶

									حس همکاری و مشارکت در بین مردم	
۲/۴۸	۹۵	۱۰	۲۳/۱۶	۴۹/۶۳	۶۵/۲۲	۵۸/۲۴	۵۶/۵۶	۵۷/۴۲	عدم احساس غرور و حمیت ملی	۶۸
۲/۳	۱۰۰	۰	۲۴/۹۵	۴۹	۶۶/۶۹	۵۸/۱۸	۵۷/۵	۵۷/۸۵	کم توجهی به شخصیت و منزلت اجتماعی زنان	۶۹
۲/۶۷	۹۵	۲۰	۲۳/۱	۵۳/۵	۶۹/۸	۵۷/۶۵	۶۵/۹۴	۶۱/۶۷	خدشه وارد شدن به محکمت دین	۷۰
۲/۸۹	۹۵	۲۰	۲۰/۸	۵۲/۸۱	۶۷/۵۶	۵۷/۱۲	۶۳/۴۴	۶۰/۱۸	تقید افراطی به نظر دیگران	۷۱
۲/۶	۹۵	۵	۲۲/۰۴	۵۰/۴۶	۶۶/۰۹	۵۶/۱۸	۶۰/۵	۵۸/۲۷	شش سِکولاریزم پنهان در جامعه	۷۲
۲/۶۵	۱۰۰	۲۰	۲۲/۵۲	۵۱/۶۵	۵۹/۶۴	۵۵/۲۴	۶۴/۳۱	۵۹/۶۴	فقدان همبستگی فرهنگی بین طبقات جامعه	۷۳
۲/۲	۱۰۰	۱۰	۲۴/۵۶	۴۵/۶۲	۶۳/۰۴	۵۵/۲۴	۵۳/۳۸	۵۴/۳۳	تبعیض جنسی	۷۴
۲/۴۸	۹۵	۱۰	۲۱/۸۱	۴۶/۲۹	۶۱/۷۷	۴۵/۲۹	۶۳/۳۱	۵۴/۰۳	نداشتن استقلال فرهنگی	۷۵
۲/۱۵	۱۰۰	۱۰	۲۴/۸۸	۵۳/۲۷	۶۲/۴۳	۴۵/۲۹	۶۲/۴۴	۵۳/۶۱	بی توجهی به جانبازان و	۷۶

									ایثارگران	
۲/۷	۱۰۰	۱۰	۲۱/۹۲	۵۲/۹	۶۸/۵	۶۱/۱۸	۶۰/۲۵	۶۰/۷۳	بی‌توجهی به ارزش‌های دفاع مقدس	۷۷
۳/۲۴	۱۰۰	۲۰	۲۰/۸۶	۶۰/۲۵	۷۵	۶۳/۵۳	۷۲/۰۶	۶۷/۶۷	پایین بودن وجدان کاری	۷۸

۴/۴۷	۱۰۰	۴۰	۱۵/۶	۶۸/۸۲	۷۹/۹	۶۹/۷۱	۷۹/۳۱	۷۴/۳۶	احساس بی‌عدالتی در توزیع امکانات مادی	۱
۳/۳۳	۱۰۰	۲۰	۲۱/۴۵	۶۴	۷۹/۲	۶۷/۲۴	۷۶/۲۵	۷۱/۶۱	توقع حل تمام مشکلات از دولت	۲
۲/۷	۱۰۰	۸	۲۲/۱۸	۶۹/۲۵	۷۵/۴۷	۶۹/۱۲	۷۵/۷۵	۵۹/۷۴	قانون‌گریزی و بی‌توجهی به قوانین	۳
۳/۹	۱۰۰	۱۰	۱۹/۳۵	۸۷/۷۰	۸۳/۸	۷۸/۸۸	۷۴/۹۴	۷۹/۹۷	اولویت دادن منافع شخصی و جناحی بر مصالح ملی	۴
۳/۱	۱۰۰	۸	۲۳/۰۲	۶۲/۲۹	۷۸/۶۲	۶۷/۸۲	۷۳/۲۵	۷۰/۴۵	رواج فرهنگ واسطه (توصیه، سفارش، پارتنری‌سازی و...)	۵
۴/۲	۱۰۰	۲۰	۱۷/۷۴	۶۸/۴۷	۸۱/۰۵	۷۶/۹۴	۷۲/۴۴	۷۴/۷۶	اظهار نظرها غیرکارشناسی	۶
۳/۲۴	۱۰۰	۲۰	۲۰/۸۶	۶۰/۲۵	۷۵	۶۳/۵۳	۷۲/۰۶	۶۷/۶۷	پایین بودن وجدان کاری	۷
۴/۱۸	۱۰۰	۳۵	۱۶/۹۹	۶۵/۰۴	۷۷/۰۹	۷۰/۲۹	۷۱/۸۸	۷۱/۰۶	رواج	۸

									دروغ‌گویی	
۳/۸	۱۰۰	۳۰	۱۸/۹۱	۷۳/۴۲	۷۹/۴۳	۷۳/۸۸	۷۱/۵	۷۲/۷۳	رواج مدرک‌گرایی	۹
۳/۹	۱۰۰	۲۰	۱۸/۲۳	۶۵/۷۲	۷۸/۶۵	۷۳/۱۲	۷۱/۱۹	۷۲/۱۸	عافیت‌طلبی و بی‌توجهی به وضـوعیت جامعه و آینده کشور	۱۰
۳/۷	۱۰۰	۳۰	۱۸/۶۴	۶۳/۰۳	۱۶/۲۵	۶۸/۸	۷۱/۱۹	۶۹/۶۴	بسندۀ کردن به مناسک اجتماعی دین به جای نقش الهام‌بخش دین در اخلاقیات	۱۱
۳/۸۶	۱۰۰	۳۰	۱۸/۳۴	۶۴/۴۷	۷۷/۴۷	۷۱/۰۶	۷۰/۸۸	۷۰/۹۷	رواج غیبت	۱۲
۴/۵	۱۰۰	۴۰	۱۵/۷۲	۶۵/۷۹	۷۶/۹۴	۷۲/۰۶	۷۰/۶۳	۷۱/۳۶	شعارزدگی و پرهیز از عمل‌گرایی	۱۳
۳/۶	۱۰۰	۲۰	۱۹/۶۹	۶۴/۳۴	۷۸/۵۰	۷۲/۲۹	۷۰/۵	۷۱/۴۲	نبود نشاط و سرزندگی در جامعه	۱۴
۲/۷۱	۱۰۰	۱۰	۲۴/۲۲	۵۷/۱۳	۷۴/۴۱	۶۱/۴۱	۷۰/۵	۶۵/۸۲	تجمل‌گرایی	۱۵
۳/۱۱	۹۵	۱۰	۲۰/۹۳	۵۷/۷۳	۷۲/۵۷	۶۰/۸۸	۶۹/۶۹	۶۵/۱۵	تغییر و جابجایی نظام ارزشی	۱۶
۳/۶۸	۱۰۰	۳۰	۱۸/۱۹	۶۰/۶۴	۶۷/۰۹	۶۴/۷۱	۶۹/۶۳	۶۷/۰۹	غلبه	۱۷

									ارزش‌های مادی بر ارزش‌های معنوی	
۳/۵	۹۵	۱۰	۱۹/۰۸	۶۰/۳۶	۷۳/۸۹	۶۵/۵۹	۶۸/۷۵	۶۷/۱۲	فسادپذیر بودن و دعوت به سکوت	۱۸
۳/۶۷	۱۰۰	۲۰	۱۸/۵۳	۶۱/۴۹	۷۴/۶۳	۶۷/۶۵	۶۸/۵	۶۸/۰۶	رواج رشوه دادن و رشوه گرفتن	۱۹
۲/۵۹	۹۵	۱۰	۲۳/۵	۵۲/۵۸	۹۶/۲۴	۶۳/۰۶	۶۸/۴۴	۶۰/۹۱	بی‌اعتمادی مردم به حاکمیت و دولت	۲۰
۲/۶	۹۵	۱۰	۲۳/۹	۵۴/۷	۷۱/۶۶	۵۸/۸۲	۶۷/۸۱	۶۳/۱۸	پایین بودن حس همکاری و مشارکت در بین مردم	۲۱
۴/۳	۹۰	۴۰	۱۵/۲۹	۶۰/۶۴	۷۱/۴۸	۶۱/۴۱	۶۷/۱۱	۶۶/۰۶	احساس محرومیت	۲۲
۴/۱	۹۵	۲۰	۱۶/۰۸۹	۵۸/۹۰	۷۰/۳۱	۶۲/۳۵	۶۷	۶۴/۶۱	چنگ یازیدن به شرع برای فرار از قانون	۲۳
۳/۴۲	۱۰۰	۱۰	۲۰/۶	۶۳/۲۷	۷۷/۸۸	۷۴/۰۶	۶۶/۸۸	۷۰/۵۸	بی‌توجهی به حلال و حرام در جامعه	۲۴

۲/۶۷	۹۵	۲۰	۲۳/۱	۵۳/۵	۶۹/۸	۵۷/۶۵	۶۵/۹۴	۶۱/۶۷	خدشه وارد شدن به محکومات دین	۲۵
۳/۳۵	۱۰۰	۲۰	۲۰/۷۴۴	۷۰/۵۳	۷۶/۹۶	۷۳/۱۲	۶۵/۸۸	۶۹/۶۱	رواج چاپلوسی	۲۶
۳/۳	۱۰۰	۲۰	۲۰/۱۵	۶۷/۸۵	۷۳/۷۲	۶۷/۲۹	۶۵/۸۱	۶۶/۵۸	انجام گرفتن امور از مجاری غیرقانونی	۲۷
۳/۹	۹۰	۳۵	۱۷/۲۶	۶۲/۰۶	۷۴/۳	۷۰/۵۹	۶۵/۶۳	۶۸/۱۸	رواج افسردگی و انفعال گرایی	۲۸
۳/۵	۱۰۰	۳۰	۱۸/۶۵	۵۹/۴۳	۷۲/۹۹	۶۷/۰۶	۶۵/۳۱	۶۶/۲۱	رواج برداشت های نادرست از دین	۲۹
۳/۲	۱۰۰	۲۰	۲۰/۲۳۷	۵۷/۶۴	۷۱/۹۹	۶۴/۱۲	۶۵/۵۶	۶۴/۸۲	بی تفاوتی جمعی نسبت به هنجارشکنی	۳۰
۳/۵	۱۰۰	۷	۲۲/۱۸۲	۶۹/۲۵	۷۵/۴۷	۷۰	۶۵/۰۶	۶۷/۶۱	سیاسی دانستن همه امور	۳۱
۳/۴	۱۰۰	۱۰	۱۹/۶۷	۶۰/۵۴	۷۴/۴۹	۶۹/۹۴	۶۴/۹۴	۶۷/۵۲	ضعف در عمل به شعائر دینی و	۳۲

									شعار زندگی	
۳/۳	۱۰۰	۲۰	۱۹/۶۶	۵۸/۳	۷۲/۲۵	۶۵/۵۹	۶۴/۹۴	۶۵/۲۷	داشتن روحیه فردگرایی به جای جمع‌گرایی	۳۳
۲/۹	۱۰۰	۱۰	۲۲/۶۷	۶۹/۲۵	۷۵/۷۳	۷۰/۵۹	۶۴/۶	۶۷/۷	دورنی نشدن ارزش‌ها	۳۴
۳/۳	۱۰۰	۱۰	۲۰/۷۹	۶۱/۰۲	۷۵/۷۷	۷۲/۷۶	۶۳/۷۵	۶۸/۳۹	بی‌توجهی و عدم اهتمام مردم به حل مشکلات	۳۵
۲/۸	۹۵	۱۰	۲۲/۳۲	۵۴/۳۶	۷۰/۱۹	۶۰/۸۸	۶۳/۷۵	۶۲/۲۷	پذیرش خشونت به عنوان راه حل مسائل	۳۶
۲/۸۹	۹۵	۲۰	۲۰/۸	۵۲/۸۱	۶۷/۵۶	۵۷/۱۲	۶۳/۴۴	۶۰/۱۸	تقید افراطی به نظر دیگران	۳۷
۲/۴۸	۹۵	۱۰	۲۱/۸۱	۴۶/۲۹	۶۱/۷۷	۴۵/۲۹	۶۳/۳۱	۵۴/۰۳	نداشتن استقلال فرهنگی	۳۸
۲/۸۵	۱۰۰	۱۰	۲۲/۰۹	۵۵/۲۶	۷۰/۹۲	۶۳/۰۶	۶۳/۱۳	۶۳/۰۹	استقبال از واردات فرهنگی	۳۹
۳/۶	۱۰۰	۶	۱۷/۶۹	۵۷/۶۹	۷۰/۲۴	۶۴/۶۵	۶۳/۰۶	۶۳/۸۸	بی‌علاقه بودن به کتاب و کتابخوانی	۴۰

۳/۲	۹۵	۱۰	۱۹/۷۹	۵۶/۱۶	۷۰/۲	۶۳/۵۳	۶۲/۸۱	۶۳/۱۸	سوءظن به مردم و نیل به تجسس در زندگی آنها	۴۱
۳/۵	۱۰۰	۲۵	۱۹/۲۳	۵۹/۷۶	۷۳/۴	۷۰/۴۱	۶۲/۵	۶۶/۵۸	استفاده نادرست از بازی‌های رایانه‌ای و ویدئویی	۴۲
۳/۱۶	۱۰۰	۲۵	۲۰/۲۹	۵۷/۰۱	۷۱/۴۱	۶۵/۸۸	۶۲/۴۴	۶۴/۲۱	عدم انتقال ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر	۴۳
۲/۱۵	۱۰۰	۱۰	۲۴/۸۸	۵۳/۲۷	۶۲/۴۳	۴۵/۲۹	۶۲/۴۴	۵۳/۶۱	بی‌توجهی به جانبازان و ایثارگران	۴۴
۳/۸	۹۵	۳۰	۱۷/۴۸	۵۹/۸۶	۷۲/۲۶	۶۹/۱۲	۶۲/۱۱	۶۶/۰۶	به فراموشی سپردن اصول اخلاقی	۴۵
۲/۸۳	۱۰۰	۱۰	۲۲/۶۷	۵۶/۲۰	۷۲/۲۸	۶۶/۵۳	۶۱/۸۱	۶۴/۲۴	رواج معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج	۴۶
۳/۵	۹۰	۱۰	۱۸/۳۱	۵۶/۸۴	۶۹/۸۳	۶۵	۶۱/۵۶	۶۳/۳۳	کاهش علایق در جهت تلاش فکری و فرهنگی	۴۷

۲/۶	۱۰۰	۳	۲۳/۱۱۲	۵۲/۰۲	۶۸/۴۱	۵۹/۴۱	۶۱/۰۶	۶۰/۲۱	توقع مردم نسبت به برخورد با منکرات از سوی حکومت	۴۸
۲/۶	۹۵	۵	۲۲/۰۴	۵۰/۴۶	۶۶/۰۹	۵۶/۱۸	۶۰/۵	۵۸/۲۷	شیوع سکولاریزم پنهان در جامعه	۴۹
۳/۱	۹۰	۲۰	۱۹/۷۳	۵۴/۳۷	۶۸/۳۶	۶۲/۳۵	۶۰/۳۱	۶۱/۳۶	منجرطلبی افراطی	۵۰
۲/۷	۱۰۰	۱۰	۲۱/۹۲	۵۲/۹	۶۸/۵	۶۱/۱۸	۶۰/۲۵	۶۰/۷۳	بی توجهی به ارزش های دفاع مقدس	۵۱
۲/۷	۱۰۰	۶	۲۳/۲۸	۵۴/۵۹	۷۱/۱۰	۶۵/۵۳	۶۰	۶۲/۸۵	آشفتگی در سبک لباس و پوشش	۵۲
۲/۶	۱۰۰	۲۰	۲۴/۸	۵۵/۷۲	۷۳/۳۱	۶۸/۸۲	۵۹/۹۴	۶۴/۵۲	بالارفتن انتظارات و توقعات	۵۳
۳	۱۰۰	۲۰	۲۲/۱۷	۵۸/۳۲	۷۴/۰۴	۷۲/۲۹	۵۹/۶۹	۶۶/۱۸	تخریب و تهمت در نظام اداری	۵۴
۲/۵۶	۱۰۰	۱۰	۲۴/۱۵۶	۵۳/۳۷	۷۰/۵	۶۴/۱۲	۵۹/۶۳	۶۱/۹۴	شکاف فرهنگی بین شهر و روستا	۵۵

۵۶	رواج خرافه گرایــــی و خرافه پرستی	۶۱/۲۷	۵۹/۳۱	۶۳/۱۲	۶۸/۶۸	۶۱/۷۸	۲۰/۸۹	۱۰	۱۰۰	۲/۹
۵۷	افراط و نفريط در مادیگرایی معنویت گرایی	۶۱/۶۴	۵۸/۶۹	۶۴/۱۹	۶۹/۳۲	۵۳/۹۶	۲۱/۶۵	۱۰	۱۰	۲/۸۵
۵۸	بی توجهی به رعایــــت بهداشت و نظافت شهر و اماکن عمومی	۶۲/۲۷	۵۷/۸۱	۶۶/۴۷	۶۸/۶۸	۵۵/۸۶	۱۸/۰۷۵	۱۰	۹۰	۳/۴
۵۹	عــــدم صرفه جویی	۵۳/۳۶	۵۷/۵۶	۶۹/۷۱	۵۳/۳۶	۴۶/۵۹	۱۹/۰۹	۱۰	۱۰۰	۲/۷۹
۶۰	فقدان منطق تولا و تبری	۶۲/۱۲	۵۷/۵	۶۶/۴۷	۶۹/۹	۶۲	۲۰/۴۱	۱۰	۹۵	۳/۰۴
۶۱	بی ثباتی در تصمیم گیری برای انتخاب شغل و همسر	۵۸/۴۸	۵۷/۵	۵۹/۴۱	۶۶/۵۱	۵۰/۴۶	۲۲/۶۲	۱۰	۹۵	۲/۹
۶۲	کم توجهی به شخصیت و منزلت اجتماعی زنان	۵۷/۸۵	۵۷/۵	۵۸/۱۸	۶۶/۶۹	۴۹	۲۴/۹۵	۰	۱۰۰	۲/۳
۶۳	خود باختگی در برابر	۶۱/۲۶	۵۶/۸۸	۶۵/۵۹	۶۸/۷۶	۵۳/۹۷	۲۰/۵۸	۲۰	۹۵	۲/۹۸

									تهاجم فرهنگی	
۳/۶۸	۹۰	۲۰	۱۶/۲۸	۵۴/۲۰	۶۵/۷۴	۶۲/۸۸	۵۶/۸۸	۵۹/۹۷	ضعف و فقدان اندیشه علمی در اظهارنظرهای عموم مردم	۶۴
۲/۴۸	۹۵	۱۰	۲۳/۱۶	۴۹/۶۳	۶۵/۲۲	۵۸/۲۴	۵۶/۵۶	۵۷/۴۲	احساس غرور و حمیت ملی	۶۵
۲/۸	۱۰۰	۱۰	۲۱/۱۷	۵۱/۶۹	۶۶/۶۹	۶۲/۳۵	۵۵/۸۵	۵۹/۱۸	رواج سخن چینی	۶۶
۲/۹	۹۰	۱۰	۲۱/۱۷۳	۵۳/۹۳	۶۸/۴۴	۶۶/۴۷	۵۵/۶۳	۶۱/۲۱	ضعف روحیه گذشت و عفو و عذرخواهی	۶۷
۲/۹	۹۰	۱۰	۲۰/۳۶	۵۲/۹۳	۶۷/۳۷	۶۴/۴۱	۵۵/۶۳	۶۰/۱۵	سخت گیری در گذشت کردن در روابط اجتماعی	۶۸
۲/۴	۹۵	۱۰	۲۵/۵۱۶	۵۲/۶۲	۷۰/۷۱	۶۷/۹۴	۵۵	۶۱/۶۷	استفاده از الگوی غذایی نامناسب	۶۹
۲/۷	۹۵	۵	۲۲/۶۵	۵۳/۴۸	۶۹/۵۵	۶۷/۶۵	۵۵	۶۱/۵۲	ناپایداری خانواده	۷۰
۳/۱۶	۹۵	۱۰	۱۹/۲۲	۵۴/۰۹	۶۷/۷۲	۶۶/۴۷	۵۵	۶۰/۹۱	منسوخ شدن سنت های کهن در	۷۱

									معاشرت های اجتماعی	
۲/۲	۱۰۰	۱۰	۲۴/۵۶	۴۵/۶۲	۶۳/۰۴	۵۵/۲۴	۵۳/۳۸	۵۴/۳۳	تبعیض جنسی	۷۲
۲/۲	۱۰۰	۰	۲۶/۸۳	۴۸/۲۴	۶۷/۲۷	۶۳/۷۱	۵۱/۴۴	۵۷/۷۶	مقام دوستی افراطی	۷۳
۲/۴۳	۱۰۰	۱۰	۲۲/۹۲	۴۷/۶	۶۳/۸۶	۶۲/۳۵	۴۸/۶۹	۵۵/۷۳	تمایل به ماجراجویی و بی نظمی در مراسم	۷۴
۳/۰۳	۹۵	۱۰	۲۲/۴۸	۶۰/۳۶	۷۶/۳۱	۷۲/۳۵	۴۶/۰۶	۶۸/۳۳	سیطره ناامیدی و یأس بر جامعه	۷۵
۳/۶	۹۰	۶	۱۷/۶۹	۵۷/۶۹	۷۰/۲۴	۶۵/۲۹	۲۲/۵۶	۶۳/۹۷	عدم رعایت انصاف در روابط و تعاملات	۷۶
۲/۶۵	۱۰۰	۲۰	۲۲/۵۲	۵۱/۶۵	۵۹/۶۴	۵۵/۲۴	۶۴/۳۱	۵۹/۶۴	فقــدان همبستگی فرهنگی بین طبقات جامعه	۷۷
۳/۱۲	۹۵	۷	۲۱/۷۶	۶۰/۲۲	۷۵/۶۶	۶۷/۳۵	۶۸/۵۶	۶۷/۹۴	رنگ باختن حق در برابر شخصیت ها	۷۸

()

بر اساس که مربوط به آرای حدود

(حوزوی ها/دانشگاهی ها و مدیران کارشناسان دولتی) است، می‌توان تصویری از

بدست داد. این تصویر برای نتایج الویت سنجی این پژوهش و یافته‌های پیشین سودمند است.

در (۱) این نتایج با پردازش اولیه ارائه شده است. بر اساس این جدول تعداد دیگری از

نیز آمده است. تحلیل‌های کلیدی روی این جداول نیز در قالب مندرج شده

است. روی هم بر مبنای این سه گونه جدول (پایه، محوری، تحلیلی) می‌توان مقایسه سودمندی میان دوره‌های تاریخی اجتماعی در خصوص الویت سنجی مسایل فرهنگ عمومی کشور انجام داد که در جای خود به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

بدنیست همین جا این نکته را یادآوری کنیم که در جدول ۱، با توجه به

، امکان درج این رتبه در قسمت مربوطه جدول میسر نبوده است. هر

چند در کلیت جدول این داده‌ها نشان گر مهمترین مسایل فرهنگ عمومی هستند که داوران تشخیص داده اند.

() :

		مقوله پایه ای		
۱	کتاب نخوانی	صنعت فرهنگی	حوزوی	
۲	مدرک گرایی	صنعت علم	×	
۳	فرهنگ گرایی غربی	هویت فرهنگی	×	
۴	بی حرمتی علم	صنعت علم	×	
۵	قانون گریزی	توسعه حقوقی	×	
۶	دولت زدگی فرهنگ	توسعه سیاسی	×	
۷	تجمل گرایی	تمایز اجتماعی	×	
۸	کم رنگی وجدان کاری	توسعه اقتصادی	×	
۹	σμσ بازی	فضای مجازی	×	
۱۰	بی مدیریتی فراغت	مدیریت فرهنگی	×	
۱۱	بحران سازی هویت	هویت فرهنگی	دانشگاهی	

۱۲	بحران سازی زبانی	هویت فرهنگی	×	
۱۳	فقر تولید فرهنگی	اقتصاد فرهنگ	×	
۱۴	دین مناسکی فردی	عرفی شدن دینی	×	
۱۵	دروغ گویی	اخلاق اجتماعی	حوزوی دانشگاهی	
۱۶	بی اعتمادی به دولت	بحران سیاسی	×	
۱۷	حرافی و شعار زدگی	اخلاق اجتماعی	×	
۱۸	ضعف مشارکت	بحران سیاسی	دانشگاهی	
۱۹	برداشت نادرست دینی	فرهنگ دینی	×	
۲۰	ریا کاری نهادینه	اخلاق اجتماعی	پژوهشگر/فعال سیاسی	
۲۱	تقلب	اخلاق اجتماعی	×	
۲۲	فرهنگ دریوزگی	اخلاق اجتماعی	تحلیلگر/فعال سیاسی	
۲۳	فرهنگ رشوه	توسعه حقوقی	×	
۲۴	فرهنگ یاس گرایی	فلسفه اجتماعی	مدیریت فرهنگی	
۲۵	فرهنگ افسردگی	فلسفه اجتماعی	×	
۲۶	فرهنگ واسطه گرایی/ توصیه و پارتی بازی	توسعه حقوقی	×	
۲۷	غیبت کردن	اخلاق اجتماعی	×	
۲۸	پدرسالاری دولت	توسعه سیاسی	مدیر فرهنگی	
۲۹	احساس محرومیت نسبی	توسعه اقتصادی	×	
۳۰	احساس بی عدالتی	توسعه حقوقی	×	
۳۱	بی اخلاقی نخبگان	توسعه اجتماعی	مدیر فرهنگی	
۳۲	بی تفاوتی به هنجارشکنی	توسعه اجتماعی	×	
۳۳	کم رنگی بازیهای سنتی	هویت فرهنگی	×	
۳۴	گرایش به بازیهای غربی	هویت فرهنگی	×	
۳۵	ضعف عقل گرایی علمی	اخلاق اجتماعی	×	
۳۶	جدایی نخبه و توده	توسعه سیاسی	×	
۳۷	نبود همبستگی اجتماعی	توسعه اجتماعی	×	
۳۸	اولویت دادن منافع	توسعه حقوقی	دولت مرد/دانشگاهی	

			شخصی و جناحی بر مصالح ملی	
۳۹	نبود وجدان کاری	توسعه اقتصادی	دولت مرد/دانشگاهی	
۴۰	نبود انضباط اداری	توسعه اقتصادی	×	
۴۱	سبک لباس	مصرف فرهنگی	×	
۴۲	نوع سرگرمی	توسعه اقتصادی	×	
۴۳	نادیده گرفتن حقوق مردم	اخلاق اجتماعی	دانشگاهی	
۴۴	عدم صرفه‌جویی و قناعت	اخلاق اجتماعی	×	
۴۵	بهداشت اماکن عمومی	توسعه اجتماعی	×	
۴۶	استقلال فرهنگی مخدوش	هویت فرهنگی	×	
۴۷	تضعیف انسانیت زنان	فلسفه اجتماعی	×	
۴۸	بی‌نشاطی	روان‌شناسی اجتماعی	×	
۴۹	نبود آمار فرهنگی دقیق	توسعه فرهنگی	×	
۵۰	خشونت‌پذیری	توسعه حقوقی	پژوهشگر/فعال سیاسی	
۵۱	دور زدن قانون	توسعه حقوقی	×	
۵۲	درک غیر عصری دین	فرهنگ دینی	×	
۵۳	خدشه به محکومات دینی	فرهنگ دینی	دولت مرد/دانشگاهی	
۵۴	بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری	اخلاق اجتماعی	پژوهشگر/فعال فرهنگی	
۵۵	فرهنگ تخریب	اخلاق اجتماعی	×	
۵۶	برخورد بد با ارباب رجوع	توسعه اقتصادی	×	
۵۷	چاپلوسی	اخلاق اجتماعی	×	
۵۸	مطیع بودن	روان‌شناسی اجتماعی	×	
۵۹	پول‌پرستی	توسعه اقتصادی	×	
۶۰	انسانیت‌زدایی	توسعه اجتماعی	×	
۶۱	فساد‌پذیری	توسعه حقوقی	دانشگاهی	
۶۲	محافظه‌کاری	فلسفه اجتماعی	×	

۶۳	کوتاه بینی	روان شناسی اجتماعی	×	
۶۴	نا آینده نگری	فلسفه اجتماعی	×	
۶۵	عدم گذشت	اخلاق اجتماعی	×	
۶۶	ظاهر گرایی	روان شناسی اجتماعی		دانشگاهی
۶۷	تظاهر گرایی	فلسفه اجتماعی	×	
۶۸	فرهنگ تسخیری	هویت فرهنگی		دولت مرد/دانشگاهی
۶۹	روحیه فردگرایی	روان شناسی اجتماعی	×	
۷۰	موازی گرایی	توسعه سیاسی	×	
۷۱	شرع گریزی قانونی	توسعه حقوقی		پژوهشگر/فعال سیاسی
۷۲	قانون گریزی شرعی	توسعه حقوقی	×	
۷۳	شخصیت پرستی قانون گریز	توسعه حقوقی	×	
۷۴	سوء ظن گرایی	توسعه حقوقی	×	
۷۵	تجسس گرایی	توسعه حقوقی	×	
۷۶	تفسیر گرایی اتهامی	توسعه حقوقی	×	
۷۷	خود باختگی فرهنگی	هویت فرهنگی		دولت مرد/حوزوی
۷۸	تهاجم فرهنگی	هویت فرهنگی	×	
۷۹	افراط و تفریط در مادیات و معنویات	فرهنگ دینی	×	
۸۰	اسراف و تبذیر	تمایز اجتماعی	×	
۸۱	تزلزل توقعات	روان شناسی اجتماعی		پژوهشگر
۸۲	سختی فرهنگ پذیری ارزشی بینا نسلی	هویت فرهنگی	×	
۸۳	دولت گرایی در نهی از	توسعه سیاسی	×	

	منکر			
۸۴	جا به جایی تولی و تبری	فرهنگ دینی	دولت مرد/دانشگاهی	
۸۵	سیاسی کردن فرهنگ	توسعه سیاسی	×	
۸۶	تسامح گرایی دینی	عرفی شدن دینی	×	
۸۷	دوگانگی آموزشی در مدرسه و خانه	توسعه سیاسی	کار گزار نظام/دانشگاهی	
۸۸	بی سامانی اخلاقی	توسعه اجتماعی	کار گزار نظام/حوزوی	
۸۹	توقعات فزاینده	روان شناسی اجتماعی	کار گزار نظام/حوزوی	
۹۰	خرافه گرایی و خرافه پرستی	هویت فرهنگی	مدیریت سیاسی	
۹۱	منجی گرایی	فلسفه اجتماعی	پژوهشگر	
۹۲	مقام دوستی	توسعه اجتماعی	پژوهشگر فرهنگی/دانشگاهی	
۹۳	روابط پیشاازدواج	توسعه فرهنگی	پژوهشگر فرهنگی / فعال سیاسی	
۹۴	یاس گرایی	فلسفه اجتماعی	دانشگاهی / صاحب نظر فرهنگی	
۹۵	تقسیم بندی خودی/غیر خودی	توسعه سیاسی	×	
۹۶	سیاست زدگی فرهنگ	توسعه سیاسی	دانشگاهی	
۹۷	نبود دیده بان فرهنگی	فلسفه اجتماعی	دولت مرد/دانشگاهی	
۹۸	ناسازگاری ساختاری رسمی/نا رسمی	توسعه سیاسی	×	
۹۹	کاهش گرایی ارزش فرهنگی	توسعه اقتصادی	دانشگاهی/صاحب نظر فرهنگی	
۱۰۰	شهر سازی بی هویت	هویت فرهنگی	×	
۱۰۱	جدایی دانشگاه و مردم	صنعت علم	دانشگاهی/صاحب نظر فرهنگی	
۱۰۲	نبود برنامه ریزی بهینه	توسعه سیاسی	×	

۱۰۳	انفعال فرهنگی	توسعه فرهنگی	دانشگاهی	
۱۰۴	سکولاریزم پنهان	توسعه فرهنگی	دانشگاهی/صاحبنظر فرهنگی	
۱۰۵	واردات فرهنگی فزاینده	اقتصاد فرهنگی	×	
۱۰۶	صادرات فرهنگی کاهنده	اقتصاد فرهنگی	×	
۱۰۷	گسست سیاست‌های کلان و اجرایی نظام	توسعه سیاسی	مدیریت سیاسی	
۱۰۸	نداشتن برنامه فرهنگی بلند مدت	توسعه سیاسی	کار گزار نظام/دانشگاهی	
۱۰۹	نداشتن سیاست‌های فرهنگی مدنی	توسعه سیاسی	مدیریت سیاسی	
۱۱۰	شعارگرایی زیاد	اخلاق اجتماعی	×	
۱۱۱	فعالیت فرهنگی نا سازواره	مدیریت فرهنگی	پژوهشگر فرهنگی/دانشگاهی	
۱۱۲	ضعف اخلاق پزشکی	توسعه اجتماعی	مرجع تقلید	
۱۱۳	درونی نشدن ارزشها	هویت فرهنگی	×	
۱۱۴	حلال کردن امور حرام	توسعه سیاسی	مرجع تقلید	
۱۱۵	بی انصافی	توسعه حقوقی	مرجع تقلید	
۱۱۶	عدم گره گشایی از کار مردم	توسعه حقوقی	×	
۱۱۷	ضعف روحیه عفو و گذشت	اخلاق اجتماعی	×	
۱۱۸	ضعف روحیه عذرخواهی	اخلاق اجتماعی	×	
۱۱۹	سخن چینی	اخلاق اجتماعی	×	
۱۲۰	عدم تبعیض جنسی	فرهنگ دینی	مرجع تقلید	
۱۲۱	کتاب‌های مضر	توسعه فرهنگی	مرجع تقلید	
۱۲۲	اطلاع رسانی کم	توسعه سیاسی	×	
۱۲۳	استفاده نادرست از منابع زیستی	اخلاق اجتماعی	×	
۱۲۴	کم توجهی به ایثار گری و	توسعه سیاسی	×	

			جانبازی	
۱۲۵	گسیختگی آموزش و پرورش	توسعه فرهنگی	مدیریت آموزشی	
۱۲۶	نا هم سویی و نا هماهنگی نهادهای فرهنگی و تربیتی	مدیریت فرهنگی	مدیریت سیاسی	
۱۲۷	تغییرات نظام ارزشی	مدیریت فرهنگی	مدیر فرهنگی	
۱۲۸	خطرتکنولوژی ارتباطات	هویت فرهنگی	×	
۱۲۹	کاهش علائق فکری و فرهنگی	توسعه فرهنگی	×	
۱۳۰	اظهارنظرهای غیر کارشناسی	اخلاق اجتماعی	×	
۱۳۱	توزیع ناعادلانه امکانات فرهنگی	اقتصاد فرهنگی	مدیریت اقتصادی	
۱۳۲	ناپایداری خانواده	توسعه اجتماعی	مدیریت قضایی	
۱۳۳	کودکان خیابانی	توسعه اقتصادی	×	

در خصوص محتوای جدول، بویژه آن قسمت از داده‌ها که برای جداول بعدی در حکم محورهای بحث خواهند بود، چند نکته تحلیلی قابل ذکر است.

-۱

طیف گسترده داوران فرهنگی، به لحاظ نقش‌های اجتماعی متنوع و تجربیات مدیریتی و علمی آن‌ها، نسبتاً مناسب ارزیابی می‌شود. این تنوع و تجربه توانسته است کمک سودمندی به ابراز مهمترین مسایل فرهنگ عمومی باشد. دست کم به این دلیل که داوران تجربه و شناخت نسبتاً ملموس از زیست فرهنگی جامعه و عملکرد نظام سیاسی و نهادهای فرهنگی دولتی داشته اند.

بالین وجود همان طور که ملاحظه می‌شود برخی از داوران احتمالاً به لحاظ تجربه علمی و مدیریتی بیشتر و بهینه تر در حوزه فرهنگی و فرهنگ عمومی و هم چنین طرز تفکر فرهنگی خاص خود در نام گذاری ماهیت مسایل فرهنگ عمومی که ابراز کرده اند دقت نظر بیشتری در مقایسه با سایرین داشته اند.

از سوی دیگر هم چنان توصیف کلی که برخی داوران از مساله فرهنگ عمومی ابراز کرده اند جالب توجه است. روی هم ما برای شفاف سازی داده‌ها و ضمن رعایت روح نظرابرازی داوران این داده‌ها را پس از ویرایش متعارف مرتب کرده‌ایم.

-۲-

علاوه بر طیف گسترده داوران که در بالا توضیح داده شد، نکته دیگری که در داده‌های جدول ۱ جلب نظر می‌کند، وجود برداشت‌های فرهنگی هم گرا و نقطه نظرهای فرهنگی واگرا از مهمترین مسایل فرهنگ عمومی برخوردار از الویت است.

به عبارتی اگر چه به لحاظ هم سویی مذهبی سیاسی این داوران بامعیارهای ایدئولوژیک و مطلوب جمهوری اسلامی به تشخیص مساله فرهنگی نگاه کرده اند؛ با این وجود در برخی از موارد این نوع نگاه به سمت برداشت انتقادی نیز نزدیک شده است.

از این جهت مشخص می‌شود که چرا در برخی از داده‌های جدول ما به طرزی متفاوت شاهد ابراز برخی مسایل فرهنگ عمومی از سوی داوران هستیم که نسبتاً جهت گیری فکری حاکم بر آن از جهت گیری غالب بر سایر داده‌های ابراز شده متمایز است. ازاین لحاظ به نظر می‌رسد که باید در ارزیابی نقطه نظرات این داوران چنین نکته ای را نیز مد نظر قرار داد.

-

نکته سوم راجع به وجوه متنوع تشکیل دهنده مساله فرهنگ عمومی است. از آن جا که پدیده‌های اجتماعی چند عاملی و به هم پیوسته اند و میان ساختارهای اجتماعی سیاسی اقتصادی فرهنگی نوعی رابطه چند سویه وجود دارد؛ بنابراین طبیعی است که ما شاهد پدیده و یا مساله ای نخواهیم بود که کاملاً بتوان آن را اقتصادی یا سیاسی ناب و هم چنین فرهنگی و اجتماعی محض دانست.

این امر در داده‌های جدول به صورت مسایل فرهنگی نشان داده شده اند؛ که هر کدام از زاویه ای خاص با ساختارهای اقتصادی سیاسی یا اجتماعی فرهنگی علامت گذاری می‌شوند. پس به طور خلاصه نمی‌توان از یک مساله فرهنگی ناب نام برد که کاملاً فرهنگی بوده و بی ارتباط با شالوده‌ها و ساختارهای اقتصادی سیاسی اجتماعی حقوقی باشد.

البته این به معنای حذف شئونات مقوم فرهنگی از پدیده‌ها و مسایل اجتماعی که در زندگی جمعی ما وجود دارند نیست. بلکه بیشتر باید آن را ناشی از اهمیت و زیربنایی بودن امر فرهنگی دانست که در سرتاسر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی حقوقی ریشه دوانده است.

محتوای کلیدی این سه نکته (نام گذاری لغزنده مسایل فرهنگ عمومی، طرز تفکرهای انتقادی و همدلانه داوران، چند وجهی بودن مسایل فرهنگ عمومی) با تاکید بر در جدول محوری ۲ مندرج شده است.

هم چنین در چند جدول محوری بعدی تلاش شده است تا محورها و مقوله‌های فرهنگی که نشان دهنده طیف متنوع مسایل فرهنگی مندرج در جدول ۱ هستند؛ به تفکیک چند متغیر اجتماعی فرهنگی مرتب شوند.

:

مقوله پایه/مسایل الویت دار فرهنگ عمومی	نقش اجتماعی داوری	ملاحظات تحلیلی
توسعه اجتماعی/توسعه اقتصادی/	مدیریت قضایی	×
اقتصاد فرهنگی/	مدیریت اقتصادی	×
توسعه حقوقی/توسعه اقتصادی/مصرف فرهنگی/هویت فرهنگی/روانشناسی اجتماعی/توسعه سیاسی/فرهنگ دینی/تمایز اجتماعی/عرفی شدن دینی/توسعه اجتماعی/فلسفه اجتماعی/اخلاق اجتماعی/مدیریت فرهنگی/	مدیریت سیاسی	×
فلسفه اجتماعی/توسعه حقوقی/توسعه سیاسی/توسعه اقتصادی/توسعه اجتماعی/هویت فرهنگی/اخلاق اجتماعی/مدیریت فرهنگی/توسعه فرهنگی	مدیریت فرهنگی	×
توسعه اجتماعی/هویت فرهنگی/توسعه سیاسی/توسعه حقوقی/اخلاق اجتماعی/فرهنگ دینی/توسعه فرهنگی/	مرجعیت دینی	*×
هویت فرهنگی/اقتصاد فرهنگ/عرفی شدن دینی/بحران سیاسی/اخلاق اجتماعی/فرهنگ دینی/توسعه اجتماعی/فلسفه اجتماعی/روان شناسی اجتماعی/توسعه فرهنگی/توسعه حقوقی/توسعه سیاسی/توسعه اقتصادی/اقتصاد فرهنگی/صنعت علم/مدیریت فرهنگی/	پژوهشگر دانشگاهی	×××
صنعت فرهنگی/صنعت علم/هویت فرهنگی/توسعه حقوقی/توسعه سیاسی/تمایز اجتماعی/توسعه اقتصادی/فضای مجازی/مدیریت فرهنگی/	پژوهشگر حوزوی	×××
اخلاق اجتماعی/توسعه حقوقی/فرهنگ دینی/توسعه فرهنگی/	فعال سیاسی	××××
اخلاق اجتماعی/توسعه اقتصادی/روان شناسی اجتماعی/توسعه اجتماعی/	فعال فرهنگی	××××

مقوله پایه/مسایل الویت دار فرهنگ عمومی	نقش اجتماعی داوری	ملاحظات تحلیلی
اخلاق اجتماعی/روان شناسی اجتماعی/هویت فرهنگی/توسعه سیاسی/فلسفه اجتماعی/	پژوهشگرحوزوی دانشگاهی	xxx

از داده‌های جدول ۲ به چند نکته تحلیلی رد باره محتوای برداشت از مسایل فرهنگ عمومی، که برای ترسیم جداول تحلیلی بعدی سودمند هستند، می‌رسیم .

-

برداشت از مسایل فرهنگ عمومی در نزد آن دسته از داوران که دارای سمت‌های اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی در نظام سیاسی هستند؛ با وجود تفاوت در کمیت و کیفیت دانش کاربردی و تجربیات اجرایی که دارند نسبتاً همسو است.

بر این اساس در کل از منظر مدیران نظام سیاسی که مسایل فرهنگ عمومی به نوعی با آن‌ها پیوند می‌خورد، را می‌توان شامل این موارد دانست:

۱/۱- فرهنگ عمومی

۱/۲- توسعه اقتصادی اجتماعی سیاسی

۱/۳- فرهنگ عمومی

۱/۴- فرهنگ عمومی

۱/۵- فرهنگ عمومی

۱/۶- فرهنگ عمومی

۱/۷- / فرهنگ عمومی

۱/۸- فرهنگ عمومی.

۲-

نگاه مدیران نظام سیاسی (فارغ از جنبه‌های مدیریتی آنان در سمت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قضایی و فرهنگی که لازم است در جای خود به لحاظ ماهیت اجرایی سمت و تاثیر ی که بر

دانش و تجربه درگیری با مسایل فرهنگ عمومی دارد تحلیل شود) به مقوله‌های پایه در مسایل فرهنگ عمومی بیشتر تابعی از

است .

در عوض ماهیت نگاه و برداشت آن بخش از
قضاوت کرده اند بیشتر تمایل به

- است.

براین اساس، همان گونه که از جدول ۲ برمی آید، از منظر مرجعیت دینی چند مقوله پایه در مسایل فرهنگ عمومی قابل توجه است:

۱/ - فرهنگ عمومی

۲/ - توسعه فرهنگ عمومی

۳/ - فرهنگ عمومی

- ۴/

طیف عمومی که بر مبنای منظر داوران آنان، مقوله بندی پایه ای مسایل فرهنگ عمومی انجام شده است ؛ صاحب نظران دانشگاهی و حوزوی هستند. این گروه اجتماعی بیشتر به لحاظ درگیری دانش محور و بیشتر نظری (تا اجرایی و مدیریتی) با فرهنگ عمومی سروکار دارند.

شالوده نگاه و برداشت دانشگاهی - حوزوی از مسایل فرهنگ عمومی را می‌توان ترکیبی از ۲

برداشت بالا منتهی با تاکید بر و دانست:

(نگاه مدیران نظام سیاسی) و برداشت

- (نگاه مرجعیت دینی) . براین اساس چند مقوله پایه زیر از این منظر قابل توجه است:

۳/۱- فرهنگ عمومی

۳/۲- توسعه فرهنگ عمومی

۳/۳- فرهنگ عمومی

۳/۴- فرهنگ عمومی

۳/۵- فرهنگ عمومی.

-۴

و سرانجام باید به گروه اجتماعی چهارم از داوران اشاره کرد که مقوله پایه مسایل فرهنگ عمومی

بر مبنای برداشت شناور آنان از الویت‌های این استنباط شده است. این گروه فعالان فرهنگی سیاسی

هستند که بیشتر در قالب پژوهشگر و تحلیلگر سیاسی فرهنگی با

به مسایل فرهنگ عمومی توجه کرده اند.

همان گونه که در جدول ۲ ملاحظه می شود در برخی از این داورها مایه های انتقادی بیشتر به سمت انتقاد از دولتی کردن و سیاست زدگی فرهنگ و فرهنگ عمومی است ؛ حال آن که برخی داورها حاکی از عوام زدگی بیش از اندازه فرهنگ عمومی است. این دو نگاه خود را در استنباط مقوله پایه مسایل فرهنگ عمومی تا اندازه ای نشان می دهد.

روی هم مقوله های پایه مورد توجه این گروه رامی توان به صورت زیر نشان داد:

۴/۱- فرهنگ عمومی

۴/۲- فرهنگ عمومی

۴/۳- فرهنگ عمومی

۴/۴- فرهنگ عمومی

۴/۵- فرهنگ عمومی.

در مجموع این نکات کمک می کند تا بهتر بتوانیم تصویری از برداشت های همدلانه و انتقادی داورانی که متعلق به گروه های اجتماعی مختلف هستند نسبت به مسایل الویتی فرهنگ عمومی داشته باشیم . جدول ۳ جمع بندی داده های بالا را به همراه نقاط واگرا و هم گرا در این برداشت ها به تفکیک گروه اجتماعی داوران تشخیص دهنده مسایل الویتی فرهنگ عمومی نشان می دهد.

: - ()

برداشت پایه مسائل فرهنگ عمومی	مدیر/مرجعیت دینی/دانشگاهی-حوزوی/فعال	فراوانی
فرهنگ عمومی توسعه	×	۱
توسعه فرهنگ عمومی	×	۱
روان شناسی اجتماعی فرهنگ عمومی	×	۳
اخلاق اجتماعی فرهنگ عمومی	×	۳
هویت فرهنگی فرهنگ عمومی	×	۱

۲	×	×	فلسفه اجتماعی فرهنگ عمومی		
۱		×	عرفی شدن فرهنگ عمومی		
۴	×	×	×	×	مدیریت فرهنگی فرهنگ عمومی
۱		×	توسعه دینی فرهنگ عمومی		
۱		×	توسعه فرهنگ عمومی اخلاق دینی		
۱		×	حفظ هویت دینی فرهنگ عمومی.		
۱		×	توسعه علمی فرهنگ عمومی		
۱		×	توسعه فرهنگ عمومی علم		
۱	×	توسعه فرهنگی فرهنگ عمومی			

- ۱- براساس منابع موجود، مسائل فرهنگ عمومی کشور کدامند؟
- ۲- مهمترین اولویتهای مسائل فرهنگ عمومی در نظر خبرگان چیست؟
- ۳- آیا نظر خبرگان نظری و عملی با یکدیگر تشابه دارد ؟
- ۴- آیا اولویتهای مسائل فرهنگ عمومی از نظر خبرگان فرهنگی (نظری و عملی) با یکدیگر تفاوت دارد؟

براساس آنچه در جداول اول تا سوم آمده است نتایج به دست آمده از پرسشنامه‌های نخبگان حاکی از اولویتهای زیر است.

۱. اولویت دادن منافع شخصی و جناحی بر مصالح ملی
۲. اظهارنظرهای غیرکارشناسی
۳. احساس بی‌عدالتی در توزیع امکانات مادی
۴. رواج مدرک‌گرایی
۵. عافیت‌طلبی و بی‌توجهی به وضعیت جامعه و آینده کشور
۶. سیاسی شدن امور و مسائل فرهنگی کشور
۷. توقع حل تمام مشکلات از دولت
۸. نبود نشاط و سرزندگی در جامعه
۹. شعارزدگی و پرهیز از عمل‌گرایی
۱۰. رواج دروغ‌گویی

ده گویه فوق بالاترین امتیاز اولویت را از نظر خبرگان فرهنگی کسب کرده‌اند و به عبارتی گویای مهمترین مسائل فرهنگی در کشور می‌باشند. نکته قابل توجه در مسائل فوق‌الذکر گرایش آنها به طیف نخبگان جامعه است به عبارت واضح‌تر مسائل دهگانه بیش از آنکه با طبقه عوام جامعه مرتبط باشند با نخبگان و رهبران فکری مرتبط است. به عنوان مثال گویه اولویت دادن منافع شخصی و جناحی اگر چه به عنوان یک مسئله عمومی تلقی شده است لیکن فی‌نفسه خاستگاه آن در بین مدیران، مسئولین و سیاستمداران است. این گویه از نظر خبرگان عملی نیز رتبه اول را دارد در حالی که خبرگان نظری به آن اولویت پنجم را داده‌اند. جنبه عملی و تجربی این گویه دلیل روشنی برای جهت‌گیری دو گروه خبرگان در قبال آن گویه است در حالی که دومین اولویت به گویه «اظهار نظرهای غیر کارشناسی»

اختصاص یافته است. این گویه برخلاف گویه نخست صبغه نظری دارد و به همین دلیل خبرگان نظری اولویت اول را به آن داده‌اند. منظور از این گویه غلبه ارزش‌ها و انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی بر ارزش‌های علمی در کشور است. به عبارت دیگر معیارهای علمی کمتر مورد توجه تصمیم‌گیران و سیاستگذاران قرار می‌گیرد. به تبع، فرهنگ عمومی جامعه نیز کمتر به جایگاه احترام‌آمیز علم که در گذشته وجود داشت توجه دارد و سایر ارزش‌ها جایگاه محبوب‌تری پیدا کرده‌اند. شاید بتوان این گویه را با گویه رواج مدرک‌گرایی که اولویت چهارم را کسب کرده‌است مرتبط دانست به عبارت دیگر مخدوش شدن جایگاه علم می‌تواند از یک سو معلول مدرک‌گرایی باشد و از سوی دیگر اظهارنظرهای غیر کارشناسی را به دنبال داشته باشد.

از طرف دیگر هر چه نقش علما و نخبگان حقیقی در جامعه‌ای کم رنگ‌تر باشد اظهارنظرهای غیرکارشناسی و دخالت‌های غیرعالمانه در امور بیشتر خواهد شد متأسفانه این امر گاه آنقدر فراگیر می‌شود که حتی سیاستمداران و نخبگان نیز بدون داشتن تخصص و دانش کارشناسی کافی به اظهارنظر می‌پردازند.

سومین اولویت به «احساس بی‌عدالتی در توزیع امکانات مادی» برمی‌گردد که خبرگان نظری اولویت دوم و خبرگان عملی اولویت بیست و ششم را به آن داده‌اند. علت تفاوت فاحش بین اولویت‌های دو گروه فوق در این است که مقوله «احساس بی‌عدالتی» اساساً محتاج درک نظری و حساسیت‌های محققانه است. این امر در مقولاتی مانند احساس امنیت و احساس فقر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

شاید یکی از فراگیرترین مسائل فرهنگ عمومی در کشور احساس تبعیض و بی‌عدالتی در توزیع امکانات باشد که اختلاف طبقاتی موجود در جامعه نیز به آن احساس دامن می‌زند.

پنجمین اولویت به «عافیت‌طلبی و بی‌توجهی به وضعیت جامعه و آینده کشور» اختصاص یافته است این گویه در نظر خبرگان نظری اولویت دوازدهم و خبرگان عملی اولویت هشتم را کسب کرده است. چنانکه ملاحظه می‌شود هر دو گروه خبرگان امتیاز نزدیکی به این گویه داده‌اند.

ششمین اولویت به گویه «سیاسی شدن امور و مسائل فرهنگی کشور» تعلق یافته است. این گویه در نظر خبرگان نظری رتبه چهل و ششم را گرفته است. در حالیکه خبرگان عملی به آن رتبه دوم را داده‌اند. به نظر می‌رسد این گویه همچون گویه قبل منبعث از تجارب عملی و اجرایی باشد که خبرگان عملی آن را به دلیل نوع تعاملاتشان در عرصه فرهنگ بیشتر لمس می‌کنند. مسئله سیاست‌زدگی در دیگر عرصه‌ها نظر اقتصاد نیز محسوس است لیکن در عرصه فرهنگ به دلیل نزدیکی این بخش به حوزه سیاسی و تمایلاتی که سیاستمداران برای نزدیکی به فرهنگ و اظهارنظرهای فرهنگی دارند بیش از دیگر بخش‌ها تحت تاثیر نگرش‌های سیاسی و تحولات ناشی از رفت و آمدهای سیاسی قرار می‌گیرد.

هفتمین اولویتی که تحقیق حاضر به آن دست یافته است به «توقع حل تمام مشکلات از دولت» تعلق یافته است. این مسئله با توجه به جهت‌گیری‌های کلی نظام جهت خصوصی‌سازی و واگذاری‌های تصدی‌ها به بخش خصوصی ممکن است به آسیب و چالشی بدل شود به هر حال قریب به ۶۰ سال برنامه‌ریزی متمرکز دولت در تمام بخش‌ها ذهنیت دولت محوری را به وجود آورد تا آنجا که دولت به اولین مقصر در تمام مشکلات فردی و اجتماعی است. این گویه در نظر خبرگان نظری رتبه سوم و در نظر خبرگان علمی رتبه چهل و یکم را اخذ کرده است. احتمال می‌رود خبرگان عملی به دلیل فرهنگ حاکم بر بخش فرهنگ که مبتنی بر دولت محوری است و ارتزاق این بخش از بودجه‌های دولتی توجهی به این مسئله پیدا نکرده باشند لیکن در مقابل خبرگان نظری عنایت بیشتری به این امر به عنوان یک مسئله فرهنگ عمومی داشته‌اند.

هشتمین اولویت به عدم نشاط و سرزندگی در جامعه اشاره دارد که با رها مورد تاکید روانشناسان اجتماعی قرار گرفته است. در اولویت های نهم و دهم به ترتیب شعارزدگی و پرهیز از عمل گرایی و رواج دروغ گویی آمده است

براساس تحلیل عاملی مشخص شد که نظرات ارائه شده از سوی خبرگان در دوگروه نظری و عملی مسائل فرهنگ عمومی را براساس خاستگاه و عوامل زمینه ساز فرهنگی در خوشه های هفت گانه دسته بندی کرده است. به عبارت دیگر توجه به این خاستگاهها در ذهنیت پاسخ دهندگان بطور ناخودآگاه مورد توجه بوده است.

(	)
- منسوخ شدن سنت های کهن در معاشرتهای اجتماعی	- خودباختگی در برابر تهاجم فرهنگی
- بی ثباتی در تصمیم گیری برای انتخاب شغل، همسر و...	- استفاده از الگوی غذایی نامناسب
- ضعف یا فقدان اندیشه علمی در اظهار نظرهای عموم مردم	- رواج معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج
- افراط و تفریط در مادیگرایی یا معنویت گرایی	- فقدان منطق تولی و تبری (دوستت را دوست بدار و از دشمن دوری کن)
- رواج غیبت	- بی توجهی به حلال و حرام
- رعایت نکردن انصاف در روابط و تعاملات	- رواج سخن چینی
- تمایل به ماجراجویی و بی نظمی در مراسم و برنامه های جمعی	- آشفتگی در سبک لباس و پوشش
- استفاده نادرست از بازی های رایانه ای و ویدئویی	- بی توجهی به ارزش های دفاع مقدس
- تغییر و جابجایی نظام ارزشی	- سخت گیری گذشت نداشتن در روابط اجتماعی و مردمی
- رواج مدرک گرایی	- ناپایداری خانواده
- عافیت طلبی و بی توجهی به وضعیت جامعه و آینده کشور	- ضعف روحیه عفو و گذشت و عذرخواهی
- خدشه وارد شدن به محکمت دین	- بی توجهی و اهتمام نکردن مردم به گره گشایی و رفع گرفتاری های یکدیگر
- غلبه ارزشهای مادی بر ارزشهای معنوی	- درونی نشدن ارزش ها
	- بالارفتن انتظارات و توقعات
	- داشتن روحیه فردگرایی به جای روحیه جمع گرایی
	- بی علاقه بودن به کتاب و کتابخوانی

(	)
- بسنده کردن به مناسک اجتماعی دین به	- رواج خرافه‌گرایی و خرافه‌پرستی
- جای نقش الهامبخش دین در اخلاقیات و	- ضعف احساس غرور و حمیت ملی
هنجارها	- پذیرش خشونت به عنوان راه حل مسائل
- پایین بودن حس همکاری و مشارکت در	- به فراموشی سپرده شدن اصول اخلاق
بین مردم	اسلامی
- اولویت دادن منافع شخصی و جناحی بر	- قانون‌گریزی و بی‌توجهی به قوانین
مصالح ملی	- بی‌تفاوتی جمعی نسبت به هنجارشکنی

(	)
- توقع حل همه مشکلات از دولت	- رواج فرهنگ واسطه (توصیه، سفارش،
- چنگ یازیدن به شرع برای فرار از قانون و	پارتی‌بازی و...) در جامعه
بالعکس	- رواج رشوه گرفتن و رشوه دادن
	- فقدان همبستگی فرهنگی بین طبقات جامعه

(	)
- تقید افراطی به نظر دیگران (ما برای	- صرفه جویی نکردن
دیگران زندگی می‌کنیم)	- تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی
- پایین بودن وجدان کاری	- نداشتن استقلال فرهنگی در برآوردن
- استقبال از واردات فرهنگی	نیازها
	- بی‌توجهی به جانبازان و ایثارگران

(	)
- منجی طلبی افراطی	- نبود نشاط و سرزندگی در جامعه
- سیطره ناامیدی و یاس بر جامعه	- رواج افسردگی و انفعال‌گرایی
	- بی‌اعتمادی مردم به حاکمیت و دولت

- فسادپذیر بودن و دعوت به سکوت (آقا بی‌خیال، دلش کن، همه جا همین‌ه و...)

- رواج چاپلوسی - رواج دروغ‌گویی

- احساس بی‌عدالتی در توزیع امکانات مادی - احساس محرومیت

اولویت‌بندی مسائل فرهنگ عمومی از دو گروه خبرگان نظری و عملی مورد پرسش قرار گرفت. مهمترین دلیل این تقسیم‌بندی، بررسی نگرش‌های حاکم بر اساس دسته‌بندی فوق بود. در حقیقت دو گانه نظری و عملی منبعث از دو تیپ متفاوت در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگ است. عرصه فرهنگ عمومی همواره شاهد دو نگرش متفاوت به مسائل و نظریات مربوط به خود بوده است. از یکسو دانشگاهیان، پژوهشگران و نظریه‌پردازان فرهنگ با تکیه بر تئوری‌ها و دیدگاه‌هایی که معمولاً ریشه در نظریه‌های آکادمیک دارد به نقد و بررسی و اظهارنظر در مسائل مربوط به فرهنگ و فرهنگ عمومی می‌پردازند. این گروه به دلیل پشتوانه دانشگاهی و مشروعیت آکادمیک و نیز امکانات رسانه‌ای تاثیر بیشتری در گفتمان فرهنگ عمومی به لحاظ رسمی داشته است. چنانکه در سیاستگذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌های کلان از این افراد دعوت می‌شود تا به طرح نظراتشان بپردازند همچنین تحقیقات دانشگاهی و پژوهش‌های دستگاه‌های اجرایی متأثر از محورهای است که این گروه تعیین می‌کنند لذا خبرگان نظری نقش موثرتری در تنظیم گفتمان فرهنگ عمومی در کشور داشته‌اند. در مقابل این گروه خبرگان عمل قرار دارند که علیرغم تاثیرات عملی و اجرایی در فرهنگ عمومی که به وسیله طراحی و تنظیم برنامه‌های فرهنگی به اجرا درمی‌آید کمتر راهی به محاربی رسمی تصمیم‌گیری فرهنگ عمومی پیدا می‌کنند. این گروه که شامل روزنامه‌نگاران، کارگردانان سینما، تهیه‌کنندگان تلویزیون، مدیران خبری و هنرمندان می‌باشد به اجرا سیاست‌ها می‌پردازند.

عدم ارتباط مستقیم و انطباق دغدغه‌های دو گروه فوق به یکی از چالش‌های پر دامنه و کهنه در عرصه سیاستگذاری فرهنگ بدل شده است. بسیاری از فعالان عملی، دانشگاهیان را غیرواقع‌گرا و فرورفته در پندارهای نظری خویش می‌دانند که کمترین شناختی از عرصه عمل ندارند. در مقابل نیز خبرگان نظری، این افراد را غیرخلاق، و ناآشنا با مبانی عملی کار می‌دانند که فرهنگ عمومی را ندانسته به انحراف می‌کشند. کمتر کسی این مجازات را بی‌اطلاع است و از سوی دیگر هیچگاه داوری دقیقی درباره صحت مدعای طرفین صورت نگرفته است.

این تحقیق از طرف دیگر می‌تواند مبین این امر باشد که هر یک از گروه‌های فوق در چه گویه‌هایی اشتراک و افتراق نظر دارند. همچنین جدال دیرپای دو گروه یاد شده در اولویت‌بندی مسائل فرهنگ عمومی مورد توجه قرار گرفته و به اخذ نگرش‌های طرفین با توجه به نقش هر یک در ساختمان فرهنگ عمومی پرداخت.

مرور اولویت‌های تعیین شده در هر گروه نتایجی را منعکس می‌کنند که در برخی موارد نزدیک و مثابه در برخی نیز تفاوت‌های فاحشی پیدا می‌کنند.

رتبه اولویت از نظر خبرگان عملی	اولویت‌های یکم تا دهم خبرگان نظری
	۱. احساس بی‌عدالتی در توزیع امکانات مادی ۲. توقع حل تمام مشکلات از دولت ۳. قانون‌گریزی و بی‌توجهی به قوانین ۴. اولویت‌دادن منافع شخصی و جناحی بر مصالح ملی ۵. رواج فرهنگ واسطه ۶. اظهارنظرهای غیرکارشناسی ۷. پایین بودن وجدان کاری ۸. رواج دروغ‌گویی ۹. رواج مدرک‌گرایی ۱۰. عافیت‌طلبی و بی‌توجهی به وضعیت جامعه و آینده کشور

رتبه اولویت از نظر خبرگان نظری	اولویت‌های یکم تا دهم خبرگان عملی
۵	۱. اولویت‌دادن منافع شخصی و جناحی بر مصالح ملی ۲. اظهارنظرهای غیرکارشناسی ۳. بی‌توجهی به حلال و حرام در جامعه ۴. رواج مدرک‌گرایی ۵. عافیت‌طلبی و بی‌توجهی به وضعیت جامعه و آینده کشور ۶. رواج چاپلوسی ۷. بی‌توجهی و عدم اهتمام مردم به حل مشکلات ۸. سیطره ناامیدی و یأس بر جامعه ۹. نبود نشاط و سرزندگی در جامعه ۱۰. تخریب و تهمت در نظام اداری

هر پژوهشی به اقتضاء شرایط و امکانات به ناگزیر متأثر از محدودیتهایی است که نتایج به دست آمده را بایستی با رعایت آن محدودیتها مورد توجه قرار داد این تحقیق نیز از این قاعده مستثنی نبود و اگر چه تلاش شد تا تاثیر این محدودیتها به حداقل برسد لیکن بخشی از آنها از اختیار پژوهشگر خارج است و چاره ای جز پذیرش آنها نیست.

:

بهتر بود این تحقیق در بین تعداد بیشتری از خبرگان انجام می شد لیکن مشکلاتی چون عدم دسترسی، تاخیر در ارائه پاسخها مانع از این امر شد تا آنجا که علیرغم ارسال پرسشنامه ها برای قریب به دو برابر جامعه نمونه پاسخهای موجود گرد آوری شده است. نکته دیگر آنکه به دلیل محدودیتهای مکانی این پژوهش در سطح شهر تهران انجام شد در حالیکه اگر امکان اخذ نظرات خبرگان دیگر مناطق کشور افزوده می شد چه بسا نتایج متقن تری به دست می آمد

:

بنا به نظر کارفرمای محترم این تحقیق می بایست با حداقل زمان و حداکثر کیفیت به اجرا در می آمد به همین دلیل روش موجود پس از آزمون اولیه انتخاب شد. در حالیکه چنانچه در فرصت بیشتری با استفاده از تکنیک مصاحبه عمقی به سراغ خبرگان می رفتیم نتایج عمیق تری به دست می آمد

:

تکنیک و روش تحقیق ایجاب می کرد که همه خبرگان علیرغم تفاوتهای علمی و تجربی از وزن یکسانی برخوردار شوند. در حالیکه چنانکه ملاحظه می شود در هرگروه نظری و عملی افراد متعددی با تجارب و سوابق متفاوت قرار دارند. توصیه ما برای پژوهشهای مشابه آینده تلاش در جهت تهیه روشی متکی با ضرایب متفاوت برای پاسخگویان است که در این پژوهش به دلایلی امکان استفاده از آن فراهم نشد.

:

در این نوع تحقیقات عواملی مانند رویکرد های سیاسی وابستگی های صنفی و سازمانی بطور ناگزیری در پاسخهای داده شده تاثیر می گذارند. این تحقیق نیز علیرغم گستردگی دامنه گویه ها و امتیازدهی به آنها و نیز بسته بودن پرسشنامه خواه ناخواه این عوامل در یافته ها اثر گذار بوده اند. با توجه به محدودیتهای فوق و نتایج به دست آمده نکات زیر در جهت بهره برداری هر چه بهتر نتایج در سیاستهای فرهنگی پیشنهاد می شود:

:

- ۱- هریک از اولویتهای ۱ تا ۲۰ در دو گروه به روش تحلیل ثانویه مورد پژوهش عمیق قرار گیرد تا علل و عوامل و جامعه هدف مشخص شود.
- ۲- منابع موجود فرهنگی گویای آمادگی عرصه فرهنگ برای استخراج پارادایم و نظریات بومی فرهنگی بطور عام و فرهنگ عمومی بطور خاص است پیشنهاد می شد این منابع با تکیه به روش تحلیل گفتمان مورد تحقیق قرار گیرند تا امهات نظریه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که بی تردید حاوی ابداعات و نوآوریهای جالب توجهی خواهد بود آشکار شود
- ۳- فرهنگ عمومی عرصه ای فرابخشی است لذا در سیاستهای مربوط به آن بایستی از دستگاههای موجود به اقتضاء ماموریتها و وظایفشان بهره برد لذا تدوین نظام برنامه ریزی فرهنگ عمومی ضرورتی است که برای نیل به اهداف احساس می شود.

-

- محوریت دادن به نوعی تیپولوژی جامع تر و واقعی تر از مسایل فرهنگ عمومی در قالب : / / / فرهنگ عمومی که منجر به شکل گیری مساله بحرانی می شوند تاکید کرد.

به عنوان نمونه مذمومی مانند غیبت / حسد/ بخل و مانند ان تبیین روان شناسی برنمی دارند؛ این ها بیشتر ناشی از تعاملات بینافردی هستند که البته از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوتند. مثلا در فرهنگ عمومی غربی کنش گران به دلیل صراحت رفتاری کمتر به غیبت می پردازند؛ اما در فرهنگ عمومی ایران که کنش گران بیشتر در کنش رویاروی به مدح هم می پردازند امکان صراحت کمتر است و لذا احتمال غیبت و پرده پوشی بیشتر است. در مورد نیز به نظر می رسد برخی از مسایل فرهنگ عمومی در میان گروههای اجتماعی خاص از واریانس برخوردار است: زنان عمدتا در گیر مسایل تجسس شخصی اند، تجمل گرایی در آنان بیشتر است، و یا در جوانان اعم از مذکر یا مونث نوعی ارزش گرایی مادی و لذت طلبی وجود دارد که بیشتر ناشی از خصایص نسلی آنان است، آنان بیشتر نزدیک نگر و کمتر دورنگر هستند، میان سالان نیز ویژگی های خاص خود را دارند، بیشتر محافظه کار و کمتر رادیکال هستند. گروه اجتماعی فرهیخته و تحصیل کرده دانشگاهی احتمالا تمایلات بیشتری به سمت و سوی عرفی گرایی دارند.

در مورد فرهنگ عمومی بهترین ممثل بروکراسی است. پایین بودن وجدان کاری ، مدرک گرایی افراطی و مانند آن بیشتر سازمان مدار هستند تا گروه مدار. و بالاخره باید به فرهنگ عمومی اشاره کرد که میانگین توزیع نرمال کلیت جامعه ایرانی است. در این باره اکثر گویه های تحقیق می توانند در این دایره قرار گیرند.

- محوریت دادن به استفاده از روش های ترکیبی برای بررسی چندجانبه مسایل فرهنگ عمومی از طریق:

$$\frac{I}{I} \cdot \frac{I}{I}$$

- مبنا قراردادن یک دوره بندی های جامعه شناسی تاریخی (خرد/ میان/ کلان مدت) برای تحلیل و تبیین تحولات مسایل فرهنگ عمومی با استفاده از به همراه محوریت دادن به یک

$$\begin{aligned} & \text{به صورت :} \quad I(\quad - \quad) \\ & I(\quad - \quad) \\ & I(\quad - \quad) \end{aligned}$$

-۲

- توجه کردن جدی به جهت گیریهای و تاثیرات و کارکردهای رسانه ای روزافزون ان (: موبایل/ بلوتوث/ چت/ اینترنت / وبلاگ / بازی های رایانه ای) در کنار فرهنگ عمومی و فرهنگ حاکمیت مدار برای اجتناب از انتزاع اندیشی در مهندسی فرهنگی .

- توجه کردن جدی و علمی به تاثیرات اجتناب ناپذیر (تولید و مصرف کالاهای کمی و کیفی فرهنگ وارداتی) به منظور اتخاذ تدابیر سیاسی لازم در مسیر تقویت بعد

- اتخاذ تدابیر رسانه ای لازم برای تقویت کانال های ارتباطی جدید میان شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای فرهنگ عمومی با (و رسانه های مورد توجه افکار عمومی) ر خصوص

بسمه تعالی

خلاصه گزارش:

((گردآوری و اولویت بندی مسائل فرهنگ عمومی براساس نظر خبرگان فرهنگی))

ایده اولویت بندی مسائل فرهنگ عمومی در کشور در دیماه ۱۳۸۶ از سوی مرکز مهندسی فرهنگی در دبیرخانه شورایعالی انقلاب فرهنگی مطرح شد. از آنجا که مرکز مهندسی فرهنگی در سرآغاز برنامه ریزی‌ها می‌بایست فهرستی از اهم مسائل فرهنگ عمومی را در کشور در اختیار می‌داشت. تحقیقی با هدف گردآوری و اولویت بندی این مسائل در دستور کار قرار گرفت.

:

۱- براساس منابع موجود، مسائل فرهنگ عمومی کشور کدامند؟

۲- مهمترین اولویتهای مسائل فرهنگ عمومی در نظر خبرگان چیست؟

۳- آیا نظر خبرگان نظری و عملی با یکدیگر تشابه دارد؟

۴- آیا اولویتهای مسائل فرهنگ عمومی از نظر خبرگان فرهنگی (نظری و عملی) با یکدیگر

تفاوت دارد؟

هدف از اولویت بندی مسائل فرهنگ عمومی، تهیه نقشه عمل برای سیاستگذاری و برنامه ریزی در این مرکز بود. به عبارت دیگر اولویتهای مسائل فرهنگ عمومی سیاستهای آنی مرکز مهندسی فرهنگی در جهت رفع یا دفع آن مسائل تعیین می‌کند.

پیرو طرح مساله با عنایت به ضرورت تسریع در انجام این پژوهش و تاکید بر استفاده

حداکثری از منابع علمی و پژوهشی موجود اجراء این تحقیق در گستره شهر تهران آغاز شد.

نظر به برداشتهای متعدد و بعضاً ضد و نقیض از مفهوم فرهنگ عمومی و از سویی ضرورت تبیین مفهومی موضوع، مهمترین چالش نظری در این مسیر ارائه چارچوب نظری با تاکید بر معیارهای بومی فرهنگ عمومی بود. این امر با توجه به سایه سنگین ادبیات غیر بومی بر این حوزه مستلزم مطالعه سیاستهای فرهنگی کشور و عنایت به دیدگاههای بومی در تهیه این چارچوبه بود.

در این بخش تلاش شد تا مفاهیم مشابه و مرتبط با فرهنگ عمومی همچون فرهنگ روزمره و فرهنگ مردم مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت با تکیه بر گفتمان فرهنگ عمومی که در سیاستهای فرهنگی تعیین شده است به تعریف فرهنگ عمومی دست یابیم.

منظور از فرهنگ عمومی^{۳۲} آن بخش از فرهنگ هر جامعه‌ای است که حضور آن در زندگی روزمره کاملاً احساس می‌شود. در این تعبیر، فرهنگ عمومی عبارت از باورها، ارزش‌ها، نمادها و کردارهای فرهنگی است که در زندگی عموم مردم جاری و ساری است. این برداشت از فرهنگ عمومی ما را ناگزیر می‌سازد که میان فرهنگ عمومی و سایر مفاهیم مرتبط و نزدیک تمایز قائل شویم

با توجه به ویژگیهای فرهنگ عمومی که در این بخش آورده شد به نظر می‌رسد تعریف مورد نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی توانسته است ابعاد و زوایای فرهنگ عمومی را تحت پوشش قرار دهد:

«فرهنگ عمومی منعکس کننده گسترده ترین و فراگیرترین باورها، نگرش‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها، الگوها و عادات رفتاری در یک جامعه محسوب می‌شود و همه مردم در زندگی فردی و اجتماعی آنها را بکار می‌گیرند و اعتقادات و اخلاق و ملکات و روش‌های زندگی مردم را متجلی می‌سازند. بر همین اساس تحولات و فرآیندهای فرهنگی وقتی در بالاترین مقیاس خود روی می‌دهند که به حوزه فرهنگ عمومی راه پیدا کنند. پس می‌توان فهمید که اهداف و

ماموریت‌های انقلاب فرهنگی که به ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی معطوف بوده اند بدون محقق شدن در سطح فرهنگ عمومی در واقع به سر منزل مقصود نائل نمی آیند. به عبارت دیگر سیاست‌های فرهنگی برخاسته از مقاصد انقلاب و برنامه‌ها و اقدامات ناشی از این سیاست‌ها تنها هنگامی اثر بخش مطلوب می‌رسند که فرهنگ عمومی جامعه از آن‌ها مشروب شود

رویکرد فوق می تواند نسبت میان فرهنگ عمومی و مفاهیم مشابه مانند فرهنگ عامه پسند و فرهنگ مردم و میراث فرهنگی روشن سازد.

مهمترین وجه فرهنگ عمومی در این تعریف پایداری آن به ارزشها، اعتقادات و ملکات است در واقع فرهنگ عمومی برخلاف اشکال دیگر فرهنگ برخاسته از معرفت بنیادینی است که جامعه را می سازد. در حالیکه انواع دیگر فرهنگ محصول جریانهای سطحی نظیر رسانه ها دارند که به اقتضاء شرایط سیاسی یا اقتصادی به ترویج یا ممانعت از یک فرهنگ می پردازند. همین نکته مبین نقش خبرگان و نخبگان در فرهنگ عمومی است. این قشر با تکیه بر ارزشهای اجتماعی و اصول معرفت اجتماعی به اجراء فرهنگ عمومی در رفتارهای اجتماعی شان می پردازند. در مقابل انواع دیگر فرهنگ عمدتاً از طرف اقشاری اعمال می شود که در برابر نخبگان در معنای متعارف آن قرار می گیرند.

یکی از مفاهیم حائز اهمیت در این تحقیق «مسئله» است که بایستی در تعیین چارچوبه تحقیق مورد توجه قرار گیرد. که در این تحقیق مورد توجه قرار گرفت.

از آنجاکه مساله در کنار مفاهیم مشابهی چون آسیب، آنومی و چالش موجب برخی ابهامها و کاهش دقت در سیاستگذاریهای فرهنگی می‌شود. در دانش سیاستگذاری مجموعه ای از شاخصها برای این مفهوم در نظر گرفته شده است .

با توجه به تعاریف «مساله» و «عمومی» می‌توان مساله عمومی را اینگونه تعریف کرد که؛ «در پدیده‌های اجتماعی میان آنچه باید باشد و آنچه هست اختلاف وجود دارد، فردی یا افرادی

از جامعه آنرا احساس کرده و نسبت به منافی که از این پدیده در شرایط فعلی برای جمعی از مردم وجود دارد، ناراضی بوده، و در جهت تغییر آن و یافتن راه‌حل‌های مناسب برای مطلوب نمودن وضعیت، در دستگاه‌های رسمی حکومتی، اقدام می‌کنند.»

از آنجا که این تحقیق مشتمل بر دو بخش ۱. گردآوری، ۲. اولویت‌بندی مسائل فرهنگ عمومی است به نظر می‌رسد بایستی از دو روش اسنادی و پیمایشی مورد استفاده قرار گرفتند در بخش نخست با عنایت به لزوم گردآوری لیستی از مسائل فرهنگ عمومی در دوره ده ساله ۷۶ تا ۸۶ مقرر گردید پس از شناسایی دستگاه‌ها و نهادهای ذیربط به کتابخانه‌ها و وب‌گاه‌های وابسته مراجعه و مسائل فرهنگ عمومی از نظر ایشان گردآوری شود.

پس از این مرحله لیستی حاوی ۲۸۰ گویه از مصادیق مسائل فرهنگ عمومی در کشور تهیه شد. در حقیقت این گویه‌ها برگرفته از پژوهش‌ها، سخنرانی‌ها، مقالات و آثاری بود که اشخاص مرتبط با فرهنگ عمومی نظیر دستگاه‌ها، پژوهشگران و مراجع به آنها به عنوان مساله و فرهنگ عمومی اشاره کرده بودند. گویه‌ها از نظر مفهومی و رفع تکرارها و مشابهت‌ها می‌بایست مورد بررسی و داوری مجدد قرار می‌گرفت. پنج نفر از داوران به بررسی و ارزیابی آنها پرداختند. پس از غربال‌گری و بررسی اولیه این لیست به ۱۴۰ گویه و در نهایت ۱۱۱ گویه تقلیل پیدا کرد.

این گویه‌ها پس از گردآوری و داوری می‌بایست مورد اولویت‌بندی و امتیازدهی قرار می‌گرفتند. این امر می‌توانست به روش‌های گوناگون انجام شود. لیکن ضرورت تسریع در ارائه گزارش نهایی باعث شد تکنیک ارسال پرسشنامه به ۶۰ نفر از خبرگان فرهنگی در دو گروه نظری و عملی را به عنوان مناسب‌ترین روش پیش رو قرار داد.

از آنجا که هدف از این پژوهش، بهره‌برداری در سیاست‌گذاری‌های فرهنگ عمومی است، ضروریست مبنای انتخاب خبرگان فرهنگی از منطقی سیاستی پیروی کند لذا به نظر می‌رسد از جمله تاثیر گذارترین گروه‌ها در حوزه فرهنگ عمومی، خبرگان نظری و عملی باشند که از یکسو

با عرضه و تولید معرفت پایه و از سوی دیگر با عمل فرهنگی خود به عنوان یک حرفه فرهنگ عمومی را تحت تاثیر قرار می دهند.

شاید بتوان ادعا کرد که بیشترین مناقشات مربوط به سیاستگذاری فرهنگ عمومی نیز برخاسته از دو گروه یاد شده باشند چرا که هر یک از این گروهها به اقتضاء مبانی معرفتی مختص به خود، برداشتها و رویکرد های متفاوتی تولید می کند . معمولاً تعارضات ناشی از این برداشتها نیز در فرایند سیاستگذاری فرهنگی مشهود است.

محققین و نظریه پردازان دانشگاهی معتقدند عمل دست اندر کاران اجرایی غیر علمی و فاقد پشتوانه نظری است و در مقابل دست اندر کاران اجرایی نیز دانشگاهیان را غیر واقع گرا و اسیر برداشتهای نظری می دانند که هیچ گاهی از کار باز نمی کند.

با این توصیف در اولویت دهی مسائل فرهنگ عمومی دو گروه یاد شده مورد پرسش قرار گرفتند تا بتوان نقطه منازعه در سیاستگذاری و برداشتهای موثر را در حوزه فرهنگ عمومی شناسایی کرد.

در نهایت پس از دو نوبت اجرای پیش آزمون، پرسشنامه به لحاظ روشی ارزیابی و تنظیم شد و پرسشگران برای گرد آوری پاسخهای خبرگان به پرسشنامه اعزام شدند لیکن بنا بر برخی مشکلات از جمله عدم دسترسی و عدم ارائه به موقع پاسخها تعداد ۶۰ نفر در دو گروه نظری و عملی به ارائه پاسخهایشان پرداختند.

پس از گرد آوری نتایج مجدداً گروهی از داوران متشکل از ده نفر از اعضاء هیات علمی دانشگاه و کارشناسان شورای عالی انقلاب فرهنگی به بررسی مجدد اولویت بندی پرداخته و تعداد گویه ها را به ۷۸ گویه تقلیل دادند.

اولویت دادن منافع شخصی و جناحی بر مصالح ملی	۱
اظهار نظرهای غیرکارشناسی	۲
احساس بی عدالتی در توزیع امکانات مادی	۳

۴	رواج مدرک‌گرایی
۵	عافیت‌طلبی و بی‌توجهی به وضعیت جامعه و آینده کشور
۶	توقع حل تمام مشکلات از دولت
۷	نبود نشاط و سرزندگی در جامعه
۸	شعارزدگی و پرهیز از عمل‌گرایی
۹	رواج دروغ‌گویی
۱۰	رواج غیبت
۱۱	بی‌توجهی به حلال و حرام در جامعه
۱۲	رواج فرهنگ واسطه (توصیه، سفارش، پارتی‌بازی و...)
۱۳	بسندگی کردن به مناسک اجتماعی دین به جای نقش الهام‌بخش دین در اخلاقیات
۱۴	رواج چاپلوسی
۱۵	بی‌توجهی و عدم اهتمام مردم به حل مشکلات یکدیگر
۱۶	سیطره ناامیدی و یأس بر جامعه
۱۷	رواج افسردگی و انفعال‌گرایی
۱۸	رواج رشوه دادن و رشوه گرفتن
۱۹	رنگ باختن حق در برابر شخصیت‌ها
۲۰	دورنی نشدن ارزش‌ها
۲۱	پایین بودن وجدان کاری
۲۲	سیاسی دانستن همه امور
۲۳	ضعف در عمل به شعائر دینی و شعارزدگی
۲۴	غلبه ارزش‌های مادی بر ارزش‌های معنوی
۲۵	استفاده نادرست از بازی‌های رایانه‌ای و ویدئویی
۲۶	انجام گرفتن امور از مجاری غیرقانونی
۲۷	رواج برداشت‌های نادرست از دین
۲۸	تخریب و تهمت در نظام اداری
۲۹	احساس محرومیت
۳۰	به فراموشی سپردن اصول اخلاقی
۳۱	تجمل‌گرایی

داشتن روحیه فردگرایی به جای جمع‌گرایی	۳۲
تغییر و جابجایی نظام ارزشی	۳۳
بی‌تفاوتی جمعی نسبت به هنجارشکنی	۳۴
چنگ یازیدن به شرع برای فرار از قانون	۳۵
بالارفتن انتظارات و توقعات	۳۶
رواج معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج	۳۷
عدم رعایت انصاف در روابط و تعاملات	۳۸
بی‌علاقه بودن به کتاب و کتابخوانی	۳۹
کاهش علایق در جهت تلاش فکری و فرهنگی	۴۰
سوءظن به مردم و نیل به تجسس در زندگی آنها	۴۱
پایین بودن حس همکاری و مشارکت در بین مردم	۴۲
استقبال از واردات فرهنگی	۴۳
آشناقتی در سبک لباس و پوشش	۴۴
پذیرش خشونت به عنوان راه حل مسائل	۴۵
بی‌توجهی به رعایت بهداشت و نظافت شهر و اماکن عمومی	۴۶
فقدان منطق تولا و تبری	۴۷
شکاف فرهنگی بین شهر و روستا	۴۸
خدشه وارد شدن به محکمت دین	۴۹
استفاده از الگوی غذایی نامناسب	۵۰
افراط و تفریط در مادیگرایی یا معنویت‌گرایی	۵۱
ناپایداری خانواده	۵۲
منجرطلبی افراطی	۵۳
خود باختگی در برابر تهاجم فرهنگی	۵۴
رواج خرافه گرایی و خرافه‌پرستی	۵۵
ضعف روحیه گذشت و عفو و عذرخواهی	۵۶
منسوخ شدن سنت‌های کهن در معاشرت‌های اجتماعی	۵۷
بی‌اعتمادی مردم به حاکمیت و دولت	۵۸
بی‌توجهی به ارزش‌های دفاع مقدس	۵۹

۶۰	توقع مردم نسبت به برخورد با منکرات از سوی حکومت
۶۱	تقید افراطی به نظر دیگران
۶۲	سخت‌گیری در گذشت کردن در روابط اجتماعی
۶۳	ضعف و فقدان اندیشه علمی در اظهارنظرهای عموم مردم
۶۴	قانون‌گریزی و بی‌توجهی به قوانین
۶۵	فقدان همبستگی فرهنگی بین طبقات جامعه
۶۶	رواج سخن‌چینی
۶۷	بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری برای انتخاب شغل و همسر
۶۸	شیوع سکولاریزم پنهان در جامعه
۶۹	کم‌توجهی به شخصیت و منزلت اجتماعی زنان
۷۰	مقام دوستی افراطی
۷۱	احساس غرور و حمیت ملی
۷۲	تمایل به ماجراجویی و بی‌نظمی در مراسم
۷۳	تبعیض جنسی
۷۴	نداشتن استقلال فرهنگی
۷۵	بی‌توجهی به جانبازان و ایثارگران
۷۶	عدم صرفه‌جویی
۷۷	عدم انتقال ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر
۷۸	فسادپذیر بودن و دعوت به سکوت

این تحقیق همچنین در بردارنده نتایج دیگری از جمله طبقه‌بندی مسائل فرهنگ عمومی، نقاط

تشابه و افتراق و همچنین تحلیل‌هایی بین دو گروه از خبرگان و همچنین تحلیل‌هایی بر اساس

مرجع‌های مساله فرهنگ عمومی می‌باشد که در متن اصلی به آن اشاره شده است.

لیست گویه ها پس از ویرایش اولیه

-عدم علاقه مردم به کتاب و کتابخوانی

۲- علم زدگی و مدرک گرایی

۳-استفاده از محصولات فرهنگی (شوفا و موسیقی غیر مجاز و ...) در بین مردم بویژه نوجوانان و

جوانان

۴- حرمت شکنی علم در کشور

۵- قانون گریزی و عدم رعایت قوانین (همه مستقل عمل می کنند)

۶- دولتی شدن زیاده از حد شدن فرهنگ (دخالت افراطی دولت در امور فرهنگی مردم)

۷- تجمل گرایی و مصرف گرایی

۸- پایین بودن وجدان کاری

۹- sms بازی

۱۰- عدم مدیریت صحیح اوقات فراغت

۱۱- بحران در افتخار به هویت

۱۲- بحران زبان فارسی

۱۳- فقر تولید فرهنگی

۱۴- رواج دین مناسکی در جامعه در مقابل عدم رواج دین در هنجارها و اخلاقیات (دین فردی و نه

دین اجتماعی)

۱۵- دروغ گویی؛

۱۶- بی اعتمادی مردم به حاکمیت و دولت

۱۷- حرف زیاد زدن به جای عملگرایی

۱۸- پایین بودن حس همکاری و مشارکت در بین مردم

۱۹- تعابیر نادرست از دین

۲۰- نهادینه شدن ریاکاری و تقلب و دورویی

۲۱-وجود فرهنگ دریوزگی (رشوه

۲۲-یاس و ناامیدی

- ۲۳- افسردگی و انفعال گرایی
- ۲۴- رواج فرهنگ واسطه (توصیه، سفارش، پارتی بازی و ...) در جامعه
- ۲۵- غیبت کردن به عنوان مولفه ای از فرهنگ عمومی
- ۲۶- توقع پدرسالاری از دولت
- ۲۷- احساس محرومیت نسبی
- ۲۸- احساس بی عدالتی توزیعی
- ۲۹- عدم رعایت اصول اخلاقی توسط نخبگان
- ۳۰- بی تفاوتی جمعی نسبت به هنجارشکنی
- ۳۱- کم رنگ شدن بازیهای سنتی در میان بچه‌ها و گرایش به بازیهای نو
- ۳۲- ضعف یا فقدان اندیشه عقلی و علمی
- ۳۳- رابطه مبهم و مغشوش نخبگان و توده‌ها با فرهنگ
- ۳۴- فقدان همبستگی اجتماعی
- ۳۵- اولویت دادن منافع شخصی و جناحی بر مصالح ملی
- ۳۶- نبود وجدان کاری و انضباط اداری
- ۳۷- سبک لباس پوشیدن
- ۳۸- نوع سرگرمی‌ها
- ۳۹- عدم رعایت حقوق دیگران
- ۴۰- عدم صرفه‌جویی و قناعت
- ۴۱- رعایت بهداشت و نظافت خانه و شهر و اماکن عمومی
- ۴۲- مخدوش شدن استقلال فرهنگی
- ۴۳- تضعیف شخصیت انسانی زنان
- ۴۴- نبود نشاط لازم در عرصه فرهنگ عمومی جامعه
- ۴۵- نبود آمار صحیح و دقیق و جامع از وضعیت فرهنگی کشور
- ۴۶- پذیرش خشونت
- ۴۷- عدم انجام امور از مجاری غیر دیوان سالارانه اش
- ۴۸- فقدان غلبه یک درک متناسب با عصر و زمان در موارد دین
- ۴۹- خدشه وارد شدن به محکومات ما در دین
- ۵۰- عدم ثبات در تصمیم‌گیری برای انتخاب شغل، همسر و ...
- ۵۱- فرهنگ تخریب و همکاری با گروههای مخرب

- ۵۲- عدم برخورد صحیح با مراجعین به ادارات
- ۵۳- چاپلوسی و مطیع بودن
- ۵۴- پول پرستی و فراموش کردن انسانیت
- ۵۵- فسادپذیر بودن و دعوت به سکوت (آقا بی خیال، ولش کن، همه جا همینطوره و ...
- ۵۶- همه به فکر حفظ وضع موجود خود و فکر امروز هستند (نه به فکر جامعه و نه آینده)
- ۵۷- عدم گذشت در روابط اجتماعی و مردمی
- ۵۸- ما برای دیگران زندگی می‌کنیم نه برای خودمان (ظاهر خانه زیبا و داخل آن زشت ...)/دلداد

گذشته هستیم

- ۵۹- وجود فرهنگ تسخیری: هر کس تلاش دارد دیگری را پایین بیاورد و جای او را تسخیر کند
- ۶۰- روحیه فردگرایی به جای روحیه جمع گرایی
- ۶۱- وجود دستگاههای موازی.
- ۶۲- تشبث به شرع برای فرار از قانون و بالعکس
- ۶۳- تحت الشعاع قرار دادن حق در برابر شخصیت
- ۶۴- سوء ظن به مردم و میل به تجسس در زندگی آنها و تفسیر نادرست اعمال آنها و متهم کردن

آنان

- ۶۵- خودباختگی و تهاجم فرهنگی
- ۶۶- عدم تعادل بین معنویات و مادیات و افراط و تفریط در مادیات و معنویات
- ۶۷- اسراف و تبذیر
- ۶۸- تزلزل چارچوب توقعات
- ۶۹- سختی انتقال ارزشها از نسلی به نسل دیگر
- ۷۰- توقع مردم نسبت به برخورد با منکرات تنها از ناحیه حکومت
- ۷۱- جا به جایی تولی و تبری (دوست داشتن و برائت از دشمن)
- ۷۲- سیاسی شدن امور و مسایل فرهنگی
- ۷۳- تسامح گرایی و بی تفاوتی مقابل دین
- ۷۴- دوگانگی آموزشی (مدرسه، خانه، ...)
- ۷۵- اخلاقیات سامان نیافته است
- ۷۶- بالا رفتن انتظارات و توقعات
- ۷۷- خرافه گرایی و خرافه پرستی
- ۷۸- در انتظار ناجی

- ۷۹ - مقام دو ستی
- ۸۰ - معاشرت قبل از ازدواج دختر و پسر
- ۸۱ - ناامیدی و یاس
- ۸۲ - تقسیم جامعه به گروه‌های متضاد به خصوصی: خودی و غیر خودی، سیاه و سفید
- ۸۳ - پیروی حوزه فرهنگ از سیاست
- ۸۴ - نبود دیده بان فرهنگی
- ۸۵ - عدم سازگاری ساختارهای رسمی و غیر رسمی
- ۸۶ - تقلیل فرهنگ به خدمات فرهنگی
- ۸۷ - عدم تناسب بین شهرسازی و گفتمان ایرانی - اسلامی و هویت اسلامی
- ۸۸ - زبان رسانه، دانشگاه و نخبگان همدل و همراه با مردم نیست
- ۸۹ - عدم برنامه ریزی مطلوب
- ۹۰ - انفعال فرهنگی
- ۹۱ - شیوع یک نوع سکولاریزم پنهان در جامعه
- ۹۲ - بالا بودن واردات فرهنگی ما نسبت به صادرات فرهنگی
- ۹۳ - گسست بین سیاست‌های کلی نظام با پیکره اجرایی
- ۹۴ - نداشتن برنامه ای دراز مدت در تصمیم گیری‌ها و انجام فعالیت‌های فرهنگی
- ۹۵ - نبود سیاستگذاری صحیح و جامع در مورد آزادی بیان و حدود قلمرو آن/نبود سیاست و برنامه ریزی هماهنگ در مورد فناوریهای جدید ارتباطی (ماهواره، اینترنت)
- ۹۶ - شعارهای اسلامی بسیار زیاد ولی عمل به آنها و شعور اسلامی کم
- ۹۷ - ابزارهای فرهنگی به جای حرکت در مسیر رشد و تعالی بیشتر به سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت می‌پردازند
- ۹۸ - عدم هماهنگی سرمایه‌ها و ابزارهای فرهنگی در جهت حل مسائل فرهنگی که گهگاه همدیگر را خنثی می‌کنند .
- ۹۹ - ((ضعف در)) اخلاق پزشکی (تحمل، تواضع، رازداری و دلسوزی برای بیمار)
- ۱۰۰ - عدم درونی سازی ارزش‌ها
- ۱۰۱ - حرام را حلال کردن
- ۱۰۲ - عدم رعایت انصاف
- ۱۰۳ - عدم گره گشایی و رفع گرفتاریهای مردم
- ۱۰۴ - ضعف روحیه عفو و گذشت و عذرخواهی

۱۰۵ - سخن چینی

۱۰۶ - عدم تبعیض جنسی

۱۰۷ - جلوگیری از کتابهای مضر (کنترل بیشتر کتابهای خارجی)

۱۰۸ - اطلاع رسانی به مردم

۱۰۹ - استفاده درست از منابع زیستی

۱۱۰ - توجه به جانبازان و ایثارگران

۱۱۱ - از هم گسیختگی نظام آموزش و پرورش به لحاظ محتوایی

۱۱۲ - عدم همسویی و هماهنگی بین عملکرد تربیتی سایر نهادهای فرهنگی مثل مسجد، مطبوعات

...

۱۱۳ - تغییر و جابجایی نظام ارزشی

۱۱۴ - رویارویی فرهنگی بیگانه با فرهنگ خودی از طریق تکنولوژی ارتباطات

۱۱۵ - کاهش علایق در جهت تلاش فکری و فرهنگی

۱۱۶ - اظهارنظرهای غیر کارشناسی

۱۱۷ - عدم توزیع عادلانه امکانات فرهنگی در کشور

۱۱۸ - ناپایداری خانواده

۱۱۹ - وجود کودکان خیابانی

() گونه شناسی چند معیاری جامعه

شناختی

() .

مقوله بندی پیشینی .

() مقوله بندی پسینی .

:

- خاستگاه اجتماعی

.

- فرهنگی بودن مسایل فرهنگ عمومی

.

-

ابعاد اقتصادی سیاسی حقوقی

.

-)

(

:

/ - خاستگاه‌های اجتماعی ساختاری: اقتصادی، سیاسی، حقوقی(نک جدول ۱)

/ - خاستگاه‌های اجتماعی شبکه ای: اقتصادسیاسی، اقتصاد فرهنگی، سیاست فرهنگی(نک

جدول ۲)

/۳ - خاستگاه‌های اجتماعی خوشه ای:عرفی شدن، آنومی اجتماعی، قطبی شدن اجتماعی (نک

جدول ۳)

۱ - خاستگاه‌های اجتماعی فرهنگ مردم پسند: ایستار اجتماعی، اخلاق اجتماعی، فلسفه اجتماعی (نک جدول ۴)

پیشینی
مقوله بندی
() مقوله بندی
پیشینی

علایم اختصاری جدول (۱)

E اقتصادی P سیاسی L حقوقی

ج ۱: مقوله بندی پیشینی مسایل فرهنگ عمومی ایران:

خاستگاه‌های اجتماعی ساختاری ×

مقوله / مساله	E	P	L
تجمل گرایی و مصرف گرایی	تجمل گرایی و مصرف گرایی	دولتی شدن	- قانون گریزی و عدم رعایت قوانین (همه مستقل عمل می کنند)
پایین بودن وجدان کاری	پایین بودن وجدان کاری	فرهنگ (دخاله)	- دستوری شدن الگوهای رفتاری و بی تفاوتی جمعی نسبت به هنجارشکنی
پایین بودن ارزش وقت در بین مردم	پایین بودن ارزش وقت در بین مردم	افراطی دولت در امور فرهنگی (مردم)	- شکسته شدن قبح رشوه در جامعه
احساس محرومیت نسبی	احساس محرومیت نسبی	آفت سیاسی بینی	رواج فرهنگ واسطه (توصیه، سفارش، پارتی بازی و ...)
احساس بی عدالتی	احساس بی عدالتی	همه چیز	جامعه
توزیعی	توزیعی	- سیاسی شدن امور و مسایل فرهنگی	- تشبث به شرع برای فرار از قانون و با لعکس
عدم وجود مصرف بهینه در جامعه	عدم وجود مصرف بهینه در جامعه	فرهنگی	- تشبث به شرع برای فرار از قانون و با لعکس
اسراف بیش از حد و نداشتن قناعت و صرفه	اسراف بیش از حد و نداشتن قناعت و صرفه	- رشد تمایلات و	- تشبث به شرع برای فرار از قانون و با لعکس

L	P	E	مقوله /مساله
- توجیه تخلف از نظم اجتماعی به بهانه عدم سوء نیت - تحت الشعاع قرار دادن حق در برابر شخصیت - بی نظمی و عدم انضباط اجتماعی - تاکید افراطی بر حقوق و منافع فرد در مقابل حقوق و منافع جمع و با لعکس - عدم رعایت حق تقدم‌ها و صفوف - اسراف مدیران - عدم برخورد صحیح با مراجعین به ادارات - تلاش برای تمسک به راههایی برای نزدیک شدن به ابواب قدرت - سوءظن به مردم و میل به تجسس در زندگی شخصی آنان و تفسیر نادرست اعمال آنها و متهم کردن آنان - کار خود را ملاک خوب و بد دانستن و قوانین را بنا بررأی خود تفسیر و اجراکردن و درمقابل کسی مسئول نبودن - بازخواست نکردن از کسانی که	گرایش‌ات سیاسی معارض - اعتماد و اقبال اجتماعی نسبت به اپوزسیون سیاسی - انتقاد ناپذیری در بین مسئولین و مردم - ارادت سالاری به جای شایسته سالاری - تفکرات سلیقه ای و شخصی به جای خرد جمعی حاکمیت اندیشه دولتی (دولت باید همه کارها را انجام دهد) - کم کاری مدیران - وجود دستگاههای موازی - وجود فرهنگ ترس در جامعه	جویی - نداشتن روحیه کار و تلاش پول پرستی و فراموش کردن انسانیت - مادی گرایی و رواج فرهنگ مادی	

مقوله /مساله	E	P	L
			قوانین را بنا بر رأی خود تفسیر و اجرا می کنند .

* : خاستگاه های اجتماعی ساختاری
فرهنگ عمومی : اقتصادی سیاسی حقوقی

جدول ۱

علایم اختصاری جدول (۲)

Po اقتصادسیاسی Ce اقتصاد فرهنگی Cp سیاست فرهنگی

ج ۲: مقوله بندی پیشینی مسایل فرهنگ عمومی ایران:

خاستگاه های اجتماعی شبکه ای ×

ج ۲: مقوله بندی پیشینی مسایل فرهنگ عمومی ایران:

خاستگاه های اجتماعی شبکه ای ×

مقوله /مساله	Po	Ce	Cp
	- اشاعه فرهنگ - مبتذل غرب و - مخدوش شدن - استقلال فرهنگی - جامعه - تضعیف شخصیت - انسانی زنان جامعه - با اشاعه فرهنگ مد به - نفع سرمایه داران و - مدسازان (بویژه در - زمینه پوشش و (لباس)	- کمبود امکانات و - فضاهای فرهنگی - عدم توزیع امکانات - فرهنگی بین اقشار و - مناطق مختلف کشور - نبود آمار صحیح و - دقیق و جامع از وضعیت - فرهنگی کشور - عدم علاقه مردم به کتاب - و کتابخوانی - علم زدگی و مدرک - گرایی	- اختلاف نظر و سلیقه در بین - مدیران فرهنگی نسبت به مسائل - فرهنگی و نحوه مدیریت آنها - اشاعه فرهنگ مبتذل غرب و - مخدوش شدن استقلال فرهنگی - جامعه - بحران هویت و بی هویت - شدن فرهنگی - بحران در افتخار به هویت (یعنی اصلا خوشحال نیستیم که - مثلا ایرانی هستیم) - استفاده از محصولات فرهنگی

(شوها و موسیقی غیر مجاز و ...) در بین مردم بویژه نوجوانان و جوانان - کمرنگ شدن بازی‌های محلی و سنتی در میان کودکان و گرایش به بازیهای نو (که اکثرا خارجی و نامناسب هستند) - نوگرایی و سنت گریزی (هر نوعی را خوب جلوه دادن و هر سنت خوبی را زشت جلوه دادن) - تحقیر ارزشهای اصیل فرهنگی جامعه		- بحران جنسی و رشد سریع فحشا - تغییر شکل معماری و خانه سازی به سبک مغایر با فرهنگ ملی و اسلامی - عدم وجود مصرف بهینه در جامعه - تمایل افراد تحصیلکرده به خروج از کشور - حرمت شکنی علم در کشور	
---	--	---	--

خاستگاه‌های اجتماعی شبکه ای جدید

:

*

مساله فرهنگ عمومی : اقتصاد سیاسی، اقتصاد فرهنگی و سیاست فرهنگی

جدول ۲

علایم اختصاری جدول (۳)

Sec عرفی شدن Sa آنومی اجتماعی sp قطبی شدن اجتماعی

ج۳: مقوله بندی پیشینی مسایل فرهنگ عمومی ایران:

خاستگاه‌های اجتماعی خوشه ای ×

ج۳: مقوله بندی پیشینی مسایل فرهنگ عمومی ایران:

خاستگاه‌های اجتماعی خوشه ای ×

مقوله /مساله	Sec	Sa	sp
	- تاجر گرایی و مقدس مآبی - فقدان یک درک متناسب با عصر و زمان در موارد دین	- شیوع خرافات و خرافه گرایی - فردگرایی و تکروی	- ناهمگونی بافت‌های فرهنگی در اثر مهاجرت به شهرهای بزرگ

- تزلیل در مبانی اعتقادی جامعه - فردی شدن دین - غیبت کردن زیاده از حد در جامعه به عنوان مولفه ای از فرهنگ عمومی - بی توجهی به منافع ملی - معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج (دوست دختر و دوست پسر) - تسامح و بی تفاوتی در مقابل دین (درد دین نداشتن: امر به معروف و نهی از منکر نداشتن) - کم رنگ شدن فرهنگ اسلامی - رواج فرهنگ در انتظار ناجی بودن (منفعل شدن)	- بی اعتمادی عمومی (مردم به همدیگر، مردم به دولت و رسانه‌های متعلق به آن) - تزلیل در مبانی اخلاقی جامعه - دستوری شدن الگوهای رفتاری و بی تفاوتی جمعی نسبت به هنجارشکنی - فرصت طلبی و سود جوئی ها	- شکاف فرهنگی بین شهر و روستا - جدا کردن دو قشر فرهنگ ساز روحانی و روشنفکر - دوگانگی آموزش (مدرسه، خانواده، دانشگاه، رسانه)
---	---	--

مساله

خاستگاه‌های اجتماعی خوشه ای

:

*

فرهنگ عمومی : عرفی شدن، آنومی اجتماعی و قطبی شدن اجتماعی

جدول ۳

علایم اختصاری جدول (۴)

sat ایستار اجتماعی set اخلاق اجتماعی phil فلسفه اجتماعی

ج۴: مقوله بندی پیشینی مسایل فرهنگ عمومی ایران:

خاستگاه‌های اجتماعی فرهنگ مردم پسند ×

علایم اختصاری جدول (۴)

sat ایستار اجتماعی set اخلاق اجتماعی phil فلسفه اجتماعی

ج۴: مقوله بندی پیشینی مسایل فرهنگ عمومی ایران:

خاستگاه‌های اجتماعی فرهنگ مردم پسند ×

sat	set	sphil	مقوله /مساله
- مطلق گرایی (تصور سیاه و سفید) - بی اعتمادی و ناامیدی نسبت به آینده - تصور مغایرت داشتن شریعت اسلامی با هر گونه نوآوری و مابینت داشتن تقوا و تعهد با تخصص - اصالت دادن به روش برنده - بازنده شدن - برخوردهای شتابزده و اضطراری - اقدام بر اساس آزمون و خطا - ایجاد انتظارات و توقعات بی پایه - تلقی نادرست از مفاهیم نادرست - وجود فرهنگ تسخیری: هر کس تلاش دارد	- خاص گرایی (تمایلات قومی، همشهری، هم ولایتی ...) - تقدیرگرایی و تصور قضا و قدری از سرنوشت خودمان - انتقاد ناپذیری در بین مسئولین و مردم - بی توجهی به منافع ملی - پایین بودن حس همکاری و مشارکت در بین مردم - مطلق گرایی (تصور سیاه و سفید) - یاس و ناامیدی، افسردگی و انفعال گرایی - اصالت دادن به روش برنده - بازنده شدن - اقدام بر اساس آزمون و خطا - اقدام بر اساس اهداف	- سنت گرایی - مرده پرستی - نبود نشاط و شادی - ریاکاری بخشی از فرهنگ عمومی شده - محافظه کاری در بین مردم - حرف زیاد زدن به جای عملگرایی - رواج فرهنگ گل و بلبلی و فرهنگ عرفانی و ادبی در میان مردم - بی اعتمادی و ناامیدی نسبت به آینده - تخیل زایی (سراب پردازی) - احساس ضعف در انجام کارها و پوچی و ناتوانی - چاپلوسی و مطیع بودن - فرار از مواجهه با	

دیگری را پایین بیاورد و جای او را تسخیر کند - به جای رفاقت، همکاری، هماهنگی و همراهی؛ فرهنگ رقابت تخریبی، خارج کردن، منزوی کردن و ترور شخصیت یکدیگر رایج است - ضعف ابتکار، نوآوری و خلاقیت	نامشخص - تغییر شکل سریع (رفتار، عقاید و ...) - شایعه پراکنی و جوسازی - ما برای دیگران زندگی می‌کنیم نه برای خودمان (ظاهر خانه زیبا و داخل آن زشت ...) - عدم گذشت در روابط اجتماعی و مردمی	اندیشه و سعی نمی کنیم بحث‌های دیگران را لمس و تجربه کنیم - دلاده گذشته هستیم - همه به فکر حفظ وضع موجود خود و فکر امروز هستند (نه به فکر جامعه و نه آینده) - رواج فرهنگ سراب (تظاهر به آنچه وجود ندارد) که به شکل‌های مختلفی بروز می‌یابد: ظاهرسازی در فعالیت‌های عمرانی، تظاهر در احساسات و عواطف، تظاهر در ویژگی‌های اخلاقی، پنهان نگه داشتن عقاید و باورها
--	--	---

خاستگاه‌های اجتماعی فرهنگ مردم پسند

:

*

: ایستار اجتماعی، اخلاق اجتماعی و فلسفه اجتماعی

مساله فرهنگ عمومی

جدول ۴

.

:

صحبت‌های حجت الاسلام زم در شورای شهر و گزارش وی از ناهنجاریهای اجتماعی و فرهنگی در

کشور: /

/ /

/ /

(...)

/ /)

/() /(

/ / /

/ sms /

-کتاب اولویت سنجی فرهنگ عمومی :

/ / / دکتر آشنا :

/ دکتر فرقانی :

) دکتر حسن کچوئیان :

(

/ دکتر فرهنگ ارشاد :

/ / / دکتر مقدس :

/ دکتر پژویان :

/ / / محسن کدیور :

/ /(

/ /

/

/ دکتر سعید نکایی :

/

/

دکتر ناصر کتایون همایون :

/

ماشاء... شمس الواعظین :

/

/

/ ()

/

شیرین عبادی :

/

/

)

/

×

/

/(

/(

)

/

/

/

/

/

/

-کتاب نظام توسعه فرهنگ عمومی :

/

مقاله توسعه فرهنگی و فرهنگ ایرانی - اسلامی ، حسین مفتخری :

)

/

/

/

/(

/(

)

/

()

مقاله درآمدی بر شناخت فرهنگ کار ، معاونت پژوهشی وزارت ارشاد ، پژوهشگاه علوم انسانی و

مطالعات فرهنگی : /

مقاله آسیب شناسی فرهنگ عمومی ایران : ()

(:

/

() /

(/

(...) /

× - کتاب مطالعه وضع فرهنگ عمومی ، محسن فردرو :

/ / / / / /

/ / /

/ / / /

/ / / /

/ / / /

/ /

/

/ / / / /

/

/ / /

/

- کتاب پژوهش در فرهنگ عمومی ، مریم زارع ، محسن فردرو :

مقاله آسیب پذیری فرهنگی از نظر قرآن ، مجید معارف :

/ /

مقاله آسیب پذیری فرهنگی ؛ دکتر افروغ:

/ / / / / / /

/ / /

/ / / /

- فصلنامه فرهنگ عمومی :

مقاله فرهنگ عمومی و نحوه مطالعه آن :

مقاله مسایل فرهنگ عمومی جامعه ، طاهره شالچیان مدرس دانشگاه تربیت معلم :

....

/ /

/ / /

/ /

/ / /

/ /

...

مقاله پیرامون فرهنگ عمومی ، فریده فاریابی :

مقاله درآمدی بر فرهنگ عمومی ، دکتر احمد رجب زاده :

(/ /

مقاله کلیاتی درباره فرهنگ عمومی ، م. رضائی :

بخشی از بیانات مقام معظم رهبری)

(/ / /

رضائی به نقل گفته های یک شهروند استرالیایی)

/ /

(

/ رضائی :

/ / /

/.

مقاله مسایل فرهنگ عمومی و ضرورت اصلاح آن :

رهنمودهای مقام معظم رهبری برای برنامه پنجساله دوم)

(

/ / آقای علوی تبار)

/

/.

/

/

.

/

/

(/

/ مقاله دو تفسیر از برنامه ریزی فرهنگ : از تفکر تا رفتار ؛ رضا داوری اردکانی :

/

× مقاله فرهنگ بهره وری (بی نام) : / / / /

/ /

/ مقاله ضرورت گسترش روحیه نقد و نقدپذیری ، دکتر طاهره ابراهیمی فر :

/

/

/

/ مقاله اخبار شورای فرهنگ عمومی :

/ / / / / / /

/

/ مقاله مسایل فرهنگ عمومی جامعه ، طاهره شالچیان :

/

/

/ /

/ /

/ - :

/ / / /

/ × /

/ /

/

- فرهنگ و جامعه (جلد اول) چند دیدگاه تحلیلی درباره فرهنگ عمومی ، بهروز گرانپایه:

- فرهنگ و جامعه (جلد دوم) بررسی های موردی در زمینه فرهنگ عمومی ، بهروز گرانپایه :

/ / × /

/ ... /

/ / /

/ / /

/ (...) /

/ /

مقاله اینترنت : فرهنگ عمومی ، رضا بنیانیان :

)

/ (...

/ /

/ ()

مقاله اینترنت : تفکرات سلیقه ای به جای خرد جمعی دکتر احمد بخشایشی اردستانی :

/ (:

/

(...)

مقاله اینترنت ؛ ریشه های ضعف ، محمدجواد منصوری مدیرکل اسناد تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه :

/

/

/

/

/

:

.

/

/

خبر سایت خبرگزاری فارس آیت الله مکارم شیرازی، در دیدار مسئولان برگزار کننده همایش فقهی محیط زیست در مرکز جهانی علوم اسلامی گفت: تبیین مسایل مربوط به محیط زیست را باید به یک فرهنگ عمومی تبدیل کرد :

- مصاحبه روزنامه قدس با دکتر اصغر مهاجری استاد جامعه شناسی :

/

/

/

- × کتاب فرهنگ عمومی و شورای پژوهشی ، اداره فرهنگ و ارشاد استان یزد :

/

- × منبهاٲ اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که از سوی روابط عمومی شورای عالی

انقلاب فرهنگی منتشر شده : (بی نام)

/ / /
/ /
/ /
/ /
/ /
/ /
/ /
/ /
/ /
/ /

- فصلنامه بصائر ، خرداد ۱۳۷۶ ، شماره ۲۵ : صص ۲۵ ، ۲۶

/ / مقاله مساجد و آسیب شناسی فرهنگی ، ریاست سازمان تبلیغات اسلامی :

/ /
/ / / /
/ / / / /

- مرزبندی های نامرئی در حوزه فرهنگ عامه و فرهنگ عمومی ، رضا خاشعی کارشناسی ارشد

مردم شناسی :

/ / از زبان یک شهروند استرالیایی :

/ / محمد علی حسین نژاد) (:

/ / /

مقاله سنت گرایی و تاثیر آن ... سید عبدالرحمان توقیفیان :

I *I* *I*

I *I* *I*

$$\vdots \quad \quad \quad (\quad \quad \quad) \quad \quad \quad /$$
$$\begin{array}{ccccc} & &) & & / & & / \\ & & & & & & \\) & & / & & & & (\end{array}$$
$$- \quad I($$

مقاله اولویت بندی عناوین فرهنگ عمومی و پیشنهاد هایی برای اصلاح آنان :

- فرهنگ عمومی، ۲، دیدگاهها و تاملات (مجموعه گفتگو با صاحب نظران)، ۱۳۸۲:

دکتر ابراهیمی معاون پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی دکترای مدیریت :

حجّه الاسلام و المسلمین صابر اکبری جدی معاون فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها کارشناس فرهنگی: /

دکتر غلام حسین الهام دکترای حقوق جزا و جرم شناسی : /)

دکتر احمد بخشایش اردستانی دکتری علوم سیاسی استاد دانشگاه :

دکتر زرشناس دکتری فلسفه غرب استاد دانشگاه :

دکتر محمد مددیور دکتری فلسفه استاد دانشگاه :

- مجموعه مباحث دومین گردهم آیی سراسری شورای فرهنگ عمومی :

—

مباحث مقام معظم رهبری درباره فرهنگ عمومی)

/ / / / :

/ مباحث آیت ا.. هاشمی رفسنجانی در اجلاس آغازین گردهم آیی :

/

/ مباحث مهندس میر سلیم وزیر ارشاد و فرهنگ :

/ /

مقاله بررسی راه های مقابله با خرافات ، موهومات ، جمود و تحجر فکری ، مقدس مآبی و ظاهر گرایی

/ / / :

مقاله ایجاد روحیه قانون پذیری در جامعه

/ :

مقاله گسترش روحیه نقد و انتقاد پذیری

/ :

مقاله قانونمند کردن اخلاقیات مدیران و طرح مقابله با کم کاری و اسراف آنها :

/

- جامعه و فرهنگ (جلد اول) محسن فردرو ، حمیدی ، یعقوبی : -

/ مقاله هویت بومی و بومی گرایی در استان کهگیلویه و بویر احمد ، داریوش جهان بین :

) مقاله ملاحظاتی پیرامون فرهنگ عمومی و اصلاح آن ، محمد علی حسین نژاد :

/ / (

/ / / / /

/ / / / /

/

/ / /

- بررسی آگاهی ها ، باورها و گرایش های فرهنگی و اجتماعی مردم ایران ، دکتر منوچهر محسنی :

/ / / / / / /

/ / / / /

/ () /

- کتاب تحولات فرهنگی در ایران ، عباس عبدی و محسن گودرزی : (نتایج تحقیق گرایش های اجتماعی

در ایران ، علی اسدی و همکاران ، ۱۳۵۳)

/ / /

/ /

/

- کتاب : مقالات برگزیده همایش نقش و جایگاه دولت در توسعه فرهنگی

مقاله بحران و آسیبهای فرهنگی و ارائه راهکارهای مناسب برای کاهش آن ، دکتر غلامعباس توسلی

عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران صص ۸۳ - ۹۶ :

/ / /

/

/ / /)

/ / / / (

/ / / / /

/ / ... :

/ /

/

مقاله جستاری پیرامون شناخت فرهنگ ایران ، اکبر فرجی ارمی (کارشناس ارشد مدیریت آموزشی از دانشگاه تهران) صص ۲۳۷ - ۲۷۰ :

/ / ()

/ / ()

/ ()

/ / ()

/ ()

/ /

/ ()

/

/ /

مقاله توسعه فرهنگی و فرهنگ ایرانی ، اسلامی (از منظر تاریخی) ، دکتر حسین مفتخری عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تربیت معلم تهران صص ۳۳۵ - ۳۵۵ :

/ / () /

/) /

/ ()

/ / ()

/

/ /

مقاله بحران در مدیریت فرهنگی جامعه و زمینه های آسیب پذیری آن ، دکتر عبدالرضا نواح ، عضو

هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز صص ۴۱۴ - ۳۹۹ :

/ /

/ / /

/

/ /

/

کتاب : دیدگاههای فرهنگی امام خمینی (ره)

- :

/ /

/ / /

کتاب : فرهنگ عمومی (۱) دیدگاهها و تاملات (مجموعه گفتگو با صاحب نظران) ، ۱۳۸۱:

/ دکتر احمدی نژاد ، دکتری مهندسی و کارشناس فرهنگی :

/ / / / /

/ /

/ /

/ / /

/ /

/ دکتر افروغ ، جامعه شناس :

/ / /

/ - /

) / / /

(...

/ / دکتر نعمت ا... باوند ، دکتری فلسفه و کلام :

/ دکتر حسن بلخاری ، دکتری ارتباطات :

/

/ دکتر رزاقی ، دکتری فلسفه و کلام :

/ / /

/ / دکتر محمد رضایی یزدی ، جامعه شناس :

/ /

/ /

/ / دکتر شجاعی زند ، جامعه شناس :

/ /

/ / /

/

) / دکتر عباسی ، دکتری مدیریت استراتژیک :

/ / / / (

/

/ دکتر عسگری ، دکتری پزشکی و کارشناس فرهنگی :

/ / /

/ / / دکتر جواد منصوری ، دکتری علوم سیاسی :

- درآمدی بر طراحی نظام رصد فرهنگی کشور ، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی ، دفتر مطالعات

فرهنگی ، ۱۳۸۳ :

دکتر آشنا :

)

/

/ (

(-)

/

دکتر محسن الویری عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) :

/

(-)

/

- اولویت ها ، شورای عالی انقلاب فرهنگی (بی تا) ، تهران ، کمیسیون مشورتی ، ۱۳۷۳ :

/

/

/

/

/

(...) / (

- مخبر دزفولی ، محمد رضا (۱۳۷۳) ، نگرشی کوتاه بر فرهنگ عمومی ، تهران ، دبیرخانه شورای عالی

انقلاب فرهنگی ، کمیسیون مشورتی :

/

/

/

/

/

/

/

/

-).

(

- سایت آیت ا... صافی گلپایگانی :

/ ()

) / /

/ / (...)

/ /

- سایت آیت ا... فاضل لنکرانی :

/ / / /

/ / / /

/ /

/ / /

/ /

- سایت آیت ا... نوری همدانی :

/ / / / /

/ / / /

/ / / /

) / / / /

(...

- سایت آیت ا... مکارم شیرازی :

) / /

/ / / (

/ / / / /

/ () /

/ / / /

/ / /
/ /
/ / /
/) /
/ / / (/
/

- فرهنگ عمومی در تلفیق نهایی (بی جا) ، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی ، گروه تلفیق نهایی (بی تا) :

/ /
/
/
/ /
/
/
/ - (

منبع بررسی مسایل فرهنگی کشور از دیدگاه وزارتخانه ها ، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی :

- وزارت بازرگانی (/ /)

:

/ /
/

/

- وزارت آموزش و پرورش (اداره کل توسعه و برنامه ریزی امور پرورشی) :

/

/

/

/

/

/

/

-

/

/

/

/

/

/

/ ...

/

/

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (موسسه فرهنگ ، هنر و ارتباطات)

:

//

/

/

/

/ ...

/

/

/

/

/

//

/

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (اداره کل تبلیغات)

:

/

/

/

/

/

/

/

/

/

/

/

- وزارت آموزش و پرورش صص ۳۴ - ۳۶ منبع :

/

/

/

/

/

/

/

/

/

- وزارت بازرگانی (موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی) /

// :

/ /

/

/

/

/

/

/

- قوه قضائیه (معاونت آموزش و تحقیقات) / //

:

/

/

/

/

/

/

/

/

/

/

/

- ۱- مجمع احیاء فرهنگ اسلامی
- ۲- مراکز صدا و سیما در استانها
- ۳- مرکز تحقیقات و مطالعات سینمایی
- ۴- مرکز آمار و برنامه ریزی پژوهش های فرهنگی و هنری کشور
- ۵- مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی
- ۶- مرکز آموزشی و پژوهشی سازمان زندان ها
- ۷- مرکز منطقه ای مطالعات و پژوهش های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه
- ۸- مرکز مطالعات مدیریت و بهره وری ایران
- ۹- مرکز مطالعات عالی بین المللی
- ۱۰- مرکز مطالعات فرهنگی - بین المللی
- ۱۱- مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب
- ۱۲- مرکز مطالعات و تحقیقات جرم شناسی
- ۱۳- مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها
- ۱۴- مرکز مطالعات و تحقیقات زنان
- ۱۵- مرکز مطالعات و تحقیقات سنجش برنامه ای
- ۱۶- مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- ۱۷- مرکز مطالعات و تحقیقات هنری
- ۱۸- مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه قم
- ۱۹- مرکز امور مشارکت زنان
- ۲۰- مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران
- ۲۱- مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران
- ۲۲- مرکز تحقیقات اسلامی جانبازان
- ۲۳- مرکز تحقیقات استراتژیک
- ۲۴- مرکز تحقیقات دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
- ۲۵- مرکز تحقیقات علمی
- ۲۶- مرکز تحقیقات علمی کشور
۲۷. مرکز تحقیقات علوم حدیث (پژوهشکده)
۲۸. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه
۲۹. مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی
۳۰. مرکز بررسی های اسلامی
۳۱. مرکز جمعیت شناسی

۳۲. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی
۳۳. مرکز پژوهش های جغرافیایی
۳۴. مرکز پژوهشهای اسلامی سازمان صدا و سیما
۳۵. معاونت آموزشی و پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی
۳۶. معاونت امور اجتماعی وزارت کشور
۳۷. -معاونت پژوهش و تبلیغات بنیاد شهید انقلاب اسلامی
۳۸. معاونت پژوهشی دانشگاه گیلان
۳۹. معاونت پژوهشی دانشگاه مازندران
۴۰. -معاونت پژوهشی دانشگاه محقق اردبیلی
۴۱. معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی
۴۲. معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق
۴۳. معاونت پژوهشی دانشگاه الزهراء
۴۴. معاونت پژوهشی دانشگاه ایلام
۴۵. معاونت پژوهشی دانشگاه اراک
۴۶. معاونت پژوهشی دانشگاه تهران
۴۷. معاونت پژوهشی دانشگاه اصفهان
۴۸. معاونت پژوهشی دانشگاه تبریز
۴۹. معاونت پژوهشی دانشگاه بین المللی امام خمینی
۵۰. معاونت پژوهشی دانشگاه بیرجند
۵۱. معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس
۵۲. معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت معلم
۵۳. معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت معلم آذربایجان
۵۴. معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت معلم سبزوار
۵۵. معاونت پژوهشی دانشگاه تهران
۵۶. معاونت پژوهشی دانشگاه بوعلی سینا
۵۷. -معاونت پژوهشی دانشگاه یزد
۵۸. معاونت پژوهشی دانشگاه رازی
۵۹. معاونت پژوهشی دانشگاه سمنان
۶۰. معاونت پژوهشی دانشگاه شاهد
۶۱. معاونت پژوهشی دانشگاه شیراز
۶۲. معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان
۶۳. معاونت پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز
۶۴. معاونت پژوهشی دانشگاه زنجان
۶۵. معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی
۶۶. معاونت پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی

۶۷. معاونت پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد
۶۸. معاونت پژوهشی دانشگاه هنر
۶۹. معاونت پژوهشی دانشگاه پیام نور
۷۰. معاونت پژوهشی دانشگاه کاشان
۷۱. -معاونت پژوهشی دانشگاه کرمان
۷۲. معاونت پژوهشی دانشگاه کردستان
۷۳. مؤسسه ملی پژوهش افکار عمومی
۷۴. معاونت پژوهشی شهید بهشتی
۷۵. مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع)
۷۶. -مؤسسه آموزشی - پژوهشی مذاهب اسلامی
۷۷. -مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۷۸. -مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی
۷۹. -مؤسسه باستان شناسی
۸۰. مؤسسه تحقیقات اجتماعی
۸۱. مؤسسه تحقیقات تعاون
۸۲. مؤسسه تحقیقات بهره وری علامه طباطبایی
۸۳. -مؤسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم شناسی
۸۴. مؤسسه تحقیقات تربیتی
۸۵. مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)
۸۶. مؤسسه تحقیقاتی علوم جزایی و جرم شناسی
۸۷. مؤسسه جغرافیا
۸۸. مؤسسه دایر المعارف فقه اسلامی بر مذاهب اهل بیت (علیهم السلام)
۸۹. مؤسسه حقوق تطبیقی
۹۰. مؤسسه روانشناسی
۹۱. مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه
۹۲. مؤسسه پیام امام هادی (ع)
۹۳. مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
۹۴. مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی
۹۵. بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی
۹۶. دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی
۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی
۹۸. دفاتر جهاد دانشگاهی
۹۹. دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
۱۰۰. دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی
۱۰۱. دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی - اجتماعی

- ۱۰۲. دفتر انتشارات اسلامی
- ۱۰۳. دفتر تبلیغات اسلامی قم
- ۱۰۴. دفتر تحقیق و توسعه صدا
- ۱۰۵. دفتر تحقیقات پژوهش های قوه قضائیه

- ۱۰۶ - دفتر فرهنگستان علوم اسلامی
- ۱۰۷ - دفتر پژوهشهای سیما
- ۱۰۸ - دفتر پژوهشهای کاربردی برونمرزی سازمان صدا و سیما
- ۱۰۹ - سازمان ملی جوانان
- 109 - سازمان میراث فرهنگی کشور
- 110 - سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
- 111 - سازمان دانش آموزی جمهوری اسلامی ایران
- 112 - سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
- 114 - استاد اقامه نماز
- 113 - استاد مبارزه با مواد مخدر
- 115 - شورای فرهنگی - اجتماعی زنان
- 116 - فرهنگستان زبان و ادب فارسی
- 117 - فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران
- 118 - واحد اصطلاح نامه علوم اسلامی
- 119 - نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها
- 120 - پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- 121 - پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
- 122 - پژوهشکده آمار
- 123 - پژوهشکده مطالعات راهبردی
- 124 - پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی
- 125 - پژوهشکده اسناد
- 126 - پژوهشکده تاریخ علم
- 127 - پژوهشکده تحقیقات اسلامی
- 128 - پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزش
- 129 - پژوهشکده تعلیم و تربیت
- 130 - پژوهشکده خانواده
- 131 - پژوهشکده حوزه و دانشگاه
- 132 - پژوهشکده زنان

- 133 پژوهشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

- 134 پژوهشکده علوم انسانی

- 135 پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- 136 پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی

- 137 پژوهشکده کودکان استثنایی

:

پاسخگوی گرامی؛ این پرسشنامه با هدف سنجش اولویتهای مسائل فرهنگ عمومی در زمان حاضر تهیه شده است. لذا مجموعه‌ای از مسائل فرهنگ عمومی کشور پس از گردآوری از پژوهشها و منابع مرتبط در قالب گویه‌های زیر تنظیم شده است. این گویه‌ها پس از اولویت بندی از سوی خبرگان فرهنگ عمومی مبنای سیاستهای فرهنگ عمومی در مرکز مهندس فرهنگی قرار خواهد گرفت . خواهشمند است به هر گویه امتیاز ۱ تا ۱۰۰ را بدهید.

نکته:

- ۱- اولویت هر مسئله در زمان حاضر مدنظر می‌باشد.
- ۲- اولویتهای مورد نظر شما در تصمیمات و سیاستهای مربوط به فرهنگ عمومی مؤثر است.
- ۳- چنانچه گویه‌هایی به نظر شما در این لیست از قلم افتاده‌اند اضافه فرموده و به آن امتیاز بدهید.

۱	تجمل‌گرایی و مصرف گرایی	
۲	پایین بودن وجدان کاری	
۳	احساس محرومیت	
۴	احساس بی‌عدالتی در توزیع امکانات مادی	
۵	صرفه جویی نکردن	
۶	غلبه ارزشهای مادی بر ارزشهای معنوی	
۷	استقبال از واردات فرهنگی	
۸	توزیع نابرابر امکانات فرهنگی در مناطق مختلف کشور	
۹	توزیع نشدن امکانات فرهنگی	
۱۰	دولتی شدن بیش از حد فرهنگ (دخالت افراطی دولت در امور فرهنگی مردم)	
۱۱	بی‌اعتمادی مردم به حاکمیت و دولت	
۱۲	توقع حل همه مشکلات از دولت	
۱۳	فقدان همبستگی فرهنگی بین طبقات جامعه	
۱۴	نداشتن استقلال فرهنگی در برآوردن نیازها	
۱۵	درست برخورد نکردن با مراجعین به ادارات	

۱۶	وجود دستگاه‌های موازی در تامین نیازهای فرهنگی
۱۷	توقع مردم نسبت به برخورد با منکرات تنها از ناحیه حکومت
۱۸	سیاسی شدن امور و مسائل فرهنگی
۱۹	تنزل جایگاه فرهنگ در نزد اهل فرهنگ، در حد خدمات و کالای فرهنگی
۲۰	شیوع سکولاریزم پنهان در جامعه
۲۱	ناهماهنگی سیاستهای فرهنگی و نهادهای مجری
۲۲	نبود رویکرد درازمدت در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه ریزی فرهنگی
۲۳	نبود سیاستگذاری صحیح و جامع در مورد آزادی بیان و حدود قلمرو آن
۲۴	سیاسی دانستن همه امور
۲۵	قانون گریزی و بی توجهی به قوانین
۲۶	رواج رشوه گرفتن و رشوه دادن
۲۷	رواج فرهنگ واسطه (توصیه، سفارش، پارتی‌بازی و...) در جامعه
۲۸	انجام گرفتن امور از مجاری غیر قانونی اداری
۲۹	چنگ یازیدن به شرع برای فرار از قانون و بالعکس
۳۰	رنگ باختن حق در برابر شخصیتها
۳۱	رعایت نکردن انصاف در روابط و تعاملات
۳۲	بی علاقه بودن به کتاب و کتابخوانی
۳۳	ضعف صنایع فرهنگی
۳۴	بی توجهی به رشد و تعالی مخاطبان در برنامه ریزی فرهنگی و توجه صرف به پرکردن اوقات فراغت آنها
۳۵	ناهماهنگی میان نهادها و برنامه های فرهنگی
۳۶	نبود فرهنگ استفاده درست از منابع و امکانات در بین مردم
۳۷	رواج محصولات فرهنگی غیر مجاز (شوفا و موسیقی غیرمجاز و...) در بین مردم به ویژه نوجوانان و جوانان
۳۸	استفاده نادرست از بازی‌های رایانه‌ای و ویدئویی
۳۹	مدیریت نشدن اوقات فراغت
۴۰	ضعف احساس غرور و حمیت ملی

۴۱	بحران زبان فارسی
۴۲	بسندگی کردن به مناسک اجتماعی دین به جای نقش الهامبخش دین در اخلاقیات و هنجارها
۴۳	رواج برداشتهای نادرست از دین
۴۴	بی توجهی نخبگان به رعایت اصول اخلاقی
۴۵	منسوخ شدن سنت های کهن در معاشرتهای اجتماعی
۴۶	ضعف یا فقدان اندیشه علمی در اظهار نظرهای عموم مردم
۴۷	نبود درک مشترک از مفهوم فرهنگ و شاخصهای فرهنگی بین مردم ونخبگان
۴۸	آشفتگی در سبک لباس و پوشش
۴۹	نبود نظارت و برنامه ریزی در صنعت سرگرمی
۵۰	کم توجهی به شخصیت و منزلت اجتماعی زنان
۵۱	نبود نشاط و سرزندگی در جامعه
۵۲	خدشه وارد شدن به محکومات دین
۵۳	تخریب و تهمت در نظام اداری(هرکس سعی دارد دیگری را پایین بیاورد و جای او را تسخیر کند)
۵۴	خودباختگی در برابر تهاجم فرهنگی
۵۵	عدم انتقال ارزشها از نسلی به نسل دیگر
۵۶	فقدان منطق تولی و تبری(دوستت را دوست بدار و از دشمن دوری کن)
۵۷	دوگانگی تربیتی در مدرسه، خانه، ...
۵۸	به فراموشی سپرده شدن اصول اخلاق اسلامی
۵۹	منجی طلبی افراطی
۶۰	تقسیم جامعه به گروههای خودی و غیرخودی
۶۱	متناسب نبودن شهرسازی و معماری با هویت اسلامی
۶۲	همدل و همراه نبودن دانشگاهیان و نخبگان با مردم
۶۳	نداشتن برنامه ریزی مطلوب فرهنگی
۶۴	انفعال در برابر تهاجمات فرهنگی
۶۵	ضعف در عمل به شعائر اسلامی و شعار زدگی

۶۶	نبودن نظارت بر ورود کتب خارجی
۶۷	ضعف اطلاع رسانی به مردم از فعالیتهای و اقدامات دولت
۶۸	بی توجهی به جانبازان و ایثارگران
۶۹	آشناقتگی و گسست در محتوای درسی و پرورشی دانش آموزان
۷۰	تغییر و جابجایی نظام ارزشی
۷۱	رویاریبی فرهنگی بیگانه با فرهنگ خودی از طریق تکنولوژی ارتباطات
۷۲	کاهش علایق در جهت تلاش فکری و فرهنگی
۷۳	شکاف فرهنگی بین شهر و روستا
۷۴	بی توجهی به ارزشهای دفاع مقدس
۷۵	استفاده از الگوی غذایی نامناسب
۷۶	رواج مدرک گرایی
۷۷	مخدوش شدن جایگاه علم در کشور
۷۸	پایین بودن حس همکاری و مشارکت در بین مردم
۷۹	بی تفاوتی جمعی نسبت به هنجارشکنی
۸۰	اولویت دادن منافع شخصی و جناحی بر مصالح ملی
۸۱	بی توجهی به رعایت بهداشت و نظافت شهر و اماکن عمومی
۸۲	پذیرش خشونت به عنوان راه حل مسائل
۸۳	نبود درک متناسب با عصر و زمان در مسائل دینی
۸۴	بی ثباتی در تصمیم گیری برای انتخاب شغل، همسر و...
۸۵	فسادپذیر بودن و دعوت به سکوت (آقا بی خیال، ولش کن، همه جا همینه و...)
۸۶	تقید افراطی به نظر دیگران (ما برای دیگران زندگی می کنیم)
۸۷	داشتن روحیه فردگرایی به جای روحیه جمع گرایی
۸۸	افراط و تفریط در مادیگرایی یا معنویت گرایی
۸۹	بالارفتن انتظارات و توقعات
۹۰	سیطره ناامیدی و یاس بر جامعه
۹۱	بی توجهی به حلال و حرام

۹۲	بی توجهی و اهتمام نکردن مردم به گره‌گشایی و رفع گرفتاری‌های یکدیگر
۹۳	اظهارنظرهای غیرکارشناسی
۹۴	ناپایداری خانواده
۹۵	رواج دروغ‌گویی
۹۶	شعارزدگی و پرهیز از عملگرایی
۹۷	رواج افسردگی و انفعال گرایی
۹۸	رواج غیبت
۹۹	تمایل به ماجراجویی و بی نظمی در مراسم و برنامه های جمعی
۱۰۰	رواج چاپلوسی
۱۰۱	عافیت طلبی و بی توجهی به وضعیت جامعه و آینده کشور
۱۰۲	سخت گیری گذشت نداشتن در روابط اجتماعی و مردمی
۱۰۳	سوء ظن به مردم و میل به تجسس در زندگی آنها
۱۰۴	رواج خرافه‌گرایی و خرافه‌پرستی
۱۰۵	مقام دوستی افراطی
۱۰۶	رواج معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج
۱۰۷	ضعف در اخلاق پزشکی (تحمل، تواضع، رازداری و دلسوزی برای بیمار)
۱۰۸	درونی نشدن ارزش‌ها
۱۰۹	ضعف روحیه عفو و گذشت و عذرخواهی
۱۱۰	رواج سخن چینی
۱۱۱	تبعیض جنسیتی

()

()

:

(:)

:

:

:

)

-

(

...

()

-

()

-

-

-

-

-

()

-

-

-

-

:

-

-

-

:

-

-

...

-

-

()

-

-

-

-

-

-

...

-

()

-

: -

: () -
: { - }

() -

: -

. () -

: -

) -
{ } ... (

-

-

-

-

() -

-

-

() -

:

: (-) -

-
- :
- { }
-
-
-
-
-
- ۶۷. اسکیدمور، ویلیام؛ تفکر نظری در جامعه شناسی، ترجمه علی محمد حاضری و دیگران. (تهران: نشرسفیر، ۱۳۷۲)
- ۶۸. اشـــــتریان، کیـــــومرث؛ سیاســـــتگذاری فرهنگـــــی، ۱۳۸۰ ([/http://ashtarian.blogfa.com](http://ashtarian.blogfa.com))
- ۶۹. الوانی، سیدمهدی؛ تصمیم گیری و خطمشی دولتی. (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰)
- ۷۰. الیـــــوت، تی. اس؛ برگزیده آثار (در قلمرو نقد ادبی)، ترجمه محمد دامادی (تهران: علمی، ۱۳۷۵)
- ۷۱. انجمن جامعه شناسی ایران؛ مسایل اجتماعی ایران. (تهران: نشر اگه، ۱۳۸۳)
- ۷۲. پارسونز، واین؛ مبانی سیاستگذاری عمومی و تحلیل سیاستها، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۵)
- ۷۳. دان، ویلیام ان.؛ سیاستگذاری عمومی و تحلیل سیاستها، ترجمه کیومرث اشتریان ([/http://ashtarian.blogfa.com](http://ashtarian.blogfa.com))
- ۷۴. کاظمی، سید علی اصغر؛ مدیریت سیاسی و خطمشی دولتی. (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹)
- ۷۵. گیوریان، حسن و ربیعی، محمدرضا؛ تصمیم گیری و تعیین خطمشی دولتی. (تهران: نشر یکان، ۱۳۸۱)
- ۷۶. لوزیک، دانیلین؛ نگرشی نو در تحلیل مسایل اجتماعی، ترجمه سعید معیدفر. (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳)
- ۷۷. مولر، پیر؛ سیاستگذاری عمومی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۸)

۷۸. وحید، مجید؛ سیاستگذاری عمومی. (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳)